

# مصدق و آزادی

مفحه ۲۰

نامه جمعی از عناصر ملی به رسالت و درباره  
نهضت ملی ایران

مفحه ۱۷

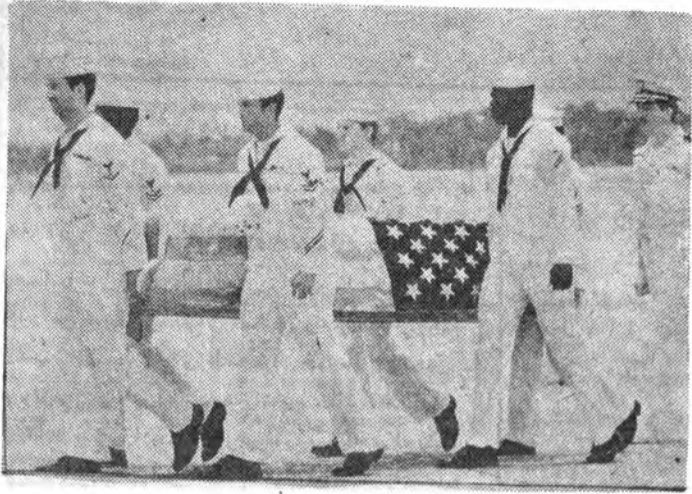
قَارَعَمَ الْعَسْرِيْنِيْكَ اِنْمَعَ الْعَسْرِيْنِيْكَ

## لاه مجبهد

در راه خدا بر تخریب مصائب و سخنرانی تپه‌بش کرد بصفا

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران  
سال ششم - شماره ۴۵ - بهار ۱۰۰۰ ریال

آزردی ۱۳۶۶



### ریشریایی نارساییها

در شیوه اجرای احکام

مفحه ۹

### نامه‌ای به آیت... آذری قمی

در باره فقه سنتی

مفحه ۵

### خطاهای از:

چهارمین کنگره انجمنهای  
اسلامی دانشجویان

### ورد ولی با امام عسیر

در باره آیت... خرغلی

مفحه ۲۱

### انقلاب اسلامی

در آستانه تجاوزی

جدیدتر و وسیعتر

بسم... الرحمن الرحیم

ضرورت بحث

در آستانه هشتمین سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدسمان مشاهده می‌کنیم که همه نیروهای اهریمنی علیه انقلاب بسیج شده و می‌خواهند تجاوزی جدیدتر و وسیع‌تر بنمایند. بر آن شدیم تا در این مقاله اجمالاً تحولات اخیر منطقه و ویژگیهای این اتحادیه جدید را بر شماریم تا در این رهگذر به اقدام مناسب و مقتضی دست یافته و پیامدهای آنرا بررسی کنیم.

اتحادیه تشکیلاتی نظامی سیاسی اعراب و آمریکا

امروز ما شاهد آنیم که بعث عراق به رهبری صدام با ارتش هر و اردن ستاد مشترک تشکیل داده و فعالیتهای هماهنگ را انجام میدهند. اصلی‌ترین کار مبارک و شاه حسین فعال شدن روی جنگ ایران و عراق است.

اخیراً ملک حسین نیز اعلام کرد که داوطلبان اردنی به جبهه‌های عراق اعزام میشوند. مبارک نیز بر ککهای استراتژیک و تسلیحاتی خود به عراق بطور چشمگیری افزوده است. صدام نیز از آخرین امکانات خود در جهت اعزام نیرو به جبهه استفاده کرده است. صدام به تصور خود توانسته جنگ را بین‌المللی نموده و پای ابرقدرتها و قدرتها را به خلیج باز نماید.

تحول چشمگیر دیگر این بوده که تشکیلات رجوی با حمایت کامل صدام در مرز ایران و عراق مستقر گشته و اگر چه تاکنون با عراق و آمریکا همکاری اطلاعاتی نزدیک داشته ولی اخیراً به عملیات تهاجمی نیز دست یازیده است. سعود رجوی تمامی امکانات داخلی و خارجی تشکیلات را در جهت حمایت از صدام و علیه ایران بکار انداخته است و از عملیات آمریکا علیه ایران ابراز خوشحالی می‌نماید.

در حالیکه هدف جنگ تحمیلی از جانب آمریکا و صدام تعدیل انقلاب بود. ولی هدف رجوی براندازی جمهوری اسلامی بوده و سعی دارد دیگر متحدین غربی خود را نیز به این خط‌مشی برساند چرا که پایان جنگ مرگ این تشکیلات است. از جانب دیگر تحول چشمگیری که در خط‌مشی آل سعود نسبت به انقلاب اسلامی بخصوص بعد از جمعه خونین مکه بوجود آمده این است که ملک فهد اعلام کرد که " رژیم ملایان



فقه امام خمینی ص ۲

خط امام در کلام آیت الله منتظری

سخنان آیت الله منتظری در جلسه افتتاحیه  
سینار ائمه جمعه ص ۱۱

رهنمود های مهم قائم مقام معظم رهبری  
پیرامون مسائل دانشگاهی ص ۱۲

اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه

واژه سازی در فقه نباید موجب صف بندی  
استراتژیک شود ص ۱۳

فقه سنتی یا جمود بر فتاوی مجتهدین گذشته ص ۱۳

روحیه انقلابی از شرایط اجتهاد و فقاهت است ص ۱۳

امام خمینی خود تحریر الوسیله ناطق است ص ۱۳

اخبار جنگ اسلام و کفر

آیا مسئولین ما میخواهند با استکبار سازش  
کنند؟ ص ۱۴

پذیرش قطعنامه شورای امنیت نجات حتمی  
صدام است. ص ۱۴

اتحاد بینگانه آمریکا صدام از تجاع عرب  
رجوی ضد انقلاب در تجاوزی جدیدتر  
و وسیعتر. ص ۱۴



### ریشریای اجمالی از مباحث رسالت

مفحه ۲۲

### سیاست خارجی جمهوری اسلامی

مفحه ۴

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی



امریکا و اسرائیل همدستان عربستان  
در سرکوبی حجاج

کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
این حادثه بزرگ (حادثه حجاج) نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً آزادگان جهان و ملت‌های اسلامی را جریحه دار و متالم ساخته است. مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیدماند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگ‌های ایادی امریکا چون شاه و صدام رادر حمله به عزاداران حسینیه و آتش زدن قرآن‌ها و مساجد برداشتماند این حوادث غیر مترقبه و شگفت‌آور نیست که دوباره دست‌کشی‌های امریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین بدر آید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و بی‌همانان خدا را نشانه رود و بدعیان سقایت حجاج و عمارت مسجد الحرام، خرابانها و کجی‌های که را از خون مسلمانان سیراب کند.

آل سعود با این جنایت وابستگی خود را به  
امریکا و اسرائیل به بهترین وجهی افشا کرد

کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" مادر عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه است محمد (ص) و پیروان ابراهیم حنیف و عاطلین به قرآن کریم گردیده‌ام ولی خداوند بزرگ راسپاس می‌کند اربم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما از کم‌عقلان و بی‌خردان قرار داده است. چرا که خودشان هم درک نمی‌کنند که حرکت‌های کوشان سبب قوت و تبلیغ انقلاب ما و معرفت مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله‌ای سبب ارتقاء مکتب و کشورمان را فراهم کرده‌اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می‌کردیم و اگر هزاران مبلغ و روحانی را به افکار عالم می‌فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام آمریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسوردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم به صورتی چنین زیبایی توانستیم و اگر می‌خواستیم پرده از چهره کریمه دست‌نشانده‌گان امریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضا خان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام - زبانی و مخالفانش با قرآن نیست و همه نوکر امریکا

● این حادثه بزرگ (حادثه حجاج) نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و ملت‌های اسلامی را جریحه دار و متالم ساخته است.  
● حکومت سعودی مطمئن باشد که آمریکا لکه تنگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوش پاك نمی‌شود.

# حزب امام را منار تضعیف

رشد و گسترش انقلاب  
با جنایت آل سعود  
عمیق تر و گسترده تر شد

کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" جمهوری اسلامی ایران الحمدلله در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورهای و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواهی و شهادت حقایق ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان بدست خادم الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ماریاری دهند. و چه زمین افتاده‌اند صدام و حسین اردنی و حسین مراکتی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی

یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع صلاح سلطان در حرم خدا و احترام مومنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده‌اند و با مسائل از پیش فراهم شده و نقشه‌های دقیق ربه صفاته به صفوف شیرو مردان و شیرو زنان ما حمله نمودند و آنان را غافلگیر کردند.

خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاج جاری شده است زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است  
کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه تنگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوش پاك نمی‌شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاج جاری شده است زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملت‌ها و نسل‌های آینده از آن سیراب و مستحاران در آن غرق و هلاک می‌شوند و ما همه این جنایت‌ها را به حساب امریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از نمرودها و شیاطین و قارون‌ها خواهیم گرفت.

جهاد در راه خدا بالاترین ارزش اسلامی  
و انسانی است

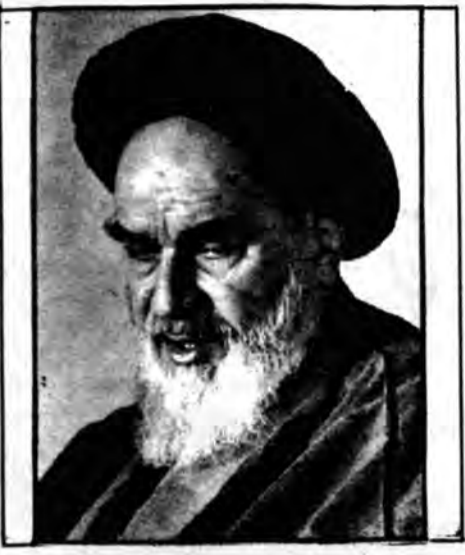
کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوی عند الله و الله لایهدی القوم الظالمین."  
" جالب توجه این که خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا ذکر فرموده و از میان تمام ارزش‌های اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزش‌هاست و آیا خداوند بازکر "والله لا یهدی القوم الظالمین" نمی‌خواهد بفرماید خداوند سعودی‌های عصر را و تمام اعمار تاریخ را مستحرانسی پیش نمی‌داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی‌فرماید ؟  
راه مجاهد  
در این رابطه مطالبی در سرمقاله راه مجاهد شماره

ما همه این جنایت‌ها را به حساب امریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از نمرودها و شیاطین و قارون‌ها خواهیم گرفت.

جنایت که نشاندهنده ضعف و استیصال  
امریکا و سرسوردگان آنان است

کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" گوی عربستان سنگر بزرگی را فتح نموده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع سلطان و پسر و گیاره سلسل بستن آنان و جبر از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نائل آمده است که به یکدیگر تبریک می‌گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است و چه کسی است که نداند توسل به زهر و سرنیزه و لگزش در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدسات و توسل به بهانه‌های پیچ برای درگیری با زینسان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چنین جز استیصال و خشم وضعف امریکا و عجز و ناامیدی سرسوردگان آنان نخواهد بود.

نمانند  
همه‌تد و مامور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت‌ها باز به این زیبایی میسر نمی‌گردد. و همچنین اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلید داران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و بی‌همانان خدا ندارند و جز تا مین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان بر نمی‌آید بدین خوبس نمی‌توانستیم بیان کنیم و اگر می‌خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود این وهابیهایی پست بی‌خبر از خدا ابران خنجرند که همیشه از پشت در قسب مسلمانان فرورفته‌اند به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی‌رحمی عمل کرده‌اند موفق نمی‌شودیم و حقا که این وارشان این سفیان و این لیب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده‌اند.



۴۴ تحت عنوان "دفاع خود جوش مک" آمده است که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

بی لیاقتی آل سعود در اداره حرمین شریفین

کیهان ۱۳ مرداد ۱۳۶۶  
" ... و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره‌ای بیندیشند.

ریشه‌های ناله‌های حضرت علی (ع)  
( توجه به کثرت از معاصی کعبه است)

" من واقعا نمی‌دانم راجع به حضرت امیر از کجا شروع کنم مسئله بحرینی است. مسئله ای نیست که انسان بتواند بفهمد. اینهمه ناله‌هایی که ایشان می‌زند است سردرگم می‌کند و ناله می‌کرده و آن هر

جایی رسیده ناله می‌کرده، آن دعا‌هایی که از ایشان وارد شده است که در آن آنهمه ناله است اینها چیست؟ آیا حضرت امیر (ع) برای خاطر اینکه توجه به این دنیا دارد و از مرتبه وحدت بسوی کثرت آمده است اینقدر فریاد می‌زند ؟ آیا توجه به کثرت موجب اینهمه فریاد ایشان هست ؟ آیا در آن ناله‌های شب و در آن چاه‌ها که ایشان ناله می‌زدند و در آن مواردی که ایشان با خدای تبارک و تعالی مناجات می‌کرده است، راجع به این معنا بوده است - راجع به این بوده که خدا یا مرا از جور خودت برگرداندی به عالم کثرت و همین حرفی که رسول اکرم (ص) فرمودند. از ایشان نقل شده است که "بیمان علی قلبی وانی لاستغفرالله فی کل یوم سبعین مره". این (بیمان علی قلبی) یعنی من همینطوری بسک که درت حاصل می‌شده یا همین رجوع به کثرت کرده بوده، توجه به این عالم طبیعت با اینکه در نظر آنها جلوه خداست معذالک از آن جلوه باطنی و از آن مرتبه فرخ حضرت الوهیت آنها را واداشته است از این جهت ناله می‌زدند. این مسئله‌ای است که ما نمی‌توانیم در آن گرفتار باشیم.

عرفان علی (ع) مفسر است با  
عرفان و فلسفه و حکمت علمی

" ما خیال می‌کنیم که این حرف‌هایی که فلاسفه می‌گویند این حرف‌هایی که عرفای علمی می‌گویند این حرف‌هایی که حکما می‌گویند اینها نمونه‌ای از این مسائل است. نمونه‌ای از آن سائلی است که برای ولی اعظم، ولی الله اعظم و برای اولیای بزرگ خدا حاصل شده است هست. اینها هم مسائل علمی است. عرفان علمی، فلسفه علمی و حکمت علمی اینها علمی است مگر آن معنایی است که باید باشد."  
بقیه در صفحه ۲۴

من خون و جان ناقابل خودی را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فرود عظیم شهادت امام حسین



بقیه از صفحه ۱ ادامه سرفاله

بایستی برجیده شود، و بدینصورت به خط مشی سراندر علیه نظام جمهوری اسلامی رسیدند. اگر قبلاً عربستان در ظاهر برای پایان جنگ می‌کوشید ولی هم اکنون در جهت ادامه و تشدید جنگ می‌کوشد و شنیده شده که جدیداً یک کمک ۳۵ میلیارد دلاری به عراق نمود است. وحشت اصلی عربستان از ماهیت ضد سلطنتی انقلاب اسلامی است که با پایان جنگ، نه تنها این وحشت از زمین نرفته بلکه باقیام خود جوش مکه، مغایر گشته است. لذا برای بقای خود راهی جز تشدید جنگ ندارد. شیخ و سلاطین خلیج نیز بی‌طرفی ظاهری خود را کنار گذاشته‌اند و باید بر سر سران هر کدام به نحوی صدام را تأیید می‌نمایند. بطور مثال کویت فضای خود را در اختیار جنگنده‌های عراق گذاشته تا تأسیسات و کشتی‌های نفت‌کش را مورد حمله قرار دهد.

آل سعود کوشش کردند که کنفرانس اسلامی و کنفرانس سران عرب را به پایگاهی برای محکوم کردن جمهوری اسلامی تبدیل نمایند.

تحول چشمگیر دیگری که پس از هفت سال مذاکرات، آمریکا مجبور شد که به خلیج فارس لشکرکشی نموده و ناوگانهای خود را به آبهای خلیج سرازیر نماید. مسئولین آمریکایی اعلام کردند که جنگنده‌های اف-۴ و آواکسهای عربستان پشتیبانی کامل از نیروی دریایی آمریکا می‌نمایند. آمریکا با فعالیت‌های خود توانست تظهنامه ننگین ۱۹۸۵ را به تصویب اعضای شورای امنیت برساند. و تمامی جناح‌های دنیا را علیه مابه وحدت برساند.

هدف آمریکا این است که از این طریق انقلاب اسلامی را منزوی و سرکوب نماید. ملاقات پاپ و ریگان، یعنی اتحاد دین و سیاست، وجه دیگری از تحولات چشمگیر نیاعلیه انقلاب اسلامی است. آنها سعی می‌کنند این اتحاد را به نفع خود و راد بر ایران حل نمایند. آمریکا با زدن کشتی ایران اجرواسکله نفتی رشادت جنگ محدودی را با انقلاب اسلامی آغاز کرده است.

مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که اتحاد به تشکیلاتی نظامی، سیاسی جدیدی مرکب از آمریکا و عربستان و صدام و رجوی برای مقابله با جمهوری اسلامی بوجود آمده است. از آنجا که هیچیک از اعضای این اتحاد به بعث عراق را متجاوز نمی‌دانند، لذا اصلی‌ترین هدف این اتحادیه، تجاوز جدید ترو وسیع‌تر می‌باشد.

از ویژگیهای این اتحادیه این است که آمریکا نقش رهبری و راهبردی و هماهنگ کننده آن را خود، بعهده گرفته است. دیگری این اتحادیه، اتحادیه‌ای است از تمامی مستکبرین جهان علیه انقلاب مستضعفین. در حالیکه اتحادیه‌هایی که در جنگ اول و دوم پس از آن بوجود آمد چنین مرزبندی حق و باطل در آنها موجود نبود و اتحادیه‌هایی بود ناشی از تضاد قدرتها و ثروتها. آمریکا با چنین اتحادیه‌ای میخواهد چنین وانمود کند که ایران قادر نیست مانند معدوق (در قضیه نفت) و امام (در پیروزی انقلاب اسلامی) از تضاد های غرب استفاده کند از این طریق خط مشی کسانی را که معتقدند لازمه حذف صدام لغو حمایت یک جناح غرب از وی میباشد به پس بست برساند.

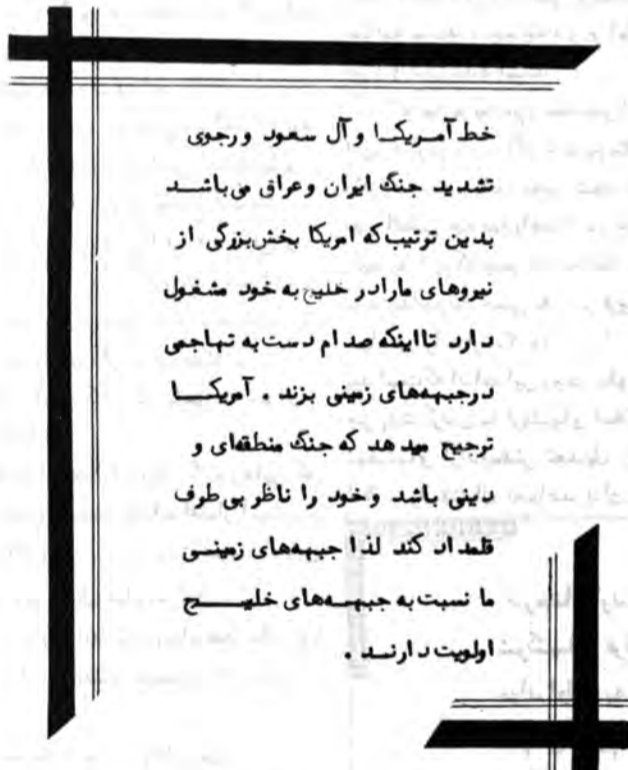
در اینجا دو سؤال مطرح میشود. اول اینکه غرب به چه جوهره عظمی در انقلاب اسلامی پی برده که تمامی نیروهای خود را برای مقابله با آن بسیج نموده است؟ مگر رایران چه میگرداند؟ آیا نمیتوان وحشت، استیصال و بحران غرب را از همین حرکت او بخوس دریافت؟ آیا "بیم" ما از چنینس اتحادیه‌ی صریح و طویلی نباید به "امید" تبدیل شود؟ باید "امید" و "یقین" داشته باشیم که اولاً "چنین اتحادیه‌ای به تبع رشد و گسترش انقلاب اسلامی بوجود آمده و چنین چیزی یک ضد حمله مضطربانه نمی‌باشد. و با صبر و مقاومت ملت ایران، چنین اتحادیه‌ی نامعقولی باید از بین برود و بنوبه خود با اعمال و جنایاتش، موجب رشد و گسترش انقلاب اسلامی میگردد، کما اینکه موضوع بحث یکی از جلسات شورای همکاری خلیج این بود که آیا وجود ناوگانها به منظور امنیت نفت، ارزش موجود آمدن تشنج (یعنی بسیج توده‌ها) را دارد یا نه؟ ثانیاً آیا این تشکل همه جناحهای دشمن، ناشی از

جوهره و اصالت انقلاب است و یا اینکه اشتباهات ماموجیات چنین تشکلی را فراهم آورده؟ آنچه مسلم است، از آنجا که انقلاب اسلامی جوهره، ضد سلطنتی و ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی دارد، دیرپا زود، چنین تشکلی بوجود می‌آید ولی از ابتدای انقلاب تا بحال اشتباهاتی داشته‌ایم که این تشکل را زود رس کرده است البته از آنجا که بسا یک جنگ دراز مدت روبرو هستیم این نقیصه نیز در دراز مدت قابل جبران میباشد

اضطراب و نگرانی‌های اسرائیل از اتحادیه جدید

گفتم بد نبال رشد و گسترش انقلاب اسلامی و برای مقابله با آن، اتحادیه نظامی و سیاسی مرکب از امپریالیسم جهانی ارتجاع عرب، بعث عراق و تشکیلات رجوی بوجود آمده است دولت اسرائیل از یکطرف با این اتحادیه مواجه است و از طرف دیگر با کنفرانس صلح بین المللی خاورمیانه.

واقعیت این است که اعراب یعنی مصر و اردن و عراق و آل سعود و کویت و تونس و مراکش و... حاضرند امتیازات قابل توجهی به اسرائیل بدهند. به عبارتی از آنجا که دشمن اصلی را انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند حاضرند موجودیت اسرائیل را، هم در خط مشی و هم در بیانیه‌ها به رسمیت بشناسند و جنگ و محاربه‌ای باهم نداشته باشند این تحول در اعراب موجب شده که آمریکا و متحدانش از یکطرف، و صهیونیستها و جامعه یهود از طرف دیگر فشارها بی بر اسرائیل وارد نمایند تا در کنفرانس صلح خاورمیانه شرکت و به نوبه خود امتیازاتی به اعراب بدهد.



خط آمریکا و آل سعود و رجوی تشدید جنگ ایران و عراق می‌باشد بدین ترتیب که امریکا بخش بزرگی از نیروهای مارا در خلیج به خود مشغول دارد تا اینکه صدام دست به تهاجمی در جبهه‌های زمینی بزند. آمریکا ترجیح میدهد که جنگ منطقه‌ای و دینی باشد و خود را ناظر بی طرف قلمداد کند لذا جبهه‌های زمینی ما نسبت به جبهه‌های خلیج اولویت دارند.

بافت اسرائیل

توضیح اینکه بافت اسرائیل از سه عنصر: جامعه یهود، صهیونیستها و دولت مردان اسرائیل غاصب تشکیل شده است که گاهی منافع این عناصر در یک راستا بوده و گاهی تعارضات و تضادهایی بین آنها پیدا میشود. بطور مثال در شرایط فعلی، جامعه یهود و صهیونیستها با کنفرانس بین المللی موافقت کرده‌اند چرا که این کنفرانس نقطه عطفی است در تبدیل کینه اعراب، از یهود و صهیونیزم به "ایران و اسلام انقلابی". عبارتی تضاد و نزاع عرب و عجم، و تضاد عالم اسلام با صهیونیزم، به تضاد شیعه و سنی تبدیل میشود. باید توجه داشت که رژیم اشغالگر اسرائیل نماینده بخش کوچکی از جامعه یهود و بخشی از صهیونیستهاست بعنوان مثال، تنها در آمریکا ۹ میلیون یهودی وجود دارد در حالیکه جمعیت اسرائیل ۴ میلیون نفر است.

صهیونیزم هم یک حزب بین المللی است و صهیونیستها در همه جای عالم از سهامداران عمده کارتل‌های نفتی و کارخانه‌های اسلحه‌سازی می‌باشند که منافع آنها فراملیتی و فراسوی مرزهاست و لزومی نمی‌بینند که خود را در محدوده حفرانیا بی اسرائیل محصور کنند. از طرف دیگر دولت مردان اسرائیلی نیز خود، هویتی کسب نموده‌اند که اصلی‌ترین منافعشان بقا و حفظ نظام و موجودیت اسرائیل می‌باشد. این رژیم برای حفظ موجودیتش، دست به جنایاتی می‌زند که از یکطرف منافع صهیونیستها در شرکتهای فراملیتی و از طرف دیگر منافع مذهبی و اخلاقی جامعه یهود را تهدید می‌نماید. بعنوان مثال می‌بینیم که کیسینجر و راکفلرها که یهودی و صهیونیست هستند علت منافع فراملیتی شان برخی کارهای اسرائیل را قبول ندارند. مثال دیگر اینکه آبا ایان پس از دفع تجاوز اسرائیل از لبنان، گفت: خبره‌ای که اشغال لبنان به قوم یهود زد در طول تاریخ یهود سابقه نداشته است.

انگیزه جامعه یهود عمدتاً مذهبی و عمل کردن به تورات است، آنها بد نبال امنیت شغلی و اقتصادی هستند حزب بین المللی صهیونیسم با سو استفاده از این انگیزه "جامعه یهود" و اهرم توده‌های آن با عملی غاصبانه اسرائیل را تشکیل داد ولی اسرائیل بعنوان یک نظام و یک کشور بنوبه خود هویت نسبتاً مستقلی کسب نموده است.

بطور خلاصه اسرائیل بر سر یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته که از یکطرف کینه اعراب و بخشی از مسلمین نسبت به آن کم شده و ایران دشمن اصلی آنها شده است و از این طریق میتواند نفسی به راحتی بکشد، ولی از طرف دیگر نگرانیهای زیادی به شرح زیر مواجه است:

الف - نگرانیهای نظامی اسرائیل

۱- کاهش بسیج نظامی اسرائیل و تشدید اختلافات داخلی

از آنجا که ویژگی اسرائیل میلیتاریسم بوده، جامعه خود را تنها در موقعی میتواند بسیج نماید که مردمش احساس کنند دشمنان عرب و عجم، آنها را محاصره کرده‌اند. لذا در وضعیت فعلی که اعراب، اسرائیل را دشمن نمیدانند و علاوه بر مصریقیه تلویحا موجودیتش را به رسمیت شناخته‌اند و محاربه‌ای با آن کشور ندارند، سربازان و مردمش از انگیزه و بسیج خواهند افتاد و در چهار میعان تشکیلاتی میگرددند و این نکته‌ای است که دولت مردان متوجه آن بوده ولی نمیتوانند با جامعه مذهبی یهود و افکار عمومی جهان در میان بگذرانند و یا آنها را قانع نمایند.

اسرائیل با این سیر، موجودیت نظامی خود را در خطر دیده و نمیتواند بودجه‌های سنگین نظامی را به مردمش تحمیل نماید و نتیجه اینکه تضاد های درونی جامعه اسرائیل آشکار شده و تعارضات داخلی آنها تشدید میگردد.

۲- از بین رفتن فلسفه ژاندارمی اسرائیل

نگرانی دیگر رهبران اسرائیل در برابر اتحادیه فوق الذکر این است که امریکابه خلیج لشکرکشی نظامی کرده و دیگر نیازی به ژاندارمی چون اسرائیل ندارد. فلسفه ژاندارمی اسرائیل در منطقه تاکنون این بوده که با فشاری که به اعراب می‌آورد آنها را به آمریکا نزدیک کند، حال که کشورهای چون مصر اردن، عربستان، عراق و کویت آمریکا را به منطقه دعوت کرده‌اند و در یک اتحادیه تشکیلاتی نظامی با آمریکا شرکت فعال دارند، دیگر نیازی به وجود اسرائیل بعنوان ژاندارم منطقه نیست و اسرائیل هم در چنین اتحادیه‌ای نقش فعال نظامی ندارد و نگران این مسئله است که میاد آمریکا و اعراب در سیر مقابله با ایران، به وحدت سیاسی استراتژیک و تشکیلاتی در میدان نبرد برسند.

از آنجا که هم صدامیان و هم رجویستها و هم آمریکا می‌بایست و آل سعود در این میدان تیرد کشته داده و خواهند داد

مباید بر امریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم (امام خمینی)



ضرورت بحث:

یکی از نیازهای اساسی ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بالاخص بعد از تثبیت نظام احساس می‌شود، ضرورت تدوین تئوری سیاست خارجی بر مبنای اصول و ارزشهای انقلاب بود. سیاستی که قادر به گسترش انقلاب در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. بر اساس این نیاز، نهادی بنام "دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی" در مهر ماه ۶۲ تشکیل شد. این دفتر بعنوان مرکز تحقیق مسائل استراتژیک سیاست خارجی، نقش‌های در تربیت کادری و ارتقای سطح و سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارد و در سه زمینه تحقیقات، بحث و تدریس و انتشارات فعالیت می‌کند. در تئورهای مطرحه توسط این دفتر، عدم انسجامی با اصول انقلاب مشاهده می‌شود. منجمله عدم کردن "صدر انقلاب" برای رفع نیازهای جمهوری اسلامی. سیستم شدن این تئورهای موجب می‌شود تا نظام جمهوری اسلامی در مسیر تدوین و گسترش ارزشهای انقلاب در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با اشکالات و ناکاهایی مواجه گردد. ضرورت پاسخگویی به معضلات موجود در سیاست خارجی، ما را بر آن داشت تا بمنظور کفایت در حسد و وسع به این نهاد تنها جهت تدوین اصول سیاست خارجی بر مبنای ارزشهای انقلاب، گامی برداریم امیدواریم این مباحث از جانب سایر نیروهای انقلاب بالاخص نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد برخورد جدی و فعالتری قرار گیرد.

بررسی دیدگاههای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی درباره:

# سیاست خارجی جمهوری اسلامی

## قسمت سوم

نفت  
خودکفایی  
تولید ملی

گزارش سمینار سوم - صفحه ۱۸  
آقای عباس ملکی  
"هدف حفظ ذخایر نفت و جایگزین نمودن گاز و سایر امکانات تولید انرژی به جای آن و تلاش در راه تحقق خواست استفاده تولیدی از نفت است و در نهایت آرزوی فروش فرآورده‌های پتروشیمی در خارج از کشور که در صورت تحقق واقعی آن بدون تردید تغییری بزرگ در اقتصاد کشور پدیدار خواهد شد. خلاصه اینکه از نظر ما وجود ثروت طبیعی نفت در ایران نه تنها مطمئنترین امکان رشد و توسعه آینده و رهایی کشور از وابستگی اقتصادی و کسب قدرت واقعی را تداعی می‌کند."

دیدگاههای موجود در مورد شیوه و روش توسعه اقتصادی

۱- سیاست گسترش واردات و حمایت از صنایع مونتاژ  
در این شیوه از حاصل از فروش نفت و سایر ذخایر ملی در خدمت وارد نمودن کالاهای مصرفی و قطعات مورد نیاز صنایع مونتاژ قرار می‌گیرد. صادق این سیاست اقتصادی و نمونه‌های عطفی آنرا میتوان در کشورهای ایران قبل از انقلاب شیلی و آرژانتین مشاهده نمود.

۲- سیاست جانشینی صادرات بجای واردات از طریق توسعه صنایع سنگین و صادرات

باشیوه مونتاژ در این قسمت که تمامی قطعات مورد نیاز صنایع در داخل کشور تولید می‌شود و حتی تکنولوژی متناسب آن در داخل کشور وجود ندارد لذا وابستگی به کشورهای صنعتی از نظر کارشناس و تخصص مورد نیاز همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند. که نمونه‌های بارز این نوع سیاست اقتصادی را هم میتوان ترکیه کره جنوبی و برزیل دانست. هر چند که روش اول و دوم ظاهراً بسیار یکدیگر دارای اختلاف می‌باشد اما آثار و عواقب هر دو دیدگاه به نقطه‌های واحدی ختم می‌شود که بعنوان نمونه میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) وابستگی به ارز  
در هر دو روش مذکور احتیاج به ارز مشهود می‌باشد مگر همانطور که در روش اول برای هر نوع واردات خارجی از قبیل قطعات اتومبیل یا ماشین آلات صنعتی و... احتیاج به ارز داریم و در شیوه و روش دوم نیز برای خرید کارخانه صنعتی و صنایع سنگین و رفع استهلاک آنها آن نیاز مبرمی به ارز خواهیم داشت.

ب) استقراض  
باتوجه به سیاست اقتصادی تک محصولی در کشورهای جهان سوم و خصوصاً کشورهای نفت خیز نهایتاً تنها محل و مرجع تامین ارز در هر دو شیوه فوق الذکر به فروش نفت و تولیدات حاصل از فروش آن منتفی میگردد. در حالیکه سیر انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق بخوبی نشان میدهد که در خط - مشی آزادی قدس تازمانیکه از در صالحه و آشتی در نیامده ایم نفت و عایدات حاصله آن خواه از طریق موشک زدن به نفتکشها یا سکوها نفتی پاکهش قیمت نفت و ارزش دلار و... بشدت آسیب پذیر و غیر قابل اتکا و اعتماد خواهد بود. از اینروست که برای تامین ارز مورد نیاز به استقراض پناه خواهیم برد.

آقای دکتر شمس اردکانی در صفحه ۸۱ کتاب گزارش سمینار سوم در پاسخ به یکی از سوالات، برای استقراض قیاحتی قابل نشده اند

"س- قرض، قرض است چه بدی داخلی و چه خارجی آیا استقراض از بانکهای داخلی بد حکماری محسوب نمی‌شود یا نه و حد آن چه مقدار است؟  
ج- آقای شمس اردکانی؛ لزوماً قرضه داخلی و یا خارجی نمی‌تواند ذاتاً چیز بدی باشد مهم این است که دولت چه مقدار قرض میتواند داشته باشد و پولهای قرضه را به صرف چنگاری می‌رساند. در صفحه ۸۶ همین کتاب در پاسخ به سوال دیگری اظهار داشته اند

"اصولاً استفاده از اعتبارات برای کشورهای که در بازار گانی دنیا فعال هستند نشانه اعتبار آنهاست و باید حد اکثر استفاده از این اعتبارات شود. در این مورد نباید گرفتار در باطل عوام زدگی شد. بی دلیل نیست که رهبری انقلاب در پیام حج سال ۶۵ جهت تبری جستن از بت نفت ملتس بدعا شدند.

ج) همزیستی صالحت آمیز با شیطان بزرگ  
در تعالیم غریب حوزه مسائل مربوط به اقتصاد از موضوع مربوط به سیاست و سیاست خارجی کشورها مستقل و مجزا تلقی می‌شود. در این خصوص در مورد نقش شرکتیهای چند ملیتی که غالباً تحت نفوذ امریکاست در کتاب گزارش سمینار جلد سوم صفحه ۱۰۱ نوشته آقای فریدون خاکپور میخوانیم

"سوال این است که چگونه میتوان رابطه متصفانه و سودمند و طرفهای بین کشور میزان و شرکتی چند ملیتی ایجاد نمود؟ تازمانی که زمینهای چین سیستم "کلا یک طرفه" ای تغییر نیابد این واقعیت پابرجا خواهد ماند."  
سپس امیدواری خود را نسبت به اقدامات ارگانهای سازمان ملل متحد در جهت تنظیم مقرراتی در مورد فعالیت شرکتیهای چند ملیتی اعلام نموده است. با توجه به اینکه در هر دو شیوه اقتصادی تا اینجا به آن اشاره شد وابستگی به کشورهای صنعتی قطع نگردیده است بنابراین حیات صنایع ما در گرو

حفظ روابط با شرکتیهای چند ملیتی خواهد بود بطوریکه برای تامین کالای وارداتی و تهیه مواد اولیه و تدارک تکنولوژی مورد نیاز احتیاج جدی و حتمی به تراضی با کشورهای غریب و صنعتی پیدا خواهیم کرد ( قابل ذکر اینکه از ۶۵ انحصار بین المللی موجود ۵۶۷ انحصار تعلق به پنج کشور ایالات متحده امریکا انگلستان آلمان غربی فرانسه و ژاپن دارد) در این گونه روابط که بر اساس تراضی طرفین میباشد درازا هر امتیاز اقتصادی که از طرف کشورهای صنعتی و صاحب تکنولوژی اعطا می‌گردد امتیاز اقتصادی و سیاسی و بعضاً نظامی دیگری مطالبه می‌شود. چنانکه درج اول کتاب گزارش سمینار ص ۱۱ ذکر شده است.

"مانند اینکه نوع مخصوص از موشکهای زمین به دریا داریم... اگر دیدیم مثلا چین این نوع سلاح را دارد... باید معین شود که چین در صحنه بین المللی چه میخواهد؟ در خاورمیانه چه میخواهد؟ باید بدانیم که چینی‌ها به انقلاب ما چگونه نگاه میکنند باید بدانیم که چینی‌ها در فروش تسلیحاتشان چه سیاستی را دارند؟..."

پیدا است که ادامه این روند بطور تدریجی حاصلی جز پشت کردن به ارزشهای انقلاب فراموش نمودن نهضت‌های آزادی بخش تعدیل و سرانجام توقف صدور انقلاب را بدنبال نخواهد داشت.

در مینا قرار دادن صنعت جهت توسعه اقتصادی وابستگی به شرکتیهای فراملیتی از زمین نمی‌رود چرا که تولید صنعتی علاوه بر مواد اولیه به تکنولوژی و نیروی متخصص نیازمند است که کشورهای جهان سوم از این لحاظ در ضیق هستند با توجه به چنین ویژگی‌ای در کشور ما تنها راه توسعه اقتصادی غیر وابسته تکیه بر محور کشاورزی است.

۳- سیاست اولویت دادن به کشاورزی و صنایع ساده خودکفا  
همانطوری که ذکرش رفت در مینا قرار دادن صنعت جهت توسعه اقتصادی وابستگی به شرکتیهای فراملیتی از زمین نمی‌رود چرا که تولید صنعتی علاوه بر مواد اولیه به تکنولوژی و نیروی متخصص نیازمند است که کشورهای جهان سوم از این لحاظ در ضیق هستند با توجه به چنین ویژگی‌ای در کشور ما تنها راه توسعه اقتصادی غیر وابسته تکیه بر محور کشاورزی است. اینهم به شیوه سنتی اش چرا که در کشاورزی مکانیزه "وابستگی" از بین نرود. در کشاورزی سنتی کمبود تکنولوژی توسط همسویج و کثرت نیروی انسانی جبران خواهد نمود شد.

ثالثا - به دلیل عدم وابستگی تولیدات به کشورهای امپریالیستی مجبور نشویم تا جهت حفظ نظام جمهوری اسلامی صدور انقلاب و منافع مستضعفین را فدای کتب ویا کمال شجاعت اصل را در سیاست خارجی بزرگوارت از شرکین قرار می‌دهیم نه بر همزیستی صالحت آمیز.

پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام (نه شرقی نه غربی) پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت و تمامی کشورهای اسلامی است  
امام خمینی



# نامه ای بابت آزادی قلمی در باره فقه سنتی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم آیت ... آزادی قلمی عضو جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم  
صاحب امتیاز روزنامه رسالت

مقدمه:

چندی پیش سلسله مقالاتی در روزنامه اطلاعات از حجت الاسلام رضوی درباره فقه بیجاپ رسید هم چنین روزنامه کیهان اقدام به درج سخنرانی آیه الله موسوی اردبیلی تحت عنوان " فقه و مقتضیات زمان " نمود. به دنبال این مقالات و سخنرانی های فقهی، شما نیز در روزنامه رسالت اقدام به درج سلسله مقالاتی تحت عنوان " فقه سنتی " نمودید که این برخورد ایدئولوژیک قابل تقدیر است ولی متأسفانه در این سلسله مقالات واژه هایی مثل " دنباله روان اقتصاد بزبان ساده " صد فقه سنتی، سنتی، نا آگاه، ضد شورای نگهبان، ضد تحریر الوسیله، مخالفت با قانون خدا و ... را در مورد دیدگاه های فقهی دیگر علماء بکار برده بودید که بالطبع مارک تلقی شده و جو سالم را برای ارائه برداشت های فقهی در محل معضلات انقلاب اسلامی مخدوش خواهد نمود.

استفاده از چنین واژه هایی موجب می گردد تا دیگران نیز عصبانی شده و از روال استدلالی خود خارج شوند و متقابلاً در مورد شما یک سری الفاظ ناخوشایندی بکار ببرند. از شما به عنوان فردی مشهور به فقه و فقاقت انتظار میرفت که بدون استفاده از هر نوع مارک و تهمت، با سعه صدر بیشتری برخورد میکردید. استفاده از چنین واژه های نامطلوبی اثر استدلال هایی که در بعضی موارد نموده بودید را تحت الشعاع قرار میدهد که نتیجتاً مانع حل اصولی اختلافات میگردد. مردم ما به روش و شیوه برخورد یک فقیه با مشکلات پیش از استدلال های فقهی و با پیچیده توجه دارند چرا که شیوه برخورد و رفتار و سبب یک فقیه نمایانگر ایدئولوژی واقعی و فقه زنده و ناطق وی محسوب میشود. اثر رفتار فقهی بیش از تئوری فقهی است.

از طرف دیگر برخورد های شما در مقالات " فقه سنتی " بیش از اینکه برخوردی صرفاً فقهی و ایدئولوژیک باشد یک برخورد سیاسی بود.

مالارام دیم در حد دمع و توان، به منظور جلوگیری از تشدید جو مارک و اتهام برخوردی با این اختلافات فقهی و ایدئولوژیک داشته باشیم البته قصد ما در این نامه برخوردی صرفاً فقهی نبوده و بیشتر جنبه های تحقیقی و استراتژیک دیدگاه های مطروحه توسط شما مد نظرمان است. قبلاً نیز نامه ای به جنابعالی در مورد تحریف تاریخ نوشته بودیم که به مسافانه از باب روزنامه رسالت با تمسک به مثنوی اتهام و مارک تحت عنوان روشنگران شرق زنده غرب گرا، با آن برخورد شد امیدواریم با این نامه برخورد دلسوزانه تری صورت گیرد.

روزنامه ای که با سخنان پیش از دستور نمایندگان برخوردی انتقادی داشته و از شیوه مارک و تهمت گله می کند شایسته نیست که خود در استفاده از این شیوه های غیر اسلامی، پیش از ترانز سایر جریانات باشد. سخن امام را در خطاب به روزنامه رسالت فراموش نکنیم که گفتند سبیل انتقاد غیر از سبیل لعن کردن و ضایع کردن است.

## دو قطبی کردن کذب فقه سنتی، فقه پویا

یکبار توطئه های دشمن این است که اختلافات دیدگاه های طبیعی نیروهای انقلاب را بصورت " دو قطب متخاصم " تبدیل کند تا از این طریق مانع حل اصولی اختلافات گردد. بعرضان نمونه اختلاف بخش دولتی - بخش خصوصی را بصورتی معرفی می کند که دولت طرفدار موسیالیسم و بخش خصوصی طرفدار سرمایه دار معرفی میشود در حالیکه هر دو جناح به درآمدت متکی بوده و زیر فشار امپریالیسم قرار دارند.

نمونه دیگر اختلاف دیدگاه های ایدئولوژیک در مورد " فقه " می باشد که بصورت دو قطب متخاصم - فقه سنتی - فقه پویا، مطرح شده است. عده ای به مخالفان فکری خود مارک " فقه پویا " و بدعت و مخالفت با قرآن و سنت، قیاس، خود رأیی و استحسان و ... می زنند و بر متقابلاً مارک هایی چون ارتجاع و سرمایه دار و خان و ... روبرو می شوند.

تا جائیکه ما اطلاع داریم عدتاً سه جریان فقهی - ایدئولوژیک در جامعه ما وجود دارد که عبارتند از:

۱- عده ای معتقدند که فقه موجود آن هم صرفاً در حد رساله های عملیه جرابگری تمام معضلات انقلاب اسلامی و نیاز های زمان برده و نیازی به تکمیل و غنای آن نیست. این عده به طرفداران " فقه سنتی " معروف شده اند.

۲- عده ای معتقدند که فقه فراتر از رساله های موجود محتوایی ندارد و رساله های عملیه نیز قادر به تبیین و حل معضلات انقلاب نمی باشد و می بایست به سراغ قرآن و سنت برای برداشت های نو تری رفت. این عده تکیه بر فقه های سلف نداشته و دستاورد های فقهی آنان را نمی گویند طرفداران این عده نیز به " احیاء تفکر دینی " معروف شده اند.

۳- عده ای معتقدند فقه سنتی محدود به استنباطات فقهی دسته اول نبوده و به جای عده کردن یک گوشه از فقه باید بطور زیربنایی از تمام وجوه فقهی تغذیه یافت تا قادر به حل معضلات انقلاب بگردیم. این عده معتقدند که بین فقه های سلف نیز اختلافات فقهی وجود داشته است و با استناد به فقه های چون شیخ طوسی و شیخ مفید و ... استنباطات فقهی ای مغایر با نظر دسته اول دارند این عده معتقدند که شرایط و مقتضیات زمان در استنباط فقهی تأثیر دارد و اکنون باید روی فقه الدوله و الحاکمه کار شود. در رابطه با این دیدگاه اشاره ای به سخنان آیه ... موسوی اردبیلی، آیه ... صافی، آیه ... جنتی، حجة الاسلام خامنه ای حجة الاسلام رضوی و ... خواهیم نمود. این جریان به فقه پویا معروف شده است. شما در سلسله مقالات " فقه سنتی " بیشتر با این جریان فقهی برخورد کرده بودید متأسفانه در برخی موارد استدلال های جریان دوم را زیر سوال برده بودید که به دلیل عدم مرز بندی چنین در ذهن تداعی می شد که استدلال های فوق مربوط به جریان سوم است از طرفی این جریان فقهی را بصورت قطبی مخالف و در مقابل فقه سنتی قرار داده بودید حال اینکه متدولوژی هر دو جریان واحد بوده و همان قرآن و سنت و عقل و اجماع می باشد مثلاً آیه ... موسوی اردبیلی در سخنرانی " فقه و مقتضیات زمان " به تاریخ اردیبهشت ماه ۶۶ گفتند: شیعه نه آنوقت نه الان قیاس و استحسان و مصالح مرسله را قبول نداشته و الان هم قبول ندارند. اجتهاد بر اساس کتاب و سنت را قبول داشته و دارد. این دیدگاه معتقد است طرح تحول فقه در طول زمان و نیاز به غنا و سیاسی تر شدن آن



نگوئید مردم عوام هستند و نمی فهمند، شکر خدا مردم واقعاً رشد فکری و سیاسی پیدا کردند آیت ال منتظری











اگر اصل را بر مجتهد شدن حدسین قرار دهیم با هر استدلالی که بخواهیم جواز را تمسک کنیم تا فرقی در میان  
مردم مسلم قرآن ارتقا یابد چنین کرده بخورد که کسی از شرایط ظهور حضرت مخرج خواهد بود چرا که در حد (۱۵)  
زمان حد مردم تمسک کرده مجتهد هستند این صلاحیت باید در طول تاریخ تا ظهور حضرت مخرج بود و در این  
راه دینی های خاص (۱۵) زمان اگر بیان قرار گیرد.

۵- هیچ کشور در مسازان علی حق و تودارند به خود این اجازه را ندارند که با قطع نام آرسا زمان حال  
برنج می کنند بکنند برین استند احتیاج به نام دلیل داشته باشند صرفاً به دلیل اینکه نشترنگی در جنب مردم جانی و پیردی  
برای ششم داشته اند مشرین هم بر اساس همین حق درونی اعراض دارند و نام این حق در بدون دلیل راه زمان جنگ  
می خوانند حال با ذکر اینکه امام و زواران گنجان برای نظرات این احتیاج به نام دلیل ندارند برای آنکه حق درونی  
هم چون انحصار انحصار نیست در حدی که گفتار تا قیام آمده ام ؟ چنین ادعاهای در مورد امام و زواران گنجان نیاز  
به دلیل داشت تا موجب تضعیف و مخدوش شدن چهره آنان نگردد.

بخورد استدلال امری ترسیم شریف من اختلافات دنیوی است و استقامت تبعیت بی چون و چرا در این امر  
و منفصل در عهده ای و ناماناضی که با علاوه بر این اصل احتیاجات درون بخورد نام از دعوات خارج نیست باطن آیه  
شریفه جنبش عبادی الذین یتستحبون القول فیتبعون احسنه بر خود میسر از طرف دیگر داشته اند (۱۵)  
داشت و با بخورد تا نفس در سر گرفته اند. لازم به تذکر است که بخورد تا نفس نه تنها موجب تقویت ایمان در دل  
حدت خواهد بود چنانچه بخورد با تو با تفک و بهر سرایه داری و تقصیر دی از حزب نه تنها موجب مظلوم نای به  
حاکمیت رسیدن می گردد بهر جریانی که اقدام به بخورد و هار تا نفس نه طریقی تمسک بر سر گرفته ای چون مارک و انگ  
نمک مال کردن ... در بخورد با ایمان نفس نکند نای به دلیل فقدان باطنی درونی نه تنها به بیگانه بر مذهب است ای  
خارج خواهد رسید.

۲- طبع بر اساس عمیق تقصیر در امر دین بر اساس یک از مسلمین جایز نیست با توجه به این مسند:  
اولاً امامت جزو اصول دین است بنا بر این درابطه است و نام نیز اصل بر اجتهاد است نه تقلید  
ثانیاً: بنا بر همین که برای هم در نفس قابل سره ای این علم بدون تاک و بیج جایی در اصول دین میبایست  
که در سال های عمیق به آن تاکید شود است نه ارد چرا که عدل که از اصول دین مشتق بوده و بنا بر این مقدم بر  
علم می باشد. علم که در جهت تبیین ظلم و یا سازش و عدم مبارزه با ظلم باشد خلاف عدل بوده و باطل است  
نفس علم بر سر می آید.

تا زمانه شما در استنباطات نهی آنان به آن اندازه که در علم و تقصیر تاکید داشته این تاکید  
روی عدل نبود طبیعتاً از چنین علمی، چه حدیثی تواریک و مسلمات استنباط خواهد شد در صورتی که علم بدون تاک  
عدل موزن بر سر ندارد که کسی حق است و کجاست باطل. به نظر ما عدل از اصول دین مشتق شده و نه از  
علم و تفرقه اصول مرفی نشده است بنا بر این مطلب است که اصل عدل (حمت الله) با هر یک استنباطات  
و محمد مردم قرار گیرد بنا بر این تبعیت بی دلیل از امام یا شورای گنجان مغایر با نام و سارا ای علیه میبایست است که  
تاکید بر عدم تقلید در اصول دین (توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت) دارند البته دیده شده که میبایست این معنی  
ترخیص و انزوا و تاق و است را در حد و کارایان قرار داده بودند و چنین نبود که ابتدا مردم را به خود فرزانانه  
و سپس بی صانع و با آنکه سخن گفتند.

۷- دیدگاه است که در باب است خدا از نفس بی مطلق یا از پدید آمدن استدلال می کند حال اینکه  
امام حسین و درباره این دیدگاه می گویند: کیف یستدل علیک بما هو فی وجوده منتقرا الیک  
چگونه در مسأله موجودات که در وجودشان به تزیار منند می توان به استدلال کرد. این دیدگاه در تعبیر آیه: اطلعوا  
البصیر و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکر می گوید باید از اولی الامر به رسول و از رسول به خدا رسیدن  
در نفس بی مطلق رسیدن در تعبیر قرآن و تفسیر فی الدین چنین میگرد که از طریق موقفا به الله در اولی الامر باید از پیامبر  
قرآن و از قرآن به خدا رسیدیم که در نظر فقها معتمد بر حدیثی قرار می گیرد به نظر مفسرین در تعبیر شامین بر لزوم  
تبعیت بی دلیل از نظر کارشناس نامی از چنین روشی نفعی باشد یا حداقل چنین روشی عبادت را در مردم (مصدقین)  
صمیم دانسته ای حال اینکه اگر خدا را بهی برانیم از خدا به آیات می رسم نه با تکس و بدون تکس خدا این ترائم  
بطریق نفعه ادین و آیات خدا نامی بر آگاهی را که همین بطریق خدا هستند مستقل از خدا مطلق می کنیم که این روش با  
واقعیت آیات و خوانایی ندارد. با طبع بر ذات استر زهن خواهد شد ابو عمر نائب اول امام زمان در تبعیت  
صغری علی بنیانی به ابراهیم محمد بن محمد می گوید: اللهم عز عن تکلف فاکت ان لم تعز عن تکلف لم اعرف و کذا اللهم عز عن تکلف  
فاکت ان لم تعز عن تکلف لم اعرف حکمک اللهم عز عن تکلف فاکت ان لم تعز عن تکلف طاعت عن این  
بقیه در صفحه ۲۵

باز هم باید تقصیر قرار گیرد طبع این تمسک نشسته حکم بر نام وجه کدورتی هم از امام و زواران گنجان و بعد  
... خواهد بود بنا بر این زواران گنجان بهیچ دلیل نقی نمی تواند با ارجح تمسک نکند و تمسک نیز تاد تبعیت  
بدون پیوند نقی لا یجوز و به تعبیر برسانه زواران گنجان از حق نیست که بتواند بدون دلیل اصل زور به همین دلیل  
است که آیت استنظر لکنه اند که زواران گنجان باید در رد ادعای تمسک و دلالت را نام کند.

۳- تر آسم کریم مرفی: "ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والنفوس کل اولیة  
مسئله (بنی اسرائیل ۲۶) و بر مفسرین آنچه را که نیست بیان علی حاکم بر سر دیده و دل می کند از آن  
دیده ای باز خواست خواهند شد.

طبع این آیه شریفه به تبعیت از نظر زواران گنجان بر احتیاج به دلیل دارد تبعیت که کرده و بدون نام جایز  
نست چرا که در آخرت بر کسی مشعل عمل خویش است "فمن یصل مشقال ذرة خیرا یراه و من یصل مشقال  
ذرة شرا یراه (الزلزال ۱۸۷) و باید در دارگاه الهی استقامت و در نهایت فقط همان بزرگوار است می شود خداوند  
عدا این با دارانده که شد حق در باج عدل اگر استدلال مسکند به اینکه سران قرآن امام گمراهی بودند خداوند میفرماید  
زین خدایم که چرا اجرت کم کرد یعنی تا صلاحیت داشته تا هدایت و از فضیلت تقصیر و عیب و از گمراهی محبت  
گنید. در آخرت تقدیم به خداوند میگرد که پروردگار از آفات و زواران گنجان خویش زبان مردم سپر گمراه کرده  
تا راه آنها در برابر عذاب لغزت. (احزاب ۶۷، ۶۸) طبع آیه فوق در آخرت تنها همان باز خواست  
نیز به هم و همان بهم مقیدان اخلاف مورخ هم مقفب خداوند قادر مگر که منتهی عذاب سادات  
و کبر و من از عذاب مقیدان است.

باز خواست خداوند از همه اینها در نهایت و ال برای است که انسان بطریق نظر مساحت تمسک کرده  
حق از باطل را در دین صلاحیت هرگاه در انحصار کارشناسی و فقهایی باشد. این صلاحیت نامی امامت در شد  
مراتب نیست امام کسی است که بالاترین درک و از روابط حق و باطل دار است.

و رسول اکرم می آید از این است که باطنی از انصاف را به فرزند هم سپاه بر سر گرفته، درین راه امامت بی غیران  
و افراد سپاه ایادی شود فرمانده انصاف استوری بید که بهیچ هم نشد و بوزانده میسر میگرد آیه رسول اکرم به شما تکلیف نکرد  
است که از من تبعیت کنید از انصاف جواب مثبت می دهند می گوید فرمان میبهم که خودمان را در این آتش یا نایزید  
ولی از انصاف سر می کشید و شایسته این واقعه و از زواران گنجان می برند.

بنا بر این که می گوید: اگر شما به ابروی تن میدادید تا ابد در آتش می سوختید به عبادت و غیر از خدا بر حجت خودی  
بود و از فرمانده ای که در حدیثش رسول اکرم تیر برده است با عرض خداوند است که به دلیل فراموشی بودن مردم پیروی  
قرار گرفت تبعیت از زواران گنجان نیز باید در ذاتی تبعیت از امام خداوند و رسول باشد که تمسک شدن این بهم  
بنا بر این نیاز به دلیل و استدلال رحید دارد.

اینکه می گویند مردم باید از زواران گنجان بدون دلیل تبعیت کنند چنانکه ذکر شد در منابع و قرآن دست و پند  
آخرت است از طریق نظر ما قرار بر مردم از مراجع شان بدون دلیل و بهر دار تبعیت کنند و اینصورت تا کزن  
بیزبونی شده بودند با اخلاف که از مراجع تقلید گردنای بین شریعتی ای می برند فراموش کنیم که جاسوس برین به دنبال  
حرکت مردم تحت مشرف روح اربابا اعلام باید گردد - اقدام به قطع مرجعیت آیم نه قطع نقیبت و قطع دیگر شریعتی  
نمود یعنی تمام حدیثی را در حق شدن حرکت بود که ابتدا از جانب مردم شروع شد و بعد باطنی جاسوس تمام مردم را  
تأسیه نمود مردم به خاطر ظلمت ضد ظلم و عدل طلب شان قادرند استباه میرقفا و مراجع را در بین مراد تقصیر و بهیچ  
آنان را نصیحت نایند چنانچه امام علی علیه السلام در بیع السباعه که از وظایف امامت و نصیحت به امام دانسته اند و حالیکه  
طبع نامده تبعیت بی چون و چرا بدون دلیل از نظر کارشناس نه منول بودن و چرا که بودن مقدس در آخرت  
در آیه و نه صلاحیت مقدس به تشخیص اخلاف مراجع ان. اگر تبعیت بدون دلیل از یک مقام مردم است هیچ کس  
مسئله دارد که خداوند بهیچ امر نبود حتی خداوند نیز خود را مشرف می دانند از اینکه با امامت امر بخورد بی دلیل و دلیل  
ناید چرا که شد حق و استوار دارد قرآن کریم شریعتی همین سیر بخورد استدلال به پروردگار با رسول اکرم امامت این  
بود است.

۴- اصل بر مجتهد شدن است نه معتمد شدن حال در اصل تبعیت بی دلیل از نظر کارشناس چطور می تواند  
این اصل را تحقق دهد. ما خدا را از بدین بهیچ که پذیرش شکر دران خدا را مشروط بر شکر این نکرده بود. کجی که آن  
شرایط این بود که اصل را بر مجتهد شدن قرار دهند نه معتمد شدن به عبادت دیگر تکیه کنند و خدا کفا باشند به صرف  
کنند و نام به استخلص.



# ریشه‌یابی نارسائی؛

## در شیوه اجرای احکام

بالذمت بیست و نه سال از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار نقاط ارزش و دستاوردهای نوازی که در زمینه تحقق عدالت اجتماعی - اتخاذ موضع ضد استکباری ، صد و انقلاب به جهان مستضعفان ، مقاومت در برابر دشمن تجاوزگر - مبارزه با فساد علی نظام شاهنشاهی گسترش فرهنگ اسلامی - برپایی و حفظ حکومتی که طرا سیاسیستایش نه در سکوت و نه در واکنش است و ... داشته ایم ، شاهد رشد نقاط ضعف و ضد ارزش‌هایی هم در نظام حکومتی و مسئولین و هم در میان مردم هستیم. نقاط ضعف و خطوط نارسائی همچون : محدود کردن آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی - برده پستی برخی از حمایت از مردم و بکارگیری شیوه دروغگوئی - بکارگیری شیوه اعمال فشار و شکنجه به منظور کسب اعتراف از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی و سکوت در مقابل بکارگرفته شدن این شیوه - بکارگیری شیوه مقابله به مثل در بیابان و حمله موشکی به شهرهای عراقی برخورد ناعاقبتی با صف‌هایی نظیر بی‌حجابی و بدحجابی - هنزدی کردن جریانهای سالم سیاسی به جرم اختلاف نظر در مسائل سیاسی و اقتصادی با شیوه‌های تهمت و تکفیر و ... گسترش این نقاط ضعف ما را بر آن داشت که به منظور جابه‌جایی و حرکت در جهت اصلاح آن قدمی بسوی ریشه‌یابی این مسائل برداریم. از آنجا که بسیاری از این شیوه‌ها توسط افراد و جریان‌هایی بکار گرفته می‌شود که در رشد ارزش‌ها و نقاط قوت انقلاب نیز نقش داشته‌اند. در کوشش برای ریشه‌یابی نارسائی‌هایی بابت به تحلیل منجمی دست یافت که بتواند نقاط ضعف و قوت آنها را با هم تبیین کند یعنی بتواند چشم زتن و مبارزه علیه کمپ دیوید و آمریکا و زدن موشک به شهرهای عراقی توسط یک رژیمنده را تبیین کند. نطق‌های صد استکبار و ظلم و احتیاج در مجامع بین‌المللی و بکارگیری و یا حداقل سکوت در برابر این شیوه‌ها را در

داخل تبیین نباید. چشم زتن بیعی به منظور دفاع از آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی و برهم زدن مجلس ختم و یا علیه سیاسی یک گروه آزاد سیاسی را با هم تبیین نباید.

در بررسی علل نقاط ضعف و قوت انقلاب به چند شیوه اجرای احکام اسلام و ضروریات انقلاب بر می‌خوریم که آنها را مضمراً :

- الف - اجرای منفرد احکام اسلامی .
  - ب - اجرای احکام از طریق تشکیل حکومت اسلامی .
  - ج - اجرای احکام اسلامی به منظور تحقق قیام الله .
- لازم به تذکر است که این مقاله ، مقاله‌ای تحقیقی است و طبعاً خالی از اشکال هم نمی‌باشد و ما خود نیز در یک مسیر بحث به آن رسیده‌ایم ، تذکر نقاط ضعف و قوت این جمعیتی بوجب تعالی و تصحیح این نقطه نظری باشد.

### اجرای منفرد احکام

جریان در میان مردم و مسئولین به اجرای کامل و تمام عیار یک حکم دینی یا واجب اسلامی و مبارزاتی اتمناً دارند و برای به اجرا درآوردن حکم مورد نظر خود صبر زیادی نمی‌کنند و هیچگونه نسبتی را هم نمی‌پذیرند و مهم‌تر از همه اینکه شیوه‌شان این نیست که نارسائی‌ها را در ضمن رشد و تمامی جامعه در مبارزه با دشمن اصلی حل کنند. مثلاً می‌خواهند سریعاً فساد و بی‌بندوباری را در جامعه حل کرده و بی‌حجابی را از میان بردارند. لذا بدون اینکه به ریشه اصلی فساد توجه کنند بای‌حجابی و بی‌بندوباری می‌خواهند متحصص بی‌تعهد مصدر کار نباشند. لذا هر کسی را که از نظر خودشان تعهدند است از کار برکنار می‌کنند و متحصص بی‌تعهد را به متخصص تبدیل می‌کنند

یا عده‌ای می‌خواهند با القاطی‌ها و القاط مبارزه کنند. لذا با چاپ هرگونه کتاب به نظر خودشان القاطی مخالفت می‌کنند و هرکس را هم که القاطی بدانند از ارگانها و اداره جات بیرون می‌کنند. بدون اینکه توجه داشته باشند که اصلاً ریشه القاط در چیست و در این میان اولین ضروری که می‌بند این است که دوش حکومتی کشور را به القاطی از اسلام و دیکتاتوری تبدیل می‌کنند. این جریان در عین اینکه از این نقطه قوت برخوردار است که در مقابل انحرافها سازش نمی‌کند و به تشدید جو مبارزه علیه فسادها و سودجویی‌ها و انحراف‌ها کمک میکند لکن باعث یایمال شدن عدالت در مورد افراد و طبقات جامعه و ایجاد دشمنی در میان مردم شده و جامعه را از تصحیح انحرافات و لغزشها باز می‌دارد.

و نارسائی‌ها و مشکلاتی که در اجرای احکام اسلامی وجود دارد و ریشه‌یابی آنها و راه‌های اصلاح آنها را در این مقاله بررسی می‌کنیم. در این مقاله سعی می‌کنیم تا حد امکان به ریشه‌یابی نارسائی‌ها بپردازیم و راه‌های اصلاح آنها را نیز پیشنهاد کنیم. امید است که این مقاله بتواند در جهت تحقق قیام الله و مبارزه با دشمن اصلی ما ، استکبار و موشکی ، کمک کند.

### اجرای احکام در سایه تشکیل حکومت اسلامی

جریان در میان مسئولین و مردم بر این اعتقاد است که احکام اسلامی را تنها در صورتی می‌توان پیاده کرد که بتوان تمامی احکام را به مرحله اجرا درآورد و تمامی احکام را هم تنها در صورتی که نظام اسلامی تشکیل شود می‌توان به مرحله اجرا درآورد. لذا لازمه اجرای احکام تشکیل حکومت اسلامی و یا برجاماندن آن است. بنابراین حفظ نظام جمهوری اسلامی، شعار راه اجرای احکام اسلامی و واجب‌تر از هر واجبی است و سقوط نظام جمهوری اسلامی از هر نژادی بدتر است.

آمریکا از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل و اهدمه داشت



ادامه ریشه یابی ...

← بهره‌کاری می‌بایست کاری کرد که نظام برپا بماند. این اعتماد در کنار دو منطبق و خوب مقدمه واجب و دفع افسد به فاسد (مقدمه اجرائی واجب و نیز واجب است و فاسد را با کاری که فساد آن کمتر است می‌توان از بین برد) سیستمی را می‌سازد که بسیاری از نارسائی‌ها را بوجود می‌آورد. مثلاً برای حفظ جمهوری اسلامی و شکست رنجور در جبهه، مقابله به مثل موشکی پس از سالها تحریم و جنایت خوانده شدن، مورد اجرائی قرار می‌گیرد و مقابله به مثل سیمیایی هم توصیه می‌شود. یا برای ضربه وارد آوردن بر تروویسم و در هم شکستن تشکیلات آنها تا نوزن اساسی و ارزش اصول انقلاب زیر پا گذاشته شده و شکلیه به منظور اعتراف مباح می‌شود. چرا که استدلال می‌شود که مقدمه واجب (که فشار بر تروویسم مهم باشد) برای انجام واجب (در هم شکستن تروویسم به منظور حفظ ثبات نظام جمهوری اسلامی) واجب است و یا اینکه: در جبهه شکلیه کار فاسد و غلطی است لیکن سقوط نظام جمهوری اسلامی - که پس از ۴۰ سال شکل یافته و امید متصفین جهان است - فاسد تر است و با بکارگیری این شیوه می‌توانیم فساد بزرگتری را مانع شویم.

این سیستم نگرانی‌های این نظام ارزش است که به تشکیل حکومت اسلامی معتقد است و شیوع این تکرار در ملین جهان باعث به حرکت در آمدن آنها بسوی ساقط کردن نظامهای کفر و شرک و برقراری حکومت اسلامی می‌شود و همچنین این سیستم نگرانی به کوشش برای حفظ جمهوری اسلامی منجر می‌گردد که انگیزه و الائی در مقابله با امپریالیسم است و حقوق نژادانی برای برگردن جبهه‌های جنگ به ارمغان می‌آورد، لیکن نارسائی‌های فراوانی را هم در بر دارد. این سیستم نگرانی باعث می‌شود که با انگیزه حفظ نظام، ارزش‌های مکتبی انقلاب زیر پا گذاشته شود. برای حفظ جمهوری اسلامی کوشش برای تحقق عدالت اقتصادی موقتاً و بعداً بطور رازمدت تقطین شود، متصفین ها حاکم شوند و انقلاب آتشی‌های نا آشنا همچنان در گنهای باقی بماند

اجرائی احکام اسلام به منظور تحقق «قیام‌بدش»

جریانی از مسئولین و مردم معتقدند که مهمترین وظیفه هر مسلمان، حرکت نبوی خدا و تحقق

صنات الهی در وجود خود و جامعه است. مهم‌ترین وظیفه را در قیام برای خدای دانند و قیام برای خدا را هم در قیام برای تحقق حاکمیت خدا و عدل الهی و از بین بردن ظلم و استثمار انسان از انسان می‌بینند و به این دلیل با هرگونه ظلم و استکبار درگیری می‌شوند و پس از پیروزی بر نظام استکباری به تشکیل حکومت اسلامی می‌پردازند. پس از تشکیل حکومت هم کار اصلی خود را ادامه می‌دهند برای تحقق عدالت در داخل و مبارزه با مظاهر ظلم و شرک در جهان می‌بینند زیرا حیات واقعی را در تیا مگری در راه خدا و مبارزه با استکبار می‌دانند.

خلوص عشق به خدا را جز در نفرت از ظلم و شرک و مبارزه علیه آن نمی‌بینند. به این دلیل صدور انقلاب به جهان متصفین و درگیر شدن با بزرگترین تدریهای فرعون را وظیفه خود می‌دانند. حفظ جمهوری اسلامی را به این دلیل که نقطه امید متصفین کنونی است و یا نگاه صدور انقلاب است تکیه گاه استراتژیک حرکت الهی می‌باشد از اهم واجبات می‌دانند. معتقدند که سقوط نظام جمهوری اسلامی ملین و متصفین جهان را برای مدتی نا امید و تپایی را که در جهان اسلام علیه استکبار بر وجود آمده است، کندی کند. معتقدند اگر این نظام در هم شکسته شود جریان سرکوبگری بر سرکاری آید که تمامی نیروهای مستقل و مکتبی را تحت تعقیب قرار داده و از میان ببرد و حرکت اسلامی برای مدت مدیدی عقب می‌افتد.

این جریان در عین حال بدلیل وجود برخی ضعف‌ها

نارسائی‌ها را ایجاد و یا دامن می‌زند، نارسائی‌هایی که به اصل حرکت ضربه وارد می‌آورد و زمینه سوء استفاده جریانهای منحرف و معاند را باز می‌کند. مثلاً برداشت مشهور و غلط از ماعده و خوب مقدمه واجب در آنها هم یا بگناه دارد و بجای اینکه مقدمه را الزاماً از سنخ حد بدانند در مقابل شیوه‌های غلط بکار گرفته شده برای دست یابی به هدف (حفظ جمهوری اسلامی) عکس العمل چندانی نشان نمی‌دهند

علت عدم تدوین قوانین اقتصادی و استخراج ندرت شیوه اداره امور مختلف مملکت از خدا و صنات خدا، در عمل ناچار به تن دادن به آن دسته از احکام فقهی و قوانین اجتماعی می‌شوند که در آنها عدالت تحقق نیافته است.

این جریان جوهری ترین نیرو در تحقق و ادامه مبارزه اسلامی و ضد استکباری در ایران و منطقه است و نقاط ارزشی انقلاب اسلامی از دل این جریان سرچشمه گرفته است. راه صحیح ادامه انقلاب و از بین رفتن نارسائی‌ها در تحقق هر چه بیشتر این جریان و مبارزه با ضعف‌های آن است.

بایستی نیروی خود را در انجام نصیحت‌ها شیوه‌ها و اصول و استخراج شیوه‌های اداره شیون جامعه بکار بیاورد، شیوه‌هایی که در آنها صنات خدا تحقق یافته باشد یعنی در عمل احکامها را با اسم رب متقیم کنیم.

والسلام

بقیه از صفحه ۲۸ ادامه نامهای ...

بجهت غیر نژاد و دین و ملیت و غیره که در این زمانه با هم چنانکه مجتهدی که اکنون نژاد منسوب و الهی است از زمان قبل آمده و لسانی را که نسبت به برتره‌های که همراه با کمال و پرستی است به پدید می‌آید ارتباط فتن برقرار کند ... فتنه‌های استبداد فتنه‌ها علم از دین می‌باشد و فتنه‌ها و ساقی بر چند در فرعونیت زمان خود را مورد درجه قرار داده و احکام شرعی را با استتراج نمرده اند و به دلیل اینکه مرضعات مستعداً در آن زمان وجود خارجی نداشته است و در زمان کنونی پدید آمده، طبقه مورد استبداد فتنه و آن عزم قرار گرفته است لذا این است احکام شرعی که در این زمانه سرچشمه است سرچشمه است

مسئله مستعد نیز در اثر تحول و تحولات این دوره فتنه در یک زمان شتر تن می‌دهد امری است و انعقاد با شت ولات در آن زمان شکل شتری می‌شود و خاطر شکل و قیام شتر نبوده بلکه به دلیل کاربرد شتر در روابط اجتماعی و اقتصاد در این زمانه داشته، بوده است اکنون با پدید آمدن کالاهای و لوازم کار بر شتر را دارند تا ناکه را به آنها شتر شتر را در آن اگر در دست راست فرج زندگان شتر و فریبده از راستین بود باز هم زمانه به شتری که فتنه در زندگانی ما شتر نبوده است شتر نیست ؟

در رابطه با اینکه استبداد فتنه شتر را به شتر ایل بوده و معادین احکام در یک شرایط فانی شتری به شتر ایل شتری است و در این استبداد استبداد فتنه شتر را به شتر ایل کرده که در این استبداد فتنه شتر را به شتر ایل کرده است و در این استبداد فتنه شتر را به شتر ایل کرده است

«اسلام» ایراد نموده می‌نمایم:



آمریکای دهم امر است



خوشم

آیند استبداد: "عدالت وضع می‌دهد، در صورت فتنه، خواهد آمد و نگاه از تسلیت و جمع، تحمل و نگاه، عدل



# خط امام در کلام

## آیت الله منتظری



پیادار ایامه جمع  
آیت الله منتظری در جلسه افتتاحیه سمینار  
ایامه جمعه سخنان مبسوطی پیرامون فاجعه سه  
مکه داشتند. ایشان ضمن درخواست از  
کلیه مسلمانان جهان برای مقابله با حکام  
سعودی، از ایامه جمعه خواستند در طی این  
سمینار طرح مشترکی را جهت اداره حرمین  
شریفین تهیه و آنرا در معرض دید و مشورت جهان  
اسلام قرار دهند.

آیت الله منتظری در ادامه بیاناتشان  
رهنمودهایی علی در باب وظایف ایامه جمعه  
و شیوه برخورد ایشان ارائه فرمودند که به  
ذکر قسمتهایی از آن می پردازیم.

### نیت و مقام وظیفه و مسئولیت است نویسیه امتیاز

آیت الله منتظری: یکی از مسائل که خیلی  
مهم است، اینکه این نیت و مقامها از آن  
بالا پیش گرفته تاریخ است جمهوری و نخست وزیر  
وزارت و امامت جمعه و غیره را در اسلام نباید  
بعنوان نیت و مقام نگاه کرد. بلکه مسئولیت  
و بار سنگینی است که به دوش انسان افتاده و  
نجا را باید تحمل کند.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه پنجم  
نهج البلاغه به اشعث ابن قیس که استانداری  
آن ریایجان بود می فرماید: «وان عملك ليس  
لك بطعمه، ولكنه في عنقك امامه» (عمل تو  
رزق و خوراک توست ولی آن عمل امانت و  
سپردن تو است.)

امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام رفتن  
جنگ با مردم بصره، به نزی قار که رسیده  
بودند گفتش پاره شد میو نشست بود آنرا  
وصله میکرد. این عباس آمد گفت حالا وقت  
وصله کردن گفت است؟ شما امیر مسلمین  
هستید، امیر این جمعیت هستید. حضرت  
فرمود: «ما قیمة هذه النعل؟» این گفت ما  
چقد رازش دارد؟ این عباس می گوید لایقه لها  
این گفتش پاره ارزشی ندارد.

..... حضرت می فرماید: «والله لیس  
احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع  
باطلا» این گفتش در نظرم از امارت و خلافت  
شما محبوبتر است. سرش هم معلوم است

برای اینکه گفتش رفع حاجت را می کند اما امارت  
و خلافت وظیفه و مسئولیت است. بنابراین گفتش  
محبوبتر میشود. الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا  
مگر اینکه بتوان در پرتو سایه این حکومت حقی  
را بنیاد ارم و باطلی را بر طرف کند.  
پس بنابراین هیچیک از بزرگان نباید این  
مقام را یک ارزش و وسیله امتیاز قرار دهند.

### در خطبه حاضر آیه شعاری و سیاست روز اکفا نکرده و بحثهای عمیق ترویج می شود هم نباید

آقایان سعی کنند خطبه های جمعه را بر  
محتوی کنند که جاذبه داشته باشد، روی آن  
مطالعه داشته باشند. یک نماز جمعه که روز  
جمعه میخوانند و طبقات مختلف مردم شرکت  
میکنند همه که مثلاً «مشتی حسن کشاورز نیستند  
چه بسا اساتید دانشگاه، دانشجویان و فضلا  
می آیند. باید طبقات مختلف بتوانند از خطبه  
جمعه شما استفاده کنند. روی آن مطالعه  
کنند، قسمتهای مختلف داشته باشد فقط به  
شعار و سیاست روز اکتفا نکنند هر چند که  
سیاست روز هم لازم است.  
..... مثلاً یک خطبه را بحث تفسیری یا  
اعتقادی بگویند. در ضمن دعوت به تقوی  
داشته باشید. تحکیم عقاید مردم، آشنا کردن  
مردم به کتاب و سنت، آیتاتی از قرآن و  
احادیث خوب را برای مردم بخوانید.

### اخلاص در سادگی زیستی و پرچیز از شرفی میسر میشود

نکته دیگر اینکه در کارهایتان خلوص نیت  
داشته باشید که عمل صالح نزد خدا خیلی  
اجر دارد. در زندگی همانطور که سیور رسول  
الله (ص) واقعه اظهار بوده سادگی  
کنید. من بارها عرض کردم که آقایان علمما  
می بایست از خیلی مباحثات که خدا حلال کرده  
گرفته است بواسطه جو صرف نظر کنید.  
زندگی ساده ای داشته باشید که مورد اشکال و  
سوز برای دشمنان نباشد که بگویند حکومت  
دست آخوند ها افتاده ببینید چکار می کنند؟  
..... امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:  
«ان الله فرض علی امته العدل ان یقدروا  
انفسهم به ضعفه الناس کلا یتبع بالفقیر  
فقره»، رهبران عدالت بایستی که خودشان  
راهم سطح ضعیف ترین مردم کنند تا اینکه  
موجب تهییج مردم وضعفانشوند. حالا مثلاً  
شرایط طوری شده که از نظر اهمیت آقایان  
ناچارند محافظت و ماشین داشته باشند،  
همینهارا هم میشود کم کرد. تا اندازه ضرورت  
تقاعد کنید.

راه مجاهد:  
اخلاص حرف زیبایی است که در اوج توحید بایستی با مردم برخورد خوبی داشته باشند



از آنجاییکه اخبار و اطلاعات صحیح (که ما می- همانطور که هستند) تحلیلها را با رورمینا  
بر آن شد مجموعه ای از اخبار مهم ماه را در بخشوا نشریه که به اینکار اختصاص دادیم  
درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما را اینکار عبارتند از:  
۱- کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.  
۲- دادن بینش استراتژیک از رویداد های ایران، منطقه، جهان.  
۳- کمک به مهیج کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.  
ضمناً ما مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند.

ولورباب رجوع تند هم هست، عصیان هم  
هست، شما نباید تند باشید.  
..... عالمی که بخواید با قلد رمآبی و  
اعمال جبر و قدرت علمش را بخورد مردم بند هد  
این اخلاق تندش علم او را هم از بین می برد.  
«ولانکونوا علما جبارین و یذهب باطلکم به حقکم»  
آن روش باطل عمل حقتان را هم از بین می-  
برد. آقایان وسعت نظر داشته باشید مردم  
همه یک سطح نیستند، همه هم خط شما  
نیستند، همه هم سطح شما نیستند.

آیت الله منتظری در ادامه ضمن بحث در  
روایتی از قول امام صادق علیه السلام در جلد  
۲ اصول کافی صفحه ۳۸۲ افزودند: اگر  
می خواهید قدرت اسلام برقرار باشد، اگر می-  
خواهید انقلاب پا برجا باشد، اگر می خواهید  
با کفر جهانی جنگ کنید، نیرو احتیاج دارید  
اگر به همه مردم مسلمان بپردازید همه نیرو-  
های شما هستند و وسیله آنها می توانید بسا  
کفر جهانی مقابله کنید. اما اگر نخواهید همه  
رانگ بزنید، افشاگری کنید، هوکنید و مرعوب

میسر میشود ولی وقتی به شیوه های ریز و  
عملی تبدیل می گردد، عمل به آن مشکل میشود  
عدای از مقدسین اخلاص را در انداختن عبا  
بر روی چشم و ندیدن پدیده ها و عبادت  
فردی و مستمری دانند که تحقق آن خط مشی  
پستونشینی می گردد. ولی امام خمینی در  
پیام حج ۶۶ گفتند خلوص موحدین جسز در  
سایه براهت از مشرکین میسر نمی گردد.  
بعبارت دیگر مبارزه با مشرکین است که  
ناخالصیهار و شده و پایا کسازای ای-  
ناخالصیها است که به مرحله اخلاص میسریم.  
این سخن امام در کلام آیت الله منتظری  
به شیوه ای ریز تر و تفصیلی تر بیان شده  
ایشان بارها تذکر داده اند که اگر نخواهیم  
مشرکین مبارزه کنیم بایستی نوع زندگیمان  
ساده بوده و با آنها تفاوت داشته باشد.  
ایشان به وجه دیگر اخلاص نیز توجه داشته  
و آن اخلاص در سادگی زیستی و براهت از رنشه  
و اشرافیگری مشرکین است. وقتی تحقیق  
خلوص در شیوه های ریز از طرف امام و آیت

- ۱- برای مقابله با کفر جهانی اگر نخواهید همه را «انگ» بزنید  
افشاگری کنید «هو» و «مرعوب» کنید کسی برایتان نمی ماند.
- ۲- پیغمبر اکرم از زمان نبوت تا آخر کد امیک از صحابه را طرد  
کرد؟ صحابه پیامبر هم خطوط مختلف داشتند. تا دم آخر  
پیغمبر همه شان را داشت. به همه آنها می داد و به هر  
کدام به اندازه وسعتشان مسئولیت می داد.

تشد و کتار بزنید کسی برایتان نمی ماند از  
پیامبر یاد بگیرید. پیغمبر اکرم (ص) از زمان  
نبوت تا آخر کد امیک از صحابه را طرد نکرد؟  
صحابه پیامبر هم خطوط مختلف داشتند، تا  
دم آخر پیغمبر همه شان را داشت. به همه آنها  
بهم می داد و به هر کدام به اندازه وسعتشان  
مسئولیت می داد.

### انجمعه بابا لاردن سطح علمی خود، نیازهای سیاسی، اقتصادی و ... مردم را بطور منطقی جوابگو باشند

نکته دیگر اینکه آقایان سعی کنند در  
منطقه خودشان اشتغالات علمی هم داشته  
باشند. حوزه ها را اگر کنید و به اندازه قدرت  
خودتان درس و مباحثه داشته باشید. اگر  
بخواید همه کارهایی که در منطقه هست  
خودتان انجام دهید البته که وقت کم می  
آورد. از دانشمندان هر منطقه ای استفاده  
کنید. تواضع هم بکنید، از شما پیروم تر هست

الله منتظری معرفی میگرد در دیگر راه توجیه  
بسیاری خیلی، هابسته میشود. دیگر نمی توانند  
بگویند از آنجا که پیامبر بهترین اسب را داشت  
ما باید بهترین و آخرین مدل بنزرا داشته  
باشیم و برای اینکه سروصدای چه هانما زمان را  
بهم نزنند بهترین و پیراتاق ترین خانه را  
داشته باشیم.  
امروزه جنگ ماد در مراحل سخت قرار گرفته  
ملاحظه می کنیم عمده رزمندگان را دهقانان و  
دانش آموزان تشکیل می دهند که از نوزندگی  
ساده ای برخوردار هستند. نوع زندگی در  
مقاطعی تاثیر تعیین کننده روی خط مشی  
می گذارد.

### در سبب از پیامبر ص، باید وسعت نظر داشته باشید، همه که هم سطح و هم خط شمانیستند

نکته دیگر اینکه آقایان علما و مسئولین  
اخلاص حرف زیبایی است که در اوج توحید بایستی با مردم برخورد خوبی داشته باشند



**خط امام...**

شماره پخته‌تر و لازم نیست که او بیاید دست بوس شما حالا اگر امام جمعه هستید این یک امر اعتباری است. نمایند امام هستید، خوب محترمی. اما او یک پیرمردی است شما به خانه او بروید... همین که شما به او بیاید و او عرش را سیر میکند و مطیع شما هم هست و شما هم هماهنگ می‌شود.

... امروز مردم می‌گویند که بیاید منتر شما می‌آیند فقط مسئله طهارت و صلاه نمی‌خواهند. بسا اشکالاتی در امور اقتصادی، سیاسی، آبیات و احادیث دارند. دانشجو است، استاد است. امروز نیابیم مربوط می‌باشد فلسفه - های شرق و غرب فلسفه‌های التقاطی در مغز جوانهای ما ریخته شده است. اگر به او بگویید برو اینها چی است که تومی‌گویی، در در که در او نمی‌شود. شماروی مسائل مختلف مطالعه کنید و با منطق جواب بدید.

**اگر استاد پذیر نباشید، اهل تشخیص از شما دور و چایپوسان دور شما را می‌گیرند**

"از جمله مسائل دیگر اینکه تحمل انتقاد را داشته باشید. بارها عرض کردم من از کسانی هستم که نامه زیاد به من می‌نویسند نامه فحش هم می‌نویسند - انتقاد هم میکنند، بسیاری از آنها امضا هم میکنند. والله که بد نمی‌آید بلکه خوشحال می‌شوم که من یک نقطه ضعف دارم، تذکر می‌دهند... شما همه جمع

مسئولین، بزرگان نباید از انتقاد ناراحت شوید اگر ما این روحیه را داشته باشیم که از انتقاد ناراحت شویم. افرادی که اهل تشخیص هستند کنار می‌روند و یک عده آدم متعلق و شناکود و عاگو اطراف شمار می‌گیرند. آنوقت چشم بازی کنید می‌بینید افراد حسابی از کنار شما رفته‌اند.

... حد اعتدال را مردم ارتباط داشته باشید. همه وقتان را نمی‌توانید در اختیار مردم قرار دهید حد اقل ساعات معینی از روز را مثلاً ۱۲-۱۱ یا ۱۰ یا ۱۱ این کار اختصاص دهید تا مردم بیایند و احاطاتشان را بگویند. حرف مردم را گوش دهید حالا اگر هم نتوانید که انجام دهید، بعد با مسئولین در میان بگذارید

۳- اگر ما این روحیه را داشته باشیم که از انتقاد ناراحت شویم افرادی که اهل تشخیص هستند کنار می‌روند و یک عده آدم متعلق و شناکود و عاگو اطراف شما را می‌گیرند.

**خیلی کارها را میشود درست متخصصین داد**

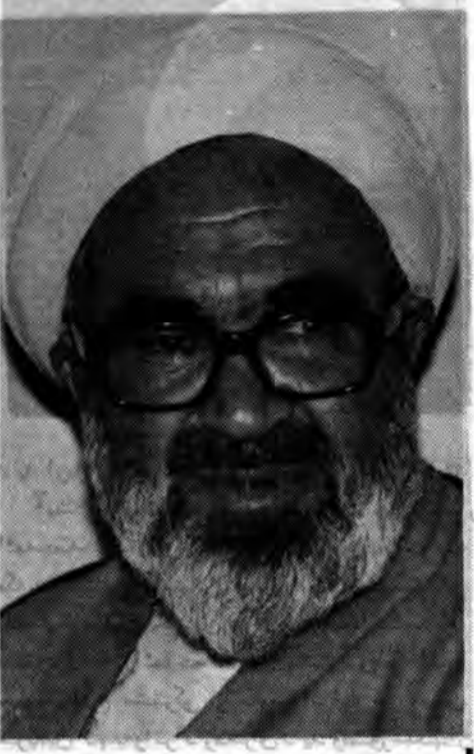
"همه کارهای اجرایی، رالزم نیست به علماء و باطالاب بدید. حالا یک کاری را ممکن است یک دکتر، یک مهندس بهتر انجام دهد کی گفته همه کارها را آخوند باید بکند. معنای حکومت اسلامی این نیست که همه کارها دست آخوند باشد. این جهت را توجه کنید خیلی کارها را دست متخصصین بدید.

**حداقل یک ساعت از روز، با مردم ارتباط مستقیم داشته باشید**

... با مسئولین هم جلسه هفتگی، یا ماهانه داشته باشید و به آنها شخصیت بدید

**مردم ما رشد سیاسی فکری دارند، قیم آنها نشد و آنها را در انتخاب نمایند خود آزاد بگذارید**

... در مورد انتخابات امام جمعه نباید بگویید تخیر من قطعاً می‌گویم حسن باید به مجلس برود، این معنایش این است که امام جمعه قیم مردم است و مردم خودشان نمی‌فهمند الحمد لله مردم رشد فکری دارند و خودشان اهل تشخیص هستند لیکن کلیات



دانشگاه رسیده است. دانشجویان آزاد فکر میکنند و نمی‌شود چیزی را به آنها تحمیل کرد. اگر چنانچه با منطق و استدلال و با رقابت و مذاقت و لجویی با آنها برخورد کنیم ما موفقیم و می‌توانیم کار کنیم.

... یکی از دانشجویان می‌گفت: ما تا یک مطلبی به ذهنمان می‌آید، حالا اشکال است به ذهنمان آمده، کتابی خوانده‌ایم - خواهیم اشکالمان را بگویم و واقعاً می‌خواهیم بفهمیم. تا می‌گویم، می‌گویند از منافقین است، توداری خط منافقین را می‌روی، حرفهای آنها را می‌زن. این نوع برخورد معنایش این است که هیچی نگو. اگر چنانچه اشکالی داری، سؤالی داری، مسئله‌ای در ذهنت هست خفه شو، هیچی نگو، طوطی وار حفظ کن. این ساختن دانشجو نیست. امروزه دنیا به پیش مربوط است، فلسفه‌های شرق و غرب پخش شده است، کتابهای مختلف می‌خوانند حتی در روزنامه‌ها، رادیوهای مطبوعه است. بالاخره دانشجو و جوان چیزی را شنیده‌اند، ماهم می‌خواهیم اینان را بسازیم، واقعاً بسازیم که زیر بنای فکشان، زیربنای محکمی باشد که تشکیک در آن راه پیدا نکند. این امر با گفتن اینک خفه شو یا منافق یا نمی‌دانم چه، درست نمی‌شود. بلکه بیشتر عقده پیدا می‌کند نسبت به ما هم بد بین می‌شود و نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

ممکن است مادر دانشگاه جوی درست کنیم که بترسند، جرات نکنند حرفشان را بزنند اما همیشه اینحور نمی‌ماند. بالاخره یک روزگاری بزرگ میشود یک دکتر، یک پروفیسور میشود و بعد همین عقده‌ها را می‌ماند. به روحانیت، به انقلاب و به اسلام‌ها همان حال بدبینی نگاه میکنند.

بچه در صفحه ۶۶

**رهنمودهای**

**مهم قائم مقام معظم رهبری، پیرامون مسائل دانشگاهها**

از احسان، محمدرضا، خودجوئی و تحمیل عقیده شخصی جلوگیری کنید.

... نکته دیگر این است که از اختناق و محدودیت و خود محوری و تحمیل عقیده شخصی جلوگیری کنید و با ایجاد محیطی درسی و در عین حال آزاد، اجازه ابراز عقاید و اشکالات و نظریات مختلف را بدید. طوری نباشد که دانشجویان احساس کنند ماموس - خواهیم به آنها مسائل عقیدتی، سیاسی را در بکنه کنیم. استاد و دانشجو در حقیقت فکر آزاد هستند، بد یک سطحی رسیده‌اند. مخصوصاً این جوانها که پایشان بسه

"نکته دیگر این است که استاد و دانشجو و مسئولین دانشگاه و ره‌های مشکلات آنان است بسا ما یک توقعانی از آنها داشته باشیم که نتوانند انجام دهند. آنها هم مشکلاتی دارند هم اکنون مشکلات اقتصادی داریم، کمبود داریم، گرفتاری داریم همه مشکلات توامان است. ما بیایستی از آنها چیزی بخواهیم و خواسته‌های داشته‌باشیم که با مشکلات آنها برخورد کنیم. اصلاً این استاد دانشگاه که چند سال در دانشگاه درس خوانده با این حقوق کم، بسا این تورم، حالا دارد درس میدهد. او هم برای خودش شخصیتی قائل است. اگر ما بخواهیم با تحکم با او برخورد کنیم این نتیجه‌ای ندارد."

مانی خواهیم بگوئیم دکتر شریعتی همه حرفهای که زده درست است ولی این جهت که دکتر شریعتی بسیاری از بجه‌هایی که در وادی کمونیست می‌افتادند نجات داد نمی‌شود منکر شد. بالاخره یک انسان صلحان بود و از اسلام و پیغمبر دفاع میکرد خوب اشتباهاتی هم داشته است.

آیت الله العظمی منتظری در دیدار با نمایندگان خود در دانشگاهها سخنان بی‌سوطی ایراد فرمودند که قسمتهایی از آن به نظر خوانندگان می‌رسد. لازم به ذکر است که متن این سخنرانی در روزنامه کیهان در تاریخ ۲۱/۷/۶۶ بچاپ رسید.

در مقابل استاد و دانشجو تواضع داشته - باشید و نخواهید علم بان را تحمیل کنید

آیت الله منتظری: ... حدیثی از اصول کافی برای آقایان می‌خوانم، امام صادق علیه السلام فرمودند: الطالب العلم و تزین معه به العلم و الوتار و تواضع لمن تعلمونه العلم و تواضع لمن طلبهم من علم ولا تكونوا علماء من الحبارین فیذیب باطلکم و به حکم اول تواضع در مقابل شاگردان را ذکر کرده تواضع لمن طلبهم من علم یعنی شاگرد را تحقیر نکنید بلکه به او شخصیت بدید. احترام برایش قائل شوید که او برای علم شما ارزش قائل باشد. به استاد هم بیاید هیبت و لا تكونوا علماء من الحبارین نخواهید با آیت اللهی و دستور این علمتان را تحمیل کنید بلکه با صداقت و با محبت و عاطفه و لا تكونوا علماء من الحبارین سرکلاس فخر فروشی و قدرت نمایی نباشد. فیذیب باطلکم به حکم اگرینا باشد بخواهید با حیروت و قدرت نمایی برخورد کنید، این اخلاقتان ارزش علمتان را هم از بین میراند.

سخن استاد و دانشجو از لحاظ فکری آزادند. اینها به یک سطحی رسیده‌اند، مخصوصاً این جوانها که پایشان به دانشگاه رسیده، اینها آزاد فکر می‌کنند و نمی‌شود به اینها آیه‌الله منتظری چیزی را تحمیل کرد.





# اجتهاد اولوالمقام و ولایت فقیه

واژه سازی در فقه نباید موجب صغیرندی  
است - راتر از بزرگی -

کیهان  
کزید هائی از مقاله فقه در معرض تهاجم  
اغراض نوشته آقای مهدی نصیری  
در چند سال اخیر از ناحیه برخی در  
عرصه محافل و مطبوعات دو پسوند برای فقه  
با عنوان فقه سنتی و فقه پویا ارائه و بر  
تفکیک بین آن دو و تضاد آنها، اصرار ورزیده  
میشود. گفته میشود فقه سنتی فقه  
برخاسته از منابع چهارگانه کتاب، سنت،  
اجماع و عقل است که فقهای سلف و متقدم  
... بر این طریقه بوده و بر اساس آن  
عمل می کرده اند و در توضیح فقه پویا گفته  
میشود فقهی است که برخاسته از عقل و  
قیاس و رأی و نظر شخصی افراد میباشد.  
... مرزبندی مطروحه در محافل و  
بعضی از مطبوعات ماهیتی سوی این  
اختلاف طبیعی و قهری دارد بیش از آن  
جهه ماهیت علمی و نظری داشته باشد  
ماهیت سیاسی دارد و مهمترین دلیل آن  
طرح چنین مباحثی در مجالس عمومی و  
برخی مطبوعات همگانی و کش دادن این  
صفیندی تا مرز ایمان و نفاق، انقلاب  
و ضد انقلاب، روحانیت و ضد روحانیت  
است.

فقه سنتی یا جمود بر  
فتاوی مجتهدین گذشته

... سؤال آنست که وصل نمودن پسوند  
سنتی به فقه و اصرار بر آن و تفکیک فقه  
سنتی از فقه پویا به چه منظور است اگر  
منظور اینست که باید فقهای امروز به شیوه  
فقهای سابق که احکام خداوند را بر  
اساس قیاس و رأی شخصی و استحسان بل  
بر اساس منابع چهارگانه کتاب، سنت، اجماع  
و عقل استنباط کنند و اجتهاد خویش را  
بر این پایه های قیم استوار نمایند، سخنی  
بس شیوا و مقبول است ولی اینجا به یک  
سؤال باید پاسخ داده شود که آیا فقه  
سنتی بدین معنی، از پویایی و تحرک و  
پاسخگویی به مقتضیات زمان برخوردار  
نیست؟ اگر برخوردار است پس چه  
اصراری بر منور جلو دادن و از پویا و  
تکفیر هر کس که چنین واژه ای را بر زبان  
آورد وجود دارد. اگر برخوردار نیست  
و منظور از فقه سنتی یعنی توقف و سکون  
بر تمامی فتاوی فقهای گذشته چون شهید

اول و شهید ثانی صاحب جواهر و شیخ  
اعظم انصاری و احدی از مجتهدین را  
حق استنباط حکم غیر از آنچه آن بزرگان  
گفته اند نیست بسی روشن است که این امر  
به معنی سد باب اجتهاد و از بین بردن  
بزرگترین افتخار شیعه که گشودن باب اجتهاد  
است می باشد. قطعاً مضار چنین برداشتی از  
فقه سنتی کمتر از ضررهای جبران ناپذیر تفکر  
اخباریگری نیست فصل مشترک هر دو جمود  
و نفی اجتهاد است، یکی جمود بر اخبار و  
دیگری جمود بر فتاوی مجتهدین گذشته.

روحیه انقلابی از شرایط اجتهاد و فقاہت  
است

... اگر کسی اظهار دارد که امروزه در  
زمینه فقه و اجتهاد نیازمند به رشد و شکوفایی  
بیشتر بوده و موضوعات فراوانی است که هنوز  
احکام آنها عرضه نشده است، آیا به معنی  
مخالفت با فقه سنتی است؟  
و یا اگر اظهار دارد یکی از شرایط اجتهاد  
و فقاہت کامل و مطلوب آگاهی بر زمان و  
مقتضیات آن، داشتن روحیه انقلابی، اطلاع  
و آشنایی با مسائل سیاسی و اجتماعی است  
فقه سنتی را انکار کرده است؟  
آیا تأثیر آگاهیهای سیاسی و اجتماعی بر  
اجتهاد و استنباط انکار ناپذیر است؟  
فقیه سترگ و آگاه به زمان شهید مطهری  
پا را از این فراتر گذاشته و حتی ویژگیهایی  
چون عرب و عجم بودن و دهاتی و شهری،  
بودن را مؤثر بر اجتهاد و استنباط  
دانسته اند.

راه مجاهد البته باید توجه داشت آگاهی  
به زمان و داشتن روحیه انقلابی با تأثیر  
بخشی محیط در مجتهد فرق دارد.  
مجتهد انقلابی خود بدنبال شناخت نیاز  
های زمان بر می آید و حکم آن را هم  
استنباط نموده و به مردم عرضه می نماید.  
اما تأثیر بخشی محیط یک نوع تابعیت و  
پیروی از محیط و مردم در آن نهفته است.

امام خمینی خود تحریر الوسیله  
نشاط است.

... بسی واضح است اگر کسی بگوید  
تحریر الوسیله پاسخگوی همه نیازهای قانونی  
ما نیست و احکام و قوانین هم هستند که  
در تحریر الوسیله نیامده است، معنی اش  
مخالفت با تحریر الوسیله نیست و از طرفی  
دیگر اگر کسی با چهره حق به جانب و

اعتراض امام، ادعا نماید که خیر همه  
قوانین مورد نیاز در تحریر یافت میشود و  
هر کسی جز این بگوید مخالف تحریر و امام  
است معنی اش اخلاص نسبت به امام و تحریر  
الوسیله نیست. ماهیت چنین شیوه های  
روشنتر از آن است که حقیقت را از گونه نماید  
وقتی افرادی با مالیات مخالفت می کنند و  
آن را غیر شرعی قلمداد می کنند، در حالی  
که تحریر الوسیله ناطق، حضرت امام بر شرعی  
بودن آن تأکید و شبهه مخالفین را بشدت  
رد می کنند. اینجا دیگر هیاهوی مخالف با  
تحریر الوسیله و فقه سنتی امام، بگوش  
نغیرسد. و حامیان دو آتشه تحریر الوسیله و  
فقه سنتی، سکوتی سنگین را در پیش  
میگیرند. مخالفت با دولت محرومین  
و مستضعفین مورد تأیید امام و انتقادهای  
دیگر ستیز با امام محسوب نمیشود. گویا سوز  
دفاع از فقه سنتی نمی تواند در جهت  
حمایت از دولت، مالیات مبارزه شدید بها  
گرانفروشان و محتکرین و... بکار گرفته شود.

... مرزبندی  
مطروحه ( فقه پویا )  
سنتی - فقه پویا )  
در محافل و بعضی  
از مطبوعات ماهیتی  
سوی این اختلاف  
طبیعی دارد. بیس  
از آنچه که ماهیت  
علمی و نظری داشته  
باشد ماهیت سیاسی  
دارد و مهمترین دلیل  
آن طرح چنین مباحثی  
در مجالس عمومی و برخی  
مطبوعات همگانی و کش  
دادن این صفیندی  
تا مرز ایمان و نفاق  
انقلاب و ضد انقلاب  
روحانیت و ضد  
روحانیت است.

ادامه اخبار جنگ  
بقیه از صفحه ۱۴  
تجاوز گسترده تر بر علیه انقلاب ما نیست؟  
امریکا از فاصله متجاوز از هزاران کیلومترها  
راه کشتنهای جنگی، هواپیما های جنگی،  
ماهواره ها، ابزار جاسوسی، امکانات  
زمینی و دریایی خود شرا در کنار دزدگان  
ما بسیج کرده است در خلیج فارس می آید  
و در دریای عمان می آید و با وقاحت میگوید  
ایران ما را مورد تهاجم و تجاوز می خواهید  
قرار دهید از چه جبرانات عمقی دارد علیه  
اسلام و انقلاب حکایت می کند.

نست اندر کاران تجاوز امروز  
مایل به معرفی متجاوز نیستند

شما که مدعی علم هستید چطور متجاوز  
را نمی شناسد؟  
آنها که امروز متجاوز را نمی شناسند همانها  
هستند که صدام را در تجاوز کمک کرده اند.  
ما امروز میدانیم فلسفه واقعی اعلام نکردن  
تجاوز و متجاوز این است که رژیم جنگ افروز

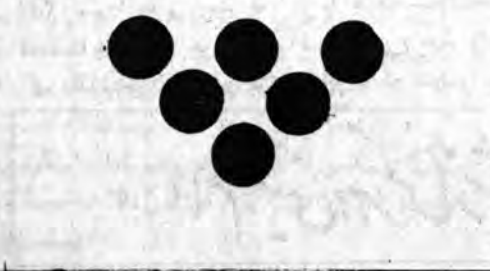
شایستگی علمی تنها بد و ن تقوی  
و آگاهی بزمان فقاہت نمی آورد

... تنها شایستگی علمی و طی مراحل  
اجتهاد، موجب صلاحیت افتاء و اطاعت  
از جانب مردم نیست بلکه علاوه بر آن باید  
از شرایطی چون تقوی، پرهیز از نیازدگی  
آگاهی بزمان و اجتماع برخوردار باشد. در  
طول تاریخ فقاہت و حتی زمان ما بودند  
کسانی که از رتبه اجتهاد برخوردار بود  
ولی در صنف دین به دنیا فروشان و در  
پناه اجتهاد، ضربه های سختی به اسلام  
مسلمین و فقه وارد نمودند.

تأکید بر بخشی از احکام فقه و فراموشی  
مجموع و روح آن، انحراف است

... مگر دو خاستگاه مهم و اساسی فقه  
شیعہ قرآن و سنت که شامل قول و عمل و  
تقریر معصومین است نیست و مگر بقول امام  
فقه سنتی فقه آل محمد (ص) نیست؟  
حال که چنین است، چرا نباید بر ابعاد  
غنا ستیزی و کاخ سوزی فقه تأکید شود  
احترام مالکیت خصوصی، البته مشروع آن یکی  
از هزاران حکم فقه است، تأکید بر یک  
بخشی از احکام و فراموش کردن مجموع و روح  
فقه اسلامی، به معنای انحراف از صراط  
مستقیم و گام زدن در جاده چپ یا راست  
است، افزون بر اینکه چهره عسکر  
نا متعاد و غیر اصولی از فقه گر انما به شیعہ  
به تصویر می کشد.  
قرآن و سنت قولی و عملی معصومین (علیهم  
السلام) مشحون از رهنمودهایی است که  
افزون طلبی، زراندوزی و تمرکز ثروت در دست  
اقلیتی محدود را نا مشروع قلمداد کرده  
و به مبارزه با این مظالم استکباری و شرک  
آلود فرمان داده اند.

عراق در تجاوز به مین اسلامی ما تنها  
نیود، ارتجاع عرب بوده، امریکا بوده، شوروی  
بوده، فرانسه بوده، همه دستهای کثیف و  
خائنانه به حرم ملتها و ارزش ملتها بودند  
اگر ما از امریکا انتقام نگیریم باید این نلت  
را به زیر خاک ببریم. اگر بعد از این  
در زدن قلبهای خبیث امریکاتر بد بکنیم  
در اصول انقلابمان تردید کرده ام.  
ما حوادث خلیج فارس را تحمل کردیم  
ما میدانستیم دست کثیف امریکا در قتل عام  
متجاوز از چهارصد زائر خانه خدا آلوده  
شده است ما میدانستیم امریکا در این  
جریان سولناک حوادث را رهبری کرده است  
ما میدانستیم امریکا از راه سفاهت و غرور  
ناوهای جنگش را در مقابل ما آورده است.





# اخبار جنگ اسلام و کفر



امروز آل سعود برای جریانات و تظاهرات این حرکتها کور را انجام نمی دهند آنها امروز مطمئنند و میدانند که دو چیز در کانون قدرت آنها بحران آفریده است: یکی اسلام و دیگری فقاقت و رهبری امام است.

راه مجاهدت  
بنظر مرسد منظور از فقاقت  
امام همین پیامهای حج و سایر رهنمودهای ایشان باشد.

اتحاد خامس آمریکا، صدام، ارتجاع عرب، رجسوی و ضد انقلاب در تجاوزی جدیدتر و وسیعتر

... ما هیچگونه احساس و عاطفه‌ای از مردم خود مسان از خستگی در جنگ و از احساس کسالت ندیدیم نگرانی مردم در برخورد با این بود که آیا مسئولین مای خواهند جنگ را و ثرات مبارزات این ملت را فراموش کنند و به پستی میز مذاکره بنشینند؟

قسمتهایی از سخنرانی آقای محمد علی انصاری در دیدار با راهیان از جبهه تا جماران.

آیا مسئولین ما میخواهند با استکبار سازش کنند؟

... طبیعت جریان جنگ و طبیعت هفت سال تحمیل محاصرات و تحمیل سختی‌ها بر مردم این است که امروز اگر یک کسی از گوشه و کنار دنیا دم از صلح طلبی میزند ولو شعار هم باشد مردم اگر از جنگ کردن خسته شده باشند از او استقبال کنند و به گونه‌ای بیابند به افراد بفهمانند که ما در راستای حرکت شما جریانات شما را تأیید می‌کنیم با وجودی که که دبیر کل سازمان ملل و مسئول دبیر امنیت بین‌المللی به ایران آمده بود ما هیچگونه احساس و عاطفه‌ای از مردم خود مان از خستگی از خستگی در جنگ و از احساس کسالت و از تأیید این جریانات واقعاً ندیدیم یکی از این نقاط نگرانی مردم در برخورد با این مسئولین واقعاً مسئولین ما میخواهند چکار کنند؟ مسئولین ما می‌خواهند با ابرقدرتها سازش کنند؟ آیا مسئولین ما می‌خواهند جنگ را و ثرات مبارزات این ملت را فراموش کنند و به پای میز مذاکره بنشینند. من در همه این برخوردها به آنها عرض کردم که شما مطمئن باشید که مسئولین ما و همه قدرت جمهوری اسلامی امروز متمرکز شده که ریشه تجاوز و ریشه ستم را بخشکاند و مطمئن باشید اگر خدای ناگردد کسی و فکری و جریانی نخواهد مسئله جنگ را کم رنگ کند و در دنیا ما را در مسیر سازش با استکبار قرار نهد آن کسی که قاطع در برابر جریانات استاده است شخص امام است.

است که حاضر نیست برای هیچکدام از سخن های بین‌المللی و حرفهای شورای امنیت اعتبار و ارزش قائل بشود. و اگر ما قطعانه این قطعانه را می‌پذیریم باز مصیبت بدتری بود که جهانخواران می‌گفتند ما توانستیم ایران را در نیه راه پیروزی متوقف کنیم و در حقیقت نجات صدام در پذیرفتن این قطعانه برای دنیا حتمی بود. شما ببینید مسئولین نظامی ما و الحمدلله کارگزاران سیاسی نظامی ما با درایت خودشان طوری عمل کردند که آنها مجبور می‌شوند دبیر کل سازمان ملل را برای شنیدن واقعتاً به ایران بفرستند و امروز شما بدانید که سخن دبیر کل سازمان با فشار شورای امنیت نباشد، اگر با فشار آمریکا و انگلیس نباشد اگر با فشار استکبار جهانی نباشد جز اعلام تجاوز بودن صدام چیز دیگری نیست همین مقدار که دبیر کل سازمان ملل در یک برخورد سیاسی با نظام ما به این نقطه رسید، باشد که ما سخن حق می‌گوییم و جریان دفاع ما یک جریان برحق است ولو آنها این سخن را در مجامع عمومی مطرح نکنند. این یکی از بردسای ما در صفحه نظامی است. حالتی که ما بر این باور و این عقیده هستیم که ما حرف آخرمان را واقعاً باید در میدانهای نبرد به دنیا بزنیم ما از این عقیده اصولی و اساسی عدول نکردیم.

ما امروز احساس می‌کنیم اولین روز تحمل جنگ بر علیه ماست ما امروز بعد از هفت سال جنگ احساس نمی‌کنیم که دنیا متنبه شده است این احساس امروز در درون ما نیست که سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی آدم شده باشند. ما امروز بر این عقیده نیستیم که امریکای جنایتکار از موضع خصمانه هفت سال در جنگ و در تجاوزش بر علیه ما به صراط مستقیم آمده است و از کرده‌های خود پشیمان است. ما امروز اعتقاد داریم صدام با همان خوی درندگی که در هفت سال قبل به جنگ ما آمده بود امروز با همان سیمنت مجدداً برای ضربه زدن به ما آمده است. اعتقاد ما بر این است در شروع سالگرد جنگ تحمیلی حرکت ناشایسته امریکا در زدن کشتیهای تجاری پیا کشتیهای ترابری ما یک مسئله ساده‌ای نیست. انتخاب این حرکت بعد از قطعنامه شورای امنیت، بعد از آن سه جوسازنها و ایجاد فضاها و اهرمهای فشار تبلیغاتی و این در آستانه سالگرد جنگ تحمیلی نشانگر یک جریان وسیع و یک توطئه عمیقتر از عمیق فجایع از آغاز تا امروز بر علیه ماست و این مسائل را ما نباید دست کم بگیریم اگر در هفت سال قبل مانند دیروز تهران مسلمان

را، اهوازمان را، آبادانمان را مرزهای هوایی و دریایی و زمینی مان را مورد تهاجم صدامیان دیدیم و برای اداه تجاوزات برنامه دیگری مشاهده کردیم، و خودمان را برای نبرد آماده کردیم در آستانه هشتمین سال جنگ تحمیلی امروز ما یک تجاوز وسیعتری را بر علیه خود ما احساس می‌کنیم. امروز دیگر صدام تنها به ما جنگ و دندان نشان نمی‌دهد، امروز دیگر مرتجعین منطقه تنها به ما جنگ و دندان نشان نمی‌دهند امروز خود امریکا و اقطار امریکا و همپیمانان امریکا و اعضای ناتو و در حقیقت کل استکبار جهانی دارند در مقابل ما جنگ و دندان نشان می‌دهند. لشکر کشی امریکا به خلیج فارس چه مفهومی دارد؟ تجاوز به آبهای بین‌المللی و به سرزمینهای اسلامی چه مفهومی دارد کشتار برحمانه تجاوز از چهارصد نفر زائر خانه خدا و حرم خدا در این شرایط چه معنا و مفهومی دارد؟ این سه جوسازنها و این سه امکانات داد و ستد، بعد از آن سه جوسازنها و ایجاد فضاها و اهرمهای فشار تبلیغاتی و این در آستانه سالگرد جنگ تحمیلی نشانگر یک جریان وسیع و یک توطئه عمیقتر از عمیق فجایع از آغاز تا امروز بر علیه ماست و این مسائل را ما نباید دست کم بگیریم اگر در هفت سال قبل مانند دیروز تهران مسلمان

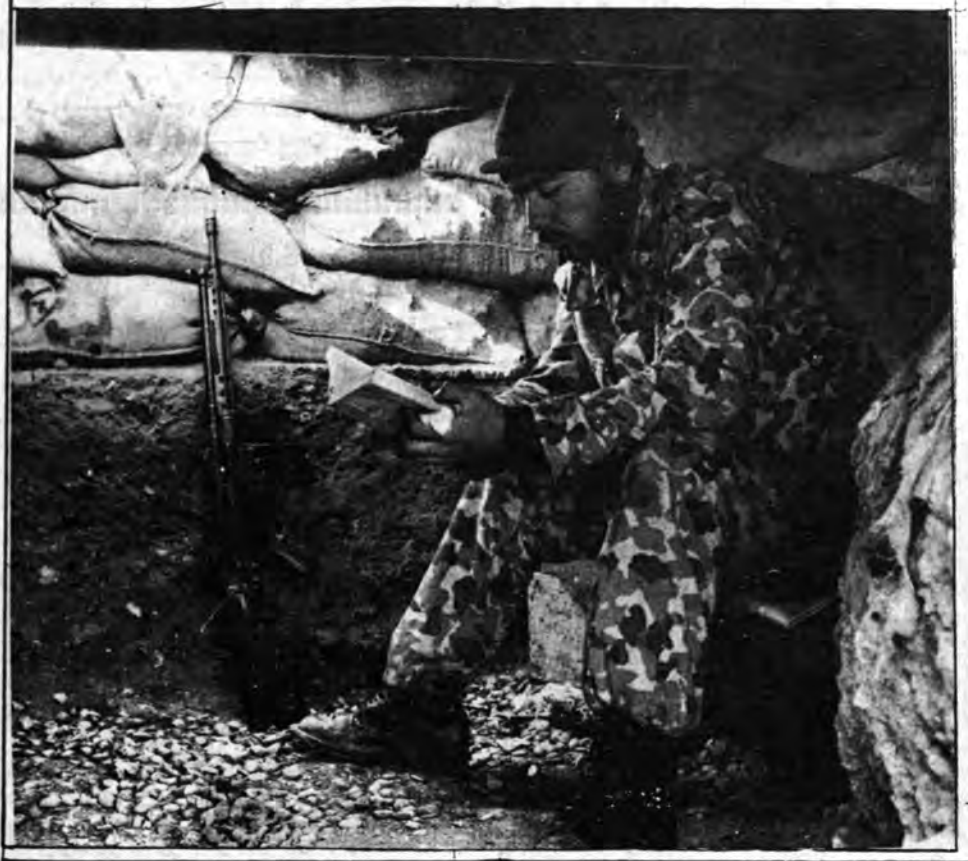
خط جمهوری اسلامی تنبیه تجاوز در میدانهای نبرد است

امروز جمهوری اسلامی ایران پشتیبان رزمندگان و پشتیبان طرحها و برنامه‌هایی است که باید تجاوز را از طریق تنبیه کردن در میدانهای نبرد به دنیا معرفی کرد. و تمام تلاش جهانخواران امروز برای جلوگیری از همین واقعیت است.

علت حضور امریکا در خلیج روپاروسی با اولاً اسلام و ثانیاً با فقاقت امام از اسلام است.

پذیرش قطعنامه شورای امنیت نجات حتمی صدام بود

... اما این حرکت و دقیقاً این جریانات سیاسی و فشارهای سیاسی و دیپلماسی بر علیه ما برای زمینه‌سازهای بعدی در افکار بین‌المللی بود که اگر ما قطعانه قطعنامه را رد می‌کردیم آنها مطرح میکردند که نظام حاکم ایران یک نظام حاکم خود را می



امام خمینی: هر کس از شرق غرب، هر چه میخواهد بگوید، ما راه خودمان را می‌رویم و امید داریم که این راه را به آخر برسانیم.



اخبار و افکار

خلاصه از:

چهارمین کنگره

انجمنهای اسلامی دانشجویان

این کنگره به مدت ۳ روز از ۱۴/۸/۶۶ تا ۱۶/۸/۶۶ از طرف دفتر تحکیم وحدت اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاهها در دانشگاه تربیت معلم تهران برگزار گردید. طی این مدت مسائل جنگ، دیدگاهها، مورد امپریالیسم، خط امام، عدالت اجتماعی و مجلس سوم به بحث گذاشته شد و نمایندگان دانشگاههای مختلف در این موضوعات سخن گفتند و میزگرد هائی با شرکت برخی نمایندگان مجلس و مسئولین پیرامون مسائل فوق الذکر تشکیل شد. در زیر خلاصه ای از سخنرانیهائی مطرح شده راکه از اهمیت برخوردار است، جهت استفسار به خوانندگان گرامی میآوریم:

بررسی عملکرد مجلس دوم و چشم انداز مجلس سوم

سخنرانی نماینده دانشگاه شهید بهشتی اختیارات قانونی مجلس: مجلس نهادی است که اراده ملت و حاکمیت مردم توسط آن اعمال میشود (اصل ۵۶ قانون اساسی) که اگر ضعف داشته باشد منشاء نابسامانیهائی و اگر قدرت داشته باشد منشاء تحولات در جامعه میگردد.

آیت الله منتظری بدین مضمون گفتند که اگر حاکم ضعیف عمل کند بمراتب از جوهر و ستم سلاطین بدتر است.

لازمه قدرتمند بودن مجلس و نظام، داشتن معیارهای اصولی است.

طبق اصل ۸۷ قانون اساسی، رأی اعتماد به نخست وزیر، و وزیران و استیضاح وزرا در انحصار مجلس است.

طبق اصل ۶۵ و ۶۴ کلیه لوایح دولت باید توسط مجلس بحث و بررسی شود که بعقل ضعف یا انحراف کاری صورت نگرفته است. مجلس حق تحقیق و تخصص در تمام مسائل کشور را دارد.

مجلس دفاع از قانون اساسی را بعهده دارد. این قانون اساسی که به تعبیر امام "قانون اساسی اسلام" است و ایشان در مورد آن فرمودند که تا آنجا که من آنرا خوانده ام در آن انحراف اساسی نیافتم. الان کسانی راه می افتند و می گویند که این قانون در شرایط مارکسیست زده به تصویب رسیده است. عدم تبیین درست اسلام، باعانت سرخوردگی جوانها و رفتن آنها به سمت مکاتب دیگر میشود. به گفته شهید مطهری اگر آب زلال عرضه نکنیم از خوردن آب گل آلود هم نمی توانیم منع کنیم.

اعلام مواضع کاندیداها: ماباید بر چمدان حرکتی شویم که از کاندیداها بخواهیم مواضع خود را اعلام نمایند. سیاستهای داخلی را روشن کنند. آیت الله منتظری تعبیری دارند به این مضمون که برنامه ها روشن میکند که هرگز چه می گوید. اینقدر رسراپنکه فلانی باشد و فلان شخص نباشد بحرف نشود. روی مواضع و برنامه های آنها بحث شود تا معلوم

شود چه کسی باید بماند. کاندیدا باید اعلام کند که در مورد جنگ چه نظری دارد؟ تحلیلش از جنگ در راس امر است چیست؟ آیا برای پابرهنه ها و بسیجی ها جنگ در راس امر است و برای بنیاد نبوت و امثالهم غارت و جپاول؟ رشد و حضور مردم در صحنه یعنی چه؟ کاندیدا باید نظر روشن خود را بیان کند. آیا تاجاییکه مردم به قربان دسته و حزب ما را گفتند، در صحنه حضور داشته باشند یا باید مردم را در رهبری کشور شریک کنیم. شهید آیت الله بهشتی می گویند: منظور از رهبری در نظام جمهوری اسلامی بیسان و تجلی خواست توده های مردم است. خواست توده های مردم چیست، کاندیدا باید در این موارد صریح نظر دهد.

ماهیت امپریالیسم راجه می بینند؟ امپریالیسم ریشه در تاریخ ۲۰۰ ساله امپریالیسم غرب دارد و رسکولا ریزم ریشه دارد فقط ابزار نظامی ندارد، دولت آمریکا هم فقط نیست و نباید صرفاً در ساختار سیاسی جستجو شود. کاندیدا باید معلوم کند که آیا بسایند روابط و مناسبات هم در گروگن شود یا فقط شاه (بعد سیاسی امپریالیسم)

مناسباته جامعه وارد میانی تئوریک نشده و وقتی هم در فتر تحکیم وحدت "خلا تئوریک" را مطرح میکند، عده زیادی با ناباوری به آن می نگرند. باید بگویم که امپریالیسم از تمام وجوه در مانفوز کرده و این به آن علت است که تعریف مشخصی از امپریالیسم ارائه نشده. باید روشن شود که استکبار حاکم بر مغرب چیست؟ نفسانیت غرب، جد اکرن خدا و انسان را در جایگاه خدا قرار دادن ریشه در استکبار غرب دارد.

سرمایه داری وابسته باید توسط کاندیدا تبیین شود. باید جایگاه اقتصاد را روشن کند ما اقتصاد را اصل نمی دانیم و لسی معتقدیم که روابط اقتصادی باید اصلاح و تصحیح شود. کاندیدا باید بگوید که چه راه حلی برای مهار تورم پیشنهاد می کند.

مناسباته جامعه وارد میانی تئوریک نشده و وقتی دفتر تحکیم وحدت "خلا تئوریک" را مطرح می کند عده زیادی با ناباوری به آن می نگرند.

مشکل مسکن را چگونه می خواهد حل نماید. اختلافات طبقاتی را چگونه می شود حل کرد؟ شهید بهشتی میگوید در جامعه اسلامی اختلافات طبقاتی نباید از ۳ به ۱ بیشتر شود آیا الان ۳ به ۱ است یا هزاران به ۱ کاندیدا باید روشن کند که مکانیسم اقتدار چیست؟ الان همه دم از حمایت مستضعفین میزنند چون کسی جرأت ندارد از غیر از مستضعفین حمایت کند. آیامی خواهیم عرضه و تقاضای را حاکم بر جامعه کنیم که نیازمندی غرب جزو ملزومات آنست، یاد ولت سالاری و یاجیزد یگر. کاندیدا باید تحلیل دقیق خود را از مسئله مردم بیان کند. که چه کسانی هستند وقتی امام می گوید مردم را در فعالیت های اقتصادی شریک کنید، از آن بخش خصوصی تعبیر میکنند و وقتی امام میفرمایند مردم را در مدرسه سازی مشارکت دهید، تعبیر سه بخش خصوصی میشود. البته اینکه مدرسه ای ساخته شود و برای آن مدرسه بیرونی استفاده کرد جز از عهده بخش خصوصی بر نمی آید.

کاندیدا باید ابتدا ال فرهنگی واحد و در آن را مشخص کند. آیا ابتدا ال فرهنگی فقط پوشیدن حوراب رنگی و لباس پانکی میباشد شدن چند تار موی دخترهاست یا بسیار گسترده تر و فراگیرتر است؟ بنظر میرسد چنین باشد و ساختی در تئوری ابتدا ال فرهنگی داریم. ماتفرکالتقاطی راهم ابتدا ال می دانیم، حاکمیت اشرافیت بر روابط و معاشرت با راهم ابتدا ال فرهنگی می دانیم. آیاسفره افشاریم میلیونی شامل ابتدا ال فرهنگی نمی شود. آیارشده سرمایه داری وابسته ابتدا ال نیست؟ باید دید که چگونه شیوع پیدا کرد و چه راههایی برای مقابله با آن داریم. عده ای در جامعه ابتدا ال کوچکتر اعده میکنند تا ابتدا ال اصلی فراموش شود.

کاندیدا باید نظر صریح خود را در زمینه انقلاب فرهنگی بیان کند که آنرا چه میدانند و آیابه نتیجه رسیده یا نرسیده؟ چون در این زمینه خیلی بحث شده و روشن است. آنرا

هر گونه تاثیر پذیری از اندیشه های غیر التقاط نیست بلکه آن تفکری التقاط است که در مفاسرت با اندیشه اصیل و اصلی باشد.



به صحبت های گذشته ارجاع میدهم و توضیحات سابق کافی است.

ویژگیهای کاندیدا

کاندیدا باید تعهد و تقید به انقلاب اسلامی داشته باشد: یعنی شرایط انقلابی جامعه را خوب بفهمد و بدون وابستگی و دل بستگی به منافع، ترس از مارک خوردن و بدون واهمه از فشارها بتواند از تفکر انقلاب دفاع کند.

حسرو نشرو مستضعفین: کاندیداها روالشان چنین است که ابتدا وقت قبل از انقلاب با بچه های بسیج و پابرهنه ها نشست و برخاست دارند و آنها باید شبانه روزی برای فعالیت تبلیغاتی - انتخاباتی کنند. بمحض اینکه انتخاب شد چند ماهه اول سری به بچه های بسیج میزند ولی بتدریج روابط خود را با اسم و رسم دارها و عنوان دارها ایر می کند و پابرهنه ها را فراموش میکند. امام به این مضمون فرمودند که برای اینکه بتوانید از حق دفاع کنید ساده زیستی را حفظ نمائید و از تعلق قلب به جاه و مال و منال بپرهیزید. کسی که در این شرایط جنگی مملکت در خانه ۴۰ میلیونی زندگی میکند طبعاً نمی تواند از منافع مستضعفین دفاع کند. اصول بسیار مقدس هستند و حضرت علی علیه السلام حتی برای حفظ حکومتش حاضر نبود اصول را فدای کند. مانعی گوئیم تفکر آن جناح غیر شرعی است یا شرعی نیست می گوئیم بازار سه پند امام فرق می کند. با آن تکبری که رژیم ۲۵۰۰ ساله رازمین زد و پنجه در پنجه غرب انداخت زاویه دارد.

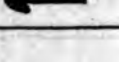
کاندیدا باید تحلیلگر باشد، بداند نظام غرب چیست، چگونه بحران زاشده و از انتقال بحران به کشور جلوگیری کند. باید بتواند جهان و مناسبات جهانی را تحلیل کند و بدید عمیقی از امپریالیسم داشته باشد. متاسفانه جامعه نسبت به امپریالیسم تعمیق نشده.

یکی دیگر از ویژگیهای کاندیدا داشتن قدرت علمی و تخصص لازم است. غیر غم اینکه این واژه تعبیر بدی یافته است و لسی باید از دعان داشت که الان کمیسیونها بسیار خلوت است و مواد را بعد از تخصصی مجلس با فقر روبرو هستیم.

نقش دانشجویان در انتخابات

امام تاکید زیادی روی نقش فعال روشنفکران اسلامی دارند. بنظر میرسد که این روشنفکران اسلامی کسی جز دانشجویان نباشند. لذا ضرورت دارد در انتخابات جدی و فعال باشیم. ما الان در حیاتی ترین و حساس ترین فراز تاریخ انقلاب قرار گرفته ایم. انتخابات آینده برای ما هم جنبه تاکتیله دارد و هم جنبه استراتژی: اگر نمایندگان در خط امام و آگاه و با بصیرت را بتوانیم وارد مجلس کنیم سلامت انقلاب تضمین میشود. واگر نه حداقل بهترین فرصت ممکن برای دادن آگاهیهای سیاسی - مکتبی لازم به مردم است. متاسفانه بدینوسیله در چهره های نفوذ امپریالیسم را کور کنیم. الان دارد برخی آرماتوار و فراموشی میروند و برخی را دارند به فراموشی میسپارند انتخابات فرصتی برای احیای این آرماتوار است.

امام فریاد برات از کفار و مشرکین را در پیام تاریخی گفتند و به شیت رسانند و به با یگانیه اسپردند. مانعی خواهیم اینگونه باشد. "فریاد برات" مشور انقلاب اسلامی







ادامه کنگره ...

است و باید برانقلاب و جامعه حاکم شود .  
- در همه جانبه است و در هر دو جناح  
چپ و راست وجود دارد . یکی میگوید " در  
اسلام فقر و غنا جنگ ندارد " و آن دیگری  
معتقد است که " جنگ فقر و غنا در اسلام  
همیشگی است " ولی هیچکدام نمیگویند  
چگونه و چرا .

دیدگاهها موجود در شناخت ماهیت  
امپریالیسم

سخنرانی نماینده دانشگاه شیراز

رمز استمرار انقلاب : هر انقلابی دو مرحله  
دارد : ۱- تکوین ۲- استمرار . در مرحله  
تکوین عموم انقلابات پر شور و فعال هستند ولی  
در مرحله استمرار است که در ماندگی و مسخ  
شدن انقلابات اتفاق می افتد . در عمده  
در استمرار انقلاب موثر است یکی اندیشه  
راهنمای عقل انقلاب ، دوم جریان مدبر و رهبری  
کننده هر چه اندیشه راهنمای انقلاب منسجم  
- تر توانمند تر و اصيلتر باشد ( یعنی باتکیه به  
عناصر فرهنگ خودی و توانمند کردن و زمان -  
بشناسی و توانمند کردن در حل معضلات عصر و نسل )  
و هر چه رهبری انقلاب آگاهتر ، عقیدتمند و  
آرامانگتر باشد سلامت انقلاب با استمرار آن  
تضمین بیشتری دارد .

- شناخت موجود نسبت به امپریالیسم  
عموماً شعاری بوده و عمق ندارد . زیرا عموماً  
در زنگینهای لغوی بود و فرصتی برای برخورد  
روی مواضع و تحلیلها پیش نیامده است . لان  
نیاز به ایستادگی و شجاعت علمی در مقابل  
امپریالیسم داریم . سرچشمه شجاعت علمی  
هم بصیرت نظری است . پیشه ها خردمندان  
اندیشه ها هستند .

مرز بندی التقاط . با تاثیر پذیری و تقص اصول

در زمینه امپریالیسم بعثت نبودن بحث  
محبوریم از آنچه موجود است کمک بگیریم .  
بعنوان مثال ممکن است موضع مارکسیستها  
را در باره امپریالیسم توضیح دهیم . باید گفت  
که هرگونه تاثیر پذیری از اندیشه های غیر ،  
التقاط نیست . بلکه آن تفکری التقاط است  
که در مغایرت با اندیشه اصيل و اصلی باشد .  
فرهنگ اسلامی سابقاً هم از فرهنگهای دیگر  
استفاده کرده بدون اینکه دچار التقاط  
شده باشد . لذا اینکه بحث عنوان اسلامی  
ندارد دلیل بر محکومیت آن نیست . مرز التقاط  
باید از تاثیر پذیری روشن شود .

۱- دیدگاه مارکسیستی : اولین دیدگاه  
مردون که در رابطه با تعریف امپریالیسم  
وجود دارد در فضای فکری ایران عرض می کنم  
دیدگاه مارکسیست لنینیست است . لنین  
امپریالیسم را آخرین مرحله رشد سرمایه داری  
می داند . مراحل رشد سرمایه داری را جمع  
ثروت ، صدور کالا و نهایتاً صدور سرمایه می -  
داند . اینها نهایتاً نظام خاصی بنام  
امپریالیسم را موجب میشوند . بر اساس این  
دیدگاه خصلتهای امپریالیستی ذاتی نظام  
امپریالیسم بود و لاینفک از آن میباشد .  
جریانات مبارز شامل مبارزات سوسیالیستی ،  
جریانات آزاد بیختر ، ملی ، و نهضت های ضد  
سرمایه داری میشوند . نتیجه سیاست خارجی  
این دیدگاه چنین می شود که هیچ نسوع  
ارتباطی با آمریکا پذیرفته نیست . و از آن  
نزدیکی و ارتباط با کشورهای سوسیالیستی

عدم تبیین درست اسلام باعث سرخوردگی  
جوانها و رفتن آنها به سمت کاتب  
دیگر می شود . به گفته شهید مطهری  
اگر ما آب زلال عرضه نکنیم از خوردن  
آب گل آلود هم نمی توانیم منع کنیم .

امام فریاد برائت از کفار و شرکین  
را در " پیام تاریخی " گفته و به ثبت  
رساندند و به پایگانیها سپردند .  
ما نمی خواهیم اینگونه باشیم .  
" فریاد برائت " منشور انقلاب اسلامی  
است و باید بر انقلاب و  
جامعه حاکم شود .

صلیبی ها و صهیونیستهاست . این نظریه  
یک نظریه فرهنگی است که انگیزه های  
امپریالیسم را فرهنگی دانسته و معتقد است  
امپریالیسم در بسیاری مواقع منافع اقتصادی  
خود را هم قربانی مسائل فرهنگی خود میکند .  
رهنمود این دیدگاه هم رهنمود فکری فرهنگی  
است . تکیه بر ارزشهای اصيل و فرهنگی خودی  
اگر مبارزه امکان گسترش یافت ، مبارزه جهادی  
علیه قطبهای صهیونیستی را هم تجویز میکند .  
۶- انسان محوری جدید یا او مانسیسم غرب  
این نظریه معتقد است که ارزشها و باید ها از  
خداسرچشمه میگردد و وحی الهی محور است .  
در قرون وسطی اصالت خدا حاکم بود البته نه  
اصالت خدا به معنای واقعی ، باید ید و نسانس  
این نظریه فروریخت و او مانسیسم غرب پدید آمد  
که انسان را به جای خدا نشانده و محور همه چیز  
انسان شد . این دیدگاه بین شرق و غرب  
تفاوتی قائل نیست و خصیصه ها را ذاتی  
امپریالیسم میدانند و معتقد است تا رابطه  
جدیدی بین انسان و عالم خارج برقرار نشود  
رابطه ها امپریالیستی است ، باید انسان  
محوری و او مانسیسم غربی بشکند و جایگاه انسان  
در نظام هستی روشن شود . رهنمود عمده  
این دیدگاه هم فرهنگی است .

نوعاً و کیفیتاً هم دیدگاه خاصی نسبت  
به امپریالیسم دارند که توضیح آن لازم نیست .  
در تحقیق راجع به موضوع مشکلی کسه  
داشتیم این بود که اکثر مواضع موجود عکس -  
العملی بود و از انجام برخورد ارنیست که  
بشود به آن دیدگاه اطلاق کرد . مثلاً از یک  
شخصیت واحد در هم مواضع متناقض راجع به  
امپریالیسم داشتیم که هر کدام را به مناسبتی  
گفته بود و از روی مخاطبین می شد تا اندازه ای  
فهمید مثلاً اگر مخاطب دانشجویان بودند ،  
قدری چپ و رادیکال صحبت شد بود و چنانکه  
مخاطبها مستتر بودند ، نظرات تعدیل شده  
بود و ... این است که تئوری منسجمی در  
رابطه با امپریالیسم نیست . بخصوص نمیتوان  
جمع بندی کرد که دیدگاه اسلامی و موضع  
مسلمین در این باره چیست ؟

در روش کار فکری و تحقیق باید از مغالطه  
کنه و وجه پرهیز نمود . یعنی یکی از وجوه  
پدید راعده نکیم و به مثابه کنه آن پدید  
مورد تحزیه و تحلیل قرار دهیم . دیگر اینکه  
" انگیزه " و " انگیزه " را هم ارزش نگیریم . چه بسا  
افراد ی که انگیزه های خوبی دارند ولی حرفها  
و مواضع صحیح و درستی دارند و بالعکس  
بسیارند افرادی که از انگیزه و نیت درستی  
برخورد دارند ولی بیانات و مواضع روشنی ندارند  
بنظر میرسد که الان مشکل اساسی که  
سرنوشت انقلاب به آن بسته است اندیشه  
راهنمای انقلاب و مدیریت رهبری انقلاب  
باشد که دانشگاهی تواند در آن نقتر اساسی  
ایفا نماید .

در گام رتامن منافع ملی می تواند بدون درگیری  
با آمریکا حتی به ایجاد رابطه با آنها دست  
زند . افراط گرایی امپریالیستها را هم میتوان به  
وسيله فراراد ها و تعهدات بین المللی و  
سازمانها و موسسات حاکم بر روابط بین المللی  
کنترل نمود .

۴- نظریه سلطه : که رابطه خاصی بین  
د قطب است ( مثل شوروی و استیاد و انسان و  
یاد و جامعه و ... ) بطوریکه حرکات یکی تابعی  
از متغیر نیازهای اجتماعی - اقتصادی و ...  
قطب دیگر باشد و حاصل رابطه ، ناتوانی قطب  
تابع و تواناشدن بقطب متبوع گردد . این  
رابطه ، رابطه سلطه است . بر اساس این نظریه  
جامعه زیر سلطه از یک شکل بندی و ساختار  
خاص اجتماعی برخوردار است . همچنین  
جامعه سلطه گرنیز ویژگیهای خاص خود را دارا  
است . رهنمودی که این نظریه به ما میدهد ، تغییر  
ساخت و یافت روابط است . بر این اساس اگر  
ساخت روابط بین المللی و داخلی را در گرو  
تکنیک ، هر حرکتی نهایتاً آب به آسیاب  
امپریالیسم میزند . بنابراین هدف اساسی  
مبارزه ضد امپریالیستی ، باید در گرو کردن  
ساخت اجتماعی - اقتصادی - سیاسی باشد .

۵- توطئه صلیبی - صهیونی : کسه  
مبارزه ۱۴ قرنه غرب علیه شرق است . کلیه  
تهاجمات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و ...  
در ۱۴ قرن اخیر ، علیه حرکات اسلامی توطئه

در مرحله تکوین عموم انقلابات  
پر شور فعال هستند . ولی در  
مرحله استمرار است که در ماندگی  
و مسخ شدن انقلابات اتفاق می افتد  
و عوامل در استمرار انقلاب موثر  
است . یکی اندیشه راهنمای انقلاب  
دوم جریان مدبر و رهبری کننده .

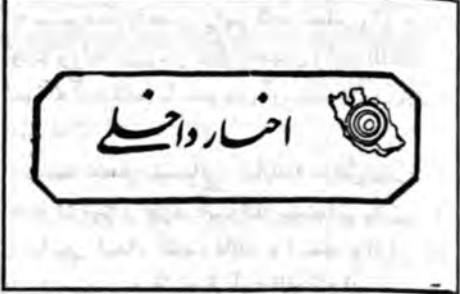
در می آید . امپریالیسم را هم منحصر به آمریکا  
نمی داند بلکه شامل اروپا نیز میشود ولی آمریکا  
را در راس نظام امپریالیسم دانسته و حملات  
را متوجه آن می کند . که در برخی مسلمانها  
چنین تفکراتی وجود داشته و دارد .

۲- دیدگاه مائوئیستی : یاد دیدگاه  
سه جهانی : این دیدگاه کشورهای جهان را  
به سه جهان تقسیم میکند . جهان اول شامل  
د قدرت بزرگ جهانی یعنی آمریکا و شوروی  
هستند که دشمنان عمده جهان سوم بود . و  
استعمارگرند . امپریالیسم آمریکا حالت دفاعی  
دارد در حالیکه امپریالیسم شوروی نوحاسته و  
رویه رشد است . جهان دوم شامل اروپا  
و ژاپن و استرالیا است که از طرف جهان اول  
استعمار میشود ولی خودشان نیز جهان سوم را  
استعمار میکنند . جریان سوم کشورهای استعمار  
شونده هستند که چین در راس آنهاست . این  
دیدگاه هم خصوصیات امپریالیستی ذاتی  
نظام امپریالیسم میدانند که فقط با اضمحلال  
نظام از بین میرود . دیدگاهی که میگوید اگر  
آمریکادست از شیطنت بردارد ما با آن رابطه  
میگذازم معتقد است خصیصه ذاتی نظام  
امپریالیسم نیست ، شاید تعریف دیگری دارد  
که در آن قادر قابل تبیین است . بر اساس این  
دیدگاه ( دیدگاه سه جهانی ) باید جهان دوم  
را به سود جهان سوم و علیه جهان اول بسیج  
نمود ، آمریکا را ضعیف کرد و به شوروی ضربه زد .  
این دیدگاه در رابطه با آمریکا تا مسامحی را می -  
پذیرد و کمک گرفتن از او را هم لازم میدانند .  
این دیدگاه در جامعه مانفراوان است .

۳- دیدگاه منافع ملی : این دیدگاه  
معتقد است که هدف اصلی هر کشوری تامین  
حد اکثر منافع ملی آنست . در این زمینه کشور -  
ها و دولت های گوناگون سعی دارند از تمام  
ابزارها برای تامین منافع ملی بیشتر استفاده  
کنند . چون ابزار قدرتها امکانات و تکنولوژی و  
تخصص بیشتری دارند می توانند منافع ملی  
بیشتری کسب کنند . این امر به افراط  
تامین منافع ملی منجر میشود . ( راه مجاهد :  
بر اساس نظریه ای که ویژگی اصلی انسان  
را استخدام طلبی می داند . این نظریه  
توجه ایده تئوریک هم میشود و برخی از چهره -  
های سرشناس در حوزه به آن معتقدند و خط  
مش علی آن نیز در برخی از مسئولین  
مشاهده میشود . )

مطابق این دیدگاه جهان سوم هم  
زمینه امپریالیست شدن را دارد . هم چنین  
انقلابی می تواند بوقوع بپیوندد ، در جهان  
بماند و منافع خود را تامین کند بدون اینکه با  
امپریالیسم و آمریکا درگیری داشته باشد . و  
معتقد باشد رابطه معقول و منطقی بین ما و  
ابرقدرتها بر اساس منافع متقابل مقدور و ميسر  
است . مثلاً انقلاب اسلامی ما در میکه رابطه  
سلطه پذیرانه با امپریالیستها نداشته باشد





# نامه جمعی از عناصر قلمی به رسالت درباره منصت ملی ایران

... صدق و دربار

... اسلام و صدق

بنام فدائیان اسلام معروف میباشند در یک سال اخیر موافق هستند. ج: تخیر من باین کارها موافق نیستیم (مکتوبات جلد دوم صفحه ۱۴۶ اسفند ۱۳۳۰).

... آنروزی که مصدق می گفت شاه باید سلطنت کند نه حکومت و روی این عقیده همه چیز خود را داد بودند کسانی که شاه را ظل ا... میخواندند و حتی بعد از کودتای ننگین آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد برای او تلگراف زدند و او را شاه اسلام پناه خواندند و خطیب شهیر در رشای ۲۸ مرداد و در تکیه دباغخانه زبور علم شعبان جعفری فریاد میزد ما شاه میخوایم. مگر میشود زنبور ها شاه داشته باشند ماند داشته باشیم آنروز آنها جاوید شاه میکشیدند. نه مرگ بر شاه ... آقای نویسنده رسالت شما که تمام امکانات برایتان مهیا است بروید روز نامه های سالیهای ۳۲ به بعد را مطالعه نمائید و ببینید آخوند های درباری چه روابطی با شاه داشتند. البته باید از همان نمود که بودند روحانیون ملی و طرفدار ملت و دکتر صدق که هرگز تا پایان عمر از خط فکری و راه صدق که همان راه ملت است منحرف نشدند. در زندانها و شکنجه گاههای شاه. مادر اینها وظیفه خود میدانیم که در برابر روح پاک و شخصیت بارز آنان سر تعظیم فرود آوریم. دکتر صدق در تمام دوران زندگی با دیکتاتوری مبارزه کرد حتی در زندان و در بیدارگاه نظامی دراج قدرت شاه بدون ترس و بی بیم میکشید "شاه فقیه را انگلیسها در ایران شاه کردند".

... امروز چنین مطالبی اظهارش خیلی سان و مقبول است. ولی در سال ۱۳۳۲ در دادگاه نظامی چطور؟ آیا میتوانید یک نمونه بیاورید؟ دکتر صدق در همان دادگاه نظامی باتصغر و استهزا "خطاب به مجسمه رضا شاه کرده و میکشید" (تعظیم میکنم به مجسمه رضاشاه فقیه که او را انگلیس ها آوردند ۳۲ سال نفت را تعدید کرد) "سپس خطاب به مجسمه محمد رضاشاه کرده میکشید" (تعظیم میکنم به مجسمه محمد رضاشاه پهلوی که فرمان عزل مرا داد و انگلیسها را آورد) "کینه شاه و دربار به صدق به آن اندازه بود که پس از گذشت دوران زندان او را آزاد نکردند و تا پایان عمر او زندانی در بار بود. و حتی از جنازه او وحشت داشتند و اجازه ندادند طبق وصیتش او را در آرامگاه شهدای سی تیر مدفون نمایند و اجازه ندادند کوچکترین مراسمی بنام او بر پا شود. آقای نویسنده روزنامه رسالت آنها این است

و آنچه میخواستید در آن بطور کامل بود ... در قسمت دیگر مقاله روزنامه رسالت آسمه "بخوانید و تفاوت کنید" شاهدی از کتاب صدق نفت. کودتا آورده اند (در اوایل شب پیر مردی با لباس پیراما مقابل باشگاه افسران میآید. یک پلیس تهاجمی را بر روی او میکشید اما اردشیر زاهدی مانع میشود و تپانچه را از دست پلیس بیرون می آورد. حالت صدق رقت انگیز است نفس می زند و می لرزد. اردشیر زاهدی او را به دفتر پدرش که افسران ستاد در اطرافش هستند راهنمایی میکند ... ناگهان صدق به گریه می افتد و در برابر زاهدی به زانو در می آید. میخواهد پای او را ببوسد. زاهدی او را از زمین بلند میکند و میگردد (نه من راضی نمیشوم) آنوقت صدق دست او را غرق بوسه میسازد. سر لشکر که او را سرپا می ایستاند می گوید صلح با شما من بعد خواهد شما نیستم محاکمه شما درست و صحیح انجام میشود" (صفحه ۱۲۵ کتاب فوق) نویسنده واقعا بی طرف و با وجدان رسالت که میخواهد از تحریف تاریخ جلوگیری بعمل آورد این متن را دیدم برای مقاصد خود استخراج کرده اند ولی شماره (۴۱) کدر بالای مطالب فوق آمده و در پاروئی همان صفحه ذکر شده "مطالب بگلی نادرست جعلی است به یاد داشت مترجم در پایان همین فصل رجوع شود" اصولا توجیهی نفرموده اند. البته ایشان حق دارند. همه چیز که برای ثبت در تاریخ نباید ذکر شود آقای محمود تغللی مترجم کتاب در انتهای این فصل (صفحه ۱۲۸) در هفت صفحه بالا رانه مدارک و اسناد و توضیحات کافی کذب بودن مطلب فوق را ثابت نمود ما ندید و در قسمتی آورده اند (نویسنده کتاب صعوبت مقاومت ناپذیر محمد رضاشاه ایران بدستور مقامات دربار و ظاهرا بوسیله امیر متقی به نوشتن این کتاب پرداخته است. طبیعی است امیر متقی و امثال او که خودشان دست اندر کار توطئه کودتا بودند مطالبی را به نویسنده گفته اند و تلقین کرده اند که از واقعیت بدور بوده است و می خواسته اند رهبر بزرگ و سرافراز نهضت ملی ایران را کوچک کنند و با چهرهای ضعیف و حقیر معرفی نمایند (۰۰۰) و پس از آوردن اسناد و مدارک و شواهدی از روز نامه های اطلاعات و کیهان بعد از کودتا مینویسد (۰۰۰) بدین قرار کاملا روشن می شود که نوشته های آقای زاردر و صلحه درباره شادروان دکتر صدق چون از دهان مخالفان و بد خواهان او شنیده شده نادرست و دروغ از حقیقت است که دشمنان دکتر صدق از جمله امیر متقی به او تلقین کرده اند. محمود تغللی (آقای نویسنده رسالت شما می خواهید حقیقت را ببینید. میخواهید مردی را کوچک و ضعیف نشان دهید که روزی به بزرگترین قدرت استعماری جهان امپراطوری که آفتاب در مستعمرات آن غروب نمیکرد پنجه در پنجه افکند و او را برانورد آورد و تحسین جهانیان را بر انگیزد. و نیز در بیدارگاه نظامی شاه به صدای بلند گفت من عفو شاه را نمیپذیرم (۰۰۰)

صاحبه آیقا ... کاشانی بانمایندگان خبرگزاری فرانسه به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۰  
س: آیا روش دکتر صدق مورد تایید آیقا ... می باشد یا خیر.  
ج: روش آقای دکتر صدق کاملا مورد تایید من میباشد او مردی است وطن خواه و مدت پنجاه سال به ملت خدمت کرده ... (مکتوبات جلد اول صفحه ۱۳۹)

نتیجه سازش با ...؟  
صاحبه ایتا ... کاشانی با مخبر روزنامه الصری از او آیا عقیده دارید که صدق مستحق همین سرنوشتهی بود که به او رسید؟ او جواب داد خداوند عادل است و آنچه امروز بر سر صدق گذشت نتیجه عدل خداوندی است. از آیتا ... کاشانی پرسیدم آیقا عقیده دارید که دکتر صدق برای برقراری رژیم جمهوری فعالیت میکرد؟ او جواب داد. آری او برای برقراری جمهوریت میکشید. صدق چهار ماه

بر نداریم تابباری خداوند بر مشکلات فائق آیدیم و محرکین این وقایع زشت را مجازات کنیم که دیگران هم بفهمند مجازات خواهند شد "ملاحظه فرمائید این خط فکری امروز آنروز در جامعه حتی در روحانیت مطرح نبوده و این توقع از حکومت ملی دکتر صدق کاملا بی اساس و بیجا است. بدیهی است که مسائل را باید در مقاطع تاریخی و اجتماعی زمان خود ارزیابی نمود ..."  
صاحبه مشترک با خبرنگار باختر امروز خبرنگار خارجی س: آیا حضرت آیتا ... با افعال دستهای

فریاد برائت ما فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد درمندانان ملت هائی است خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است  
امام خمینی







رهنمود های مهم قائم مقام رهبری...

بقیه از صفحه ۱۲

در انتخاب استاد معارف دقت کنید، سخت  
داشجویک مند میخواهد، شعاریها را بشو  
لر قانع نمی کند.

" آقایان در انتخاب استاد معارف بیشتر  
دقت کنند . کسانی که برخوردشان خوب  
باشد ، فنای علمی داشته باشند ، با منطق  
بتوانند به شاگرد در هر دهنه ، انتخاب شوند .  
غرض ما این نبود است که کلاسهای معارف  
دینی را با شعاروگای اوقات باسینه زدن و  
با اینجور چیزها تماش کنیم . البته ما مخالف  
نستیم يك وقت يك جایی هم وقت سینه زنی  
هم هست ، اما شعاریها را دشجور قانع نمی -  
کند . ساختن دانشجو يك " مند " می خواهد  
يك روش میخواهد "

اگر بجای هم باشعار و تکفیر نظرات دیگران را در کنیم  
ساختن دانشجو و دانشگاه نیست .

میکنیم ، این محتاج يك بحث مفصل است به  
يكی دود قیقه نمی توانم خدمت شما عرض کنم .  
فرد امی آمی راجع به این موضوع بحث میکنیم ،  
بعد بروید مطالعه کنید و فرد ابا کنید بگوئید به  
این دلیل ، به این دلیل مرحوم دکترا اینجا  
اشتباه کرده است . لعن هم نکنیم ، نفرین  
هم نکنیم ، توهین هم نکنیم ، محترمانه اسم  
بیاوریم

امام صادق در مسجد الحرام یاد مسجد  
پیغمبر بوده است " این ابولا و جار " ملحد  
من آید من نشیند با امام صادق صحبت میکند و  
بعد قانع شده پامیشود و بعد می گوید علم اگر  
میخواهد نزد این شخص است . . . امام  
صادق (ع) این اندازه به او به امید هد که  
حرفش بزند . بگذرید حرفش را بزند و لو حرف  
باطل باشد . . . حضرت امیرالمومنین با  
اینکه خوارج برخورد های تند داشتند ، ولی  
چطور برخورد میکرد حتی شهریه شان را از  
بیت المال قطع نکرد . . . "

يك دانشجو ، اگر متنبه شده ، به صرف رفتن  
زندان نباید مجموعه حقوقش قطع شود .

نکته دیگر این است که از اختناق و محدودیت و خود محسوری و  
تعمیل عقیده شخصی جلوگیری کنید و با ایجاد محیط درسی  
و در عین حال آزاد اجازه ابراز عقاید و اشکالات و نظریات  
مختلف را بدهید .

الان آقایان در دانشگاهها همین وضع مواجه هستند یعنی بسا  
یکعده دانشجوها حزب الله هستند همسطح و همفکر شما هستند  
هم خط شما هستند اما خیلی ها "المولفة قلوبهم" هستند خیلی ها خطرا  
علا صالحا و آخر سینا" هستند خیلی ها بیتفاوتند . . . اما  
قابل جذبند . با اخلاق خوب ، برخورد خوب قابل جذبند و هنر  
این است که ما اینها را جذب کنیم .

اگر يك کسانی نظام را قبول دارند ، جمهوری را قبول دارند .  
اسلام را قبول دارند اما بر اساس اعتقاد به نظام حرفی دارد ، مثلاً  
به روش اقتصادی اشکال دارد . یا فرض کنید به کار فلان  
وزیر اشکال دارد . این باید بتواند حرفش را بزند . در روزنامه ها  
هم باید بنویسد . اگر این جور باشد همه احساس می کنند که  
کشور مال خردشان است . . .

است بطرف اسلام و انقلاب بیاید . و ما اشتباه  
خیلی کرده ایم . سران منافقین آدمهای  
خبیش بودند . اما این بچه های که به دام  
آنها افتادند اینها بعضی شان بچه های مخلص  
بودند راه را اشتباه طی کردند . اگر ما اینها  
اینجور برخورد می کردیم بجای اینکه بگوئیم  
منافق خبیث ، منحرف ، نمی دانم چه اگر  
میگفتم عزیزم جانم رقیل از انقلاب ما با هم  
همسنگ بودیم ، هم صاف بودیم برای پیروزی  
انقلاب با هم هماهنگ بودیم . شما خدمت  
کردید به انقلاب ، ما خدمت کردیم الان این  
روشی که شما دارید دشمنان اسلام استفاده  
میکنند آب به آسیاب دشمن ریختن است ،  
شرق و غرب استفاده میکنند . عزیزم جانم  
بیاید ، میگوئید اشکال هست ، ما دعای  
عصمت نمی کنیم ما هم اشتباه کردیم حالا بیایم  
با هم کشور خودتان را اسلام را بر اساس حق  
اداره کنیم . لحیازی نکنید . اگر اینطور با اینها  
برخورد میکردیم بسیاری از اینها قابل جذب  
بودند ؟

بسمعه من علی باب الدار " زراره " می گوید صدای  
امام باقر با صدای من در بحث همچنین بسا  
رفت تا حدیکه هر که در خانه بود می شنید .  
امام باقر علیه السلام به زراره اینجور رسا  
میداد که اجازه میدهد او را میزند . با هم  
مباحث می کنند آنطور که صد ابرون می رود نمی -  
گوئید برو گمشو . زراره عقیده ای داشته و عقیده  
خودش را گفت ، حضرت هم فرموده اینکه تو  
يك دسته خاص را که صد در صد هم خط تو  
باشند فقط همینها را بپذیری و باقی را رد کنی  
این غلط است باید باقی اینها بحساب  
بیایند .

الان آقایان در دانشگاهها همین وضع  
مواجه هستند یعنی بسا یکعده دانشجو -  
ها حزب الله هستند ، هم سطح وهم فکر  
شما هستند هم خط شما هستند اما خیلی ها  
"المولفة قلوبهم" هستند خیلی ها "فطرا علی صلاصا  
و آخر سینا" هستند خیلی ها بی تفاوتند خیلی  
ها از بی تفاوت هم یکد رجح پائین تر هستند .  
اما باز قابل جذبند . با اخلاق خوب ، برخورد  
خوب قابل جذبند و هنر این است که ما اینها  
را جذب کنیم ، نه فقط آنها را که هم خط  
خودمان وهم فکر خودمان هستند فقط آنها  
را برایشان شعارید هم ونکه داریم . این کاری  
ندارد هنر این است که آن دسته را بتوانیم  
جذب کنیم "

سران منافقین افراد خبیثی بودند ، اما بعضی از  
بچه هایی که به دام آنها افتادند ، مخلص بودند ، اگر  
با آنها خوب برخورد می کردیم ، بسیاری از آنها  
جذب می شدند .

ایت الله منتظری ضمن اشاره به برخورد با  
حضرت علی علیه السلام با خوارج چنین اداه  
دارند که : " اگر نباشد ما از يك نفر که بقول ما  
افکار انحرافی یا التقاتلی دارد اول به او  
بگوئیم برو منافی ، خوب از همان اول پسرد  
عصمت بین ما وارد شد . او چه گیری  
میکند ما هم جنبه گیری میکنیم . او دیگر محال

" یکنفر يك یاد و یاسه ماه رفته است زندان ،  
اصلاً در دانشگاه برایش راه نیست . مجموعه  
حقوقش قطع میشود . البته يك وقتی واقعا  
میخواهد فتنه انگیزی کند آن مسئله دیگری است  
اما اگر نه ، واقعا متنبه شده ، خوب با تعهد یا  
هرجوری هست بپذیردش بعد هم بگذریم  
او را رگلا سها شرکت کند . او را از علم محروم  
نکنیم وقتی يك نفر را محروم کردیم این برای  
خودش عقده میشود ، برای ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر  
از خویشان او هم عقده میشود و بعد همه  
اینها نسبت به اسلام و انقلاب بد بین میشوند

افراد از نظر عقاید و اعتقاد به اسلام مراتبشان  
مختلف است ، اگر بجای هم همه هم خط خودمان  
باشند و بقیه مطرود ، این خلاف اسلام است .

این مسئله خیلی مهم است ، افراد از  
نظر عقاید و از نظر اعتقاد به اسلام مراتبشان  
مختلف است . ما اگر بخواهیم همه هم خط  
خودمان باشند . همان خطی که ما میگوئیم  
و باقی دیگر همه مطرود ، قلم سرخ رویشان  
بکشیم این خلاف اسلام است . . .

در اصول کافی جلد ۲ باب اصناف الناس  
صفحه ۳۸۲ ، زراره می گوید من برادرم وارد  
شدیم بر امام باقر علیه السلام و گفتم ما شاتول  
می کنیم هر کس هم خط خودمان بود چه  
علوی وجه غیر علوی با او روابط برقرار میکنیم و به  
باقی میگوئیم خدا حافظ . حضرت می فرماید :  
" یا زراره قول الله اصدق من قولك " جناب عالی  
این کار را می کنید بیخود میکنید . خدا بهتر از  
تو می گوید . دستور خدا بالا تر از دستور تو است ؟  
" الا المستضعفین من الرجال والنساء "  
والولد ان لا یستطیعون حبله ولا یهتدوا  
سبیلاً " بعضیها مستضعفند حالا یا مستضعف  
مالی اند یا مستضعف فکری ، مستضعف اعصاب  
سپس امام می فرماید اینها که در قرآن هستند  
اینها را باید به حساب آورد .

" وزاد حماد فی الحدیث قال : فارتفع  
صوت ابی جعفر علیه السلام و صوتی حتی کساد

" دانشجویان عقاید مختلف ، دارند . مثلاً  
بسیاری از دانشجویان با فکر و آثار مرحوم دکترا  
شریعتی موافقت . اینان در فکرو ذهنشان  
است ، صرف اینکه بگوئیم نه ، نه ، اسم  
دکترا شریعتی را نیاوریم . . . اینها قانع نمی -  
شوند . فو قش این است که می گویند جو  
دانشگاه اختناق است مانع می شود  
دکترا شریعتی همه حرفهایی که زده است  
درست است ولی این جهت که دکترا شریعتی  
بسیاری از بچه هایی که در وادی کمونیست می -  
افتادند نجات داد ، نمی شود منکر شد .  
بالاخره يك انسان مسلمان بود و از اسلام و  
پیغمبر دفاع میکرد . خوب اشتباهاتی هم  
داشته است . اگر چنانکه اشتباهات ( اعتراض  
يكی از حصار ) اجاز میفرمائید ، اشتباهاتی هم  
داشته ، اگر ما می خواهیم با انکار غلط دکترا  
شریعتی مبارزه کنیم باید يك انکار بالا تری که  
واقعا " از نظر منطق برتر از افکار او باشد ارائه  
دهیم . چه بسا آقایان اساتیدی را انتخاب  
کرد هاید که شاید حرفهای دکترا شریعتی را  
بلد نیست ، فقط بلد است علیه او شعارید  
آنوقت دانشجو چطور میشود ، در يك محیطی  
قرار میگیرد که محکم میشود حق با دکترا شریعتی  
است و اینها اصلاً بلد نیستند . این يك  
مسئله ای است . اگر چنانچه ما می خواهیم با .  
حرفهای غلط او مبارزه کنیم بایستی يك افکار  
محکمتری که روی افکار او را بگیرد بتوانیم ارائه  
دهیم يك افرادی که اهل منطق باشند  
معین کنیم برای این جهت . اینکه ما  
همینطور با شعاری و تکفیر و اینجور چیزها بخواهیم  
آن را رد کنیم ساختن دانشگاه نیست و ساختن  
دانشجوی نیست . بلکه ما از روحانیت و اسلام  
و انقلاب دورتر کرده ایم . بی رود ریاسی این  
ضرر بیشتر از نفعش است . بنابراین بایستی  
که در این جهت دقت کرد . که اولاً " اگر حرفی  
دارد ، می گوید دکترا شریعتی اینطور گفته شما  
نگوئید دکترا شریعتی اینطور بوده ، نه حرفش  
را خوب گوش بدهید ، بگوئید خوب مسنون  
اگر جوابش را بدهی ، اگر حرفش صحیح است بگو  
حرف شما صحیح است . اگر نظرتان غلط  
است همانوقت می توانی منطق بیاوری جواب  
بدهید . نمی توانی بگوئی فرد امیام بحث

انحصرهای اسلامی باید راهها و لوسوز باشند

" متأسفانه اکثریت دانشجویان حالت  
بی تفاوتی پیدا کرده اند . و از دیکته کردن و  
از تعمیل خطوط و سلیقه شخصی می نالند .  
گاهی گفته میشود الان اختناق از رژیم سابق  
بیشتر است ، چون در رژیم سابق فقط گرفتار  
زند ان میشدیم ولی الان گرفتار چماق و  
برجسب می گردیم . همان خوبان به من  
گفتند ، نگوئید منافقین ، منافقین با من ارتباط  
ندارند . متأسفانه این هم مربوط به  
انجمن های اسلامی است . متأسفانه  
اکثر دانشجویان به انجمن اسلامی به چشم  
حاسوس نگاه میکنند نه بعنوان راهنما و لوسوز  
وقهراً امروز رفتار خود را از آنها مخفی می کنند .  
اینرا بارها عرض کرده ام انجمنهای اسلامی  
باید حوری باشند که پناهگاه بچه های باشند .  
می خواهد انجمن اسلامی دانشگاه باشد یا  
در کارخانه باشد ، یاد روزارخانه باشد . طوری



# مصدق و آزادی



نام: مصدق در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۱ به شهرتانی :

در شهرتانی کل کشور، در حرایر ایران آنچه راجع به شخصی اینجانب نگاشت میشود هرچه نوشته باشند و هرکسی نوشته باشد به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد لکن در سایر موارد بیرونی مقررات قانون عمل شود. به مأمورین مربوط دستور لازم در این باب صادر فرمائید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود.

نخست وزیر در کتبر مصدق

راه مجاهد :

در اکثر حکومتهای موجود این تحلیل تثبیت شده است که ثبات حکومت با اعطای آزادیها و جواز و اصلاحات سیاسی مغایرت دارد. یکی از حکومتهایی که در سده اخیر عملاً ضربه بزرگی به فلسفه مذکور زده است، حکومت مردمی دکتر مصدق میباشد. وی موفق گردید به پشتوانه قیام مردم مسلمان ایران از طریق اعطای آزادیها و اصلاحات سیاسی و برخورد های گرامانه نسبت به نیروهای درونی، تمام حنا چهاراد مقابل استعمار انگلیس بسیج نماید. شیوه برخورد گرامانه ایشان با اختلافات درونی موجب رشد و بزرگی آزادیخواهی در مردم ایران گردید تا جایی که ایجاد نهضت مقاومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد و تمام حرکتهای ضد استبدادی به برکت عمق یافتن چنین بزرگی بود چنانکه مردم ایران بیشترین کینه را از شکنجه گری شاه و سازمان مجری شکنجه سلطنت بعنی ساواک داشتند.

بختیاری که خود را از مریدان جبهه ملی و رهرو راه مصدق میدانست معتقد بود که آزادیهای سیاسی باید محدود و مشروط باشد که البته شرط وحدت آفرین شوری سلطنت و حکومت وقت تعیین می کرد. با چنین استدلالی به هیچ یک از حکومتهای استبدادی انتقادی وارد نیست چرا که ملاک همه آنها برای مشروط و محدود کردن آزادی، نظر شخصی خودشان است. البته لازم به ذکر است که "آزادی" از حد و مرز برخورد اراست منتهی حد آنرا باید ملاکی مستقل از نظر اشخاص تعیین کند. این ملاک مستقل از ذهن

که استخراج شده از قرآن و اصول انقلاب اسلامی است بطور نسبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی متبلور گشته است. البته مواردی که قانون اساسی در تعارض با اصول انقلاب اسلامی نمود. مینا و اساس، اصول انقلاب میباشد که بیانگر نیاز فطری توبهها است. این اصول در هر مرحله شکلی به خود میگیرد که قانون اساسی نام دارد.

عدهای چنین می پندارند که اگر آزادیهای ابتدای انقلاب نبود تروریسم هم بوجود نمیآمد و در تاریخیات گروههای ضد انقلاب اینهمه شهید نمی دادیم. اینها توجه ندارند که ویژگی عدم تحمل یکدیگر و "انتقاد ناپذیری" و عدم برخورد تعالی بخش نیروهای انقلاب و گروههای سیاسی با هم منجر به این شد که اختلافات داخلی حالت خصمانه ای بخود بگیرد. این ویژگی یعنی کمبود سعه صدر، مستقل از آزادی سیاسی در هر شرایطی که باشد موجب تبدیل اختلافات به حالت خصمانه خواهد شد. برای نمونه در سال ۴۵ که عدهای از نیروهای مارکسیست شده سازمان مجاهدین، اقدام به ترور شهید شریف واقفی و صمدیه می کنند جزو آزادی وجود ندارد و بدینا توری سلطنتی حاکم است. وجود آزادی موجب میشود تا اختلافات به حالت زیرزمینی و مخفی و برانداز تبدیل نشده و شکل علنی بخود بگیرد. از طرف دیگر مسئولین به نیازهای اقشار مختلف جامعه واقف نشده و با توجه به این نیازها و در نظرگیری انسجام درونی جامعه، اولویتهای قانونی و اجرایی را تعیین خواهند کرد و تبلور خواستههای مردم خواهند شد.

آنچه که تروریسم رجوی را تاکنون حفظ کرده و مانع از هم پاشیدن تشکیلات وی شده است، تکیه اش به وجود شکنجه در زندانها و اختناق و... می باشد. اصلاحات سیاسی و قضایی، موجب فلج شدن رجوی و راد یوهای تبلیغاتی غرب و نهایتاً "فرهنگی" ضد انقلاب و تروریسم خواهد شد.

مرحوم مصدق، قانون فوق را با تمام وجودش درک کرده بود و می گفت مخالفان سیاسی دولت از طریق تسکین به شیوههایی چون فحش و افترا و مارک و... خود را منزوی و حکومت را تقویت میکنند.

امام علی علیه السلام با وجود علم به کینه این ملجم نسبت به خود و احتمال سوء قصد آن ملعون، وی را بازداشت نمیکند زیرا که قصاص قبل از جنایت در قاموس انبیا و ائمه جایی ندارد. امام علی میدانست که ما در سنگبری این ملجم موجب میشود تا اصل باطل در تاریخ مشروعیت بیاید که حکومت اسلامی حق دارد اقدام به بازداشت هر فرد مشکوک و متهمی (نه مجرم) بنماید.

به امید شتاب گرفتن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در جهت حکومت عدل علی که در طول حکومت ۵ ساله اش یک شکنجه نیز گزارش نشده است. تحقق

## رهنورد های مهم قائم مقام رهبری

باشد که افراد پنهانگاه خودشان بدانند اگر یک آدمی فرض کنید آنوقت که در اروپا بود یک غلطی کرده یک خراب کاری کرده. یک استادی یک اشتباهی داشته حالا واقعا متوجه شده که اشتباه کرده مثلا. میخواهد ببیند توبه اش پذیرفته هست یا نه. این باید واقعا "برود به انجمن اسلامی به آن روحانی به آن استاد معارف به نماینده ها با اجرات برود بلند بگوید آقای وقتی بالاخره بچه ها مارا گول زدند یک کارهایی کردیم او هم بگوید نه آقایوری نیست توبه، انشاء الله قبول است، نه اینکه بگوید الان اگر رفتیم و گفتم برایم پرونده درست میکنند فرد ایک اعلامیه در دانشگاه می چسبانند بر علیه من و حرارت نکند حرفش را بزند.

باید اینجور باشد که انجمن های اسلامی، آقایان علما، روحانیون پنهانگاه افشادی باشند که در زندگیشان سابقه تاریکی، اشتباهی، عقده های چنانچه دارند اینان بیایند در شان رای بگویند و بعد راهنمایی بشوند و شعار اراهنمای خودشان بدانند، نه اینکه در زندگیشان باشد اینها الان میروند به رئیس دانشگاه پایه رئیس دانشگاه پایه روحانی پایه گزینش برای من گزارش میدهند و فرد از دانشگاه بیرون میکنند. اصلاً این فرد مطمئن میشود اگر بگوید کارش زار است. اینجور نباشد این معنامتاسفانه هست نمی - خواهم بگویم همه جاهست اما خیلی جاها هست

باید زبان استاد و دانشجویان همید.

دانشگاهها و اصلاح دانشجو است زبان استاد و دانشجو غیر از زبان مشتق حسن است که در دهات پای منبرها و برخورد میکنیم. زبان اینها خورد بگری است درک اینها یک جور دیگر است اینها در محیطهای (بظاهر) آزاد زندگی کرده اند، مخصوصاً استاد هائی که یک مدت در اروپا بوده اند در محیطهای آزاد بوده اند. اینها اگر ما میخواهیم یک محیطهایی درست کنیم که حرارت نکند حرفش را بزنند، منحصر به دانشگاه نیست اصلاً باید در سطح کشور اینجور باشد.

مردم باید احساس امنیت اعتقادی کنند.

"اگر کسانی نظام را قبول دارند، جمهوری را قبول دارند، اسلام را قبول دارند. اما بر اساس اعتقاد به نظام مثلا" به روش اقتصادی اشکال دارد، این باید بتواند حرفش را بزند در روزنامه ها هم باید بنویسد. اگر اینطور بشود همه احساس میکنند کشور مال خودشان است و احساس امنیت اعتقادی می کنند. مثلا" فرض بفرمائید اگر بنا باشد هیچکس حرارت نکند حرفش را بزند یکی دو تا سه تا را فرض کنیم با تهدید و اینها ننگه داریم آخرش اگر این بهم خورد دیگر هیچی برای ما نمی ماند پایه انقلاب ملت است اگر ماملت را از دست دادیم دیگر هیچ چیز نداریم."

سرمایه های علمی کشور دانشگاهها هستند اگر ما میخواهیم اختناق درست بکنیم همه فخر میکنند.

"سرمایه علمی کشور دانشگاهها هستند و دانشگاهها سازنده آینده کشورند. اگر ما

هست گاه گاهی با زرس فرستاده شود... حتی آقایان به شکایات هم رسیدگی کنند... اگر فقط وجود اسمی و وجود گذسی باشد این بسا ضررش هم بیشتر از نفعش باشد بنابراین سعی کنید انشاء الله واقعا معارف و اخلاق اسلامی در دانشگاهها تدریس شود و محیط دانشگاه محیط دینی شود."

ساختن دانشجویی مهم تر است از اینکه انسان برود منب و ده هزار نفر برای او شعار بدهند.

"... کوچک نشمرند کار را، در کنار کارهای دیگر قرارند دهید بلکه بدانند کاری اساسی است و ساختن دانشجویان خیلی مهمتر است از اینکه انسان برود یک هنر در یک شهر مثلا" (ده هزار جمعیت هم بیایند برای انسان شعار هم بدهند. اما اگر نتوانید واقعا" ده نفر را در دانشگاه تربیت کنید خیلی مهم است. ما متاسفانه به اینجور چیزهای شعاری بیشتر وقت صرف میکنیم.

کاری کنیم درها را نگه داریم و محفظ کنیم.

می دانید که در اروپا قبل از انقلاب و اوایل انقلاب و تا یکی دو سال بعد از آن انقلاب بچه های دانشجو هم سنگرمابودند مدافع انقلاب بودند ولی حالا اکثریت آنها یار رفتند به دام مجاهدین خلق افتادند یا به دام کمونیستها افتادند یا بی تفاوت شدند. وقتی که مثلا" فرض بگردید بچه های مذهبی می - بچه در صفحه ۲۳

بخواهیم اختناق درست کنیم خیلی ها فرار میکنند میروند و دیگر تعاش چیزی برایمان باقی نمی ماند. من اینها را هر ا عرض کرده ام بالاخره در رشته های مختلف استاد و متخصص میخواهیم دانشگاه اگر از هر علمی غنی و خود کف باشد، ناچاریم که بسیاری از استاد ها را تاجایی که در سرش را خوب میدهد، حالا یک سابقه اشتباهی هم داشته حفظ کنیم..."

"استاد های خوب هم داریم یکی میگفت من رفتم آمریکا کمتر بیمارستانی رفتم که رئیس بخش هایش ایرانی بودند نه ایرانیهای بد ایرانیانی که می دانم با قرآن و ایمان سرور کار دارند بالاخره یک محدودیتهایی که ما می خواستیم برای اش ایجاد کنیم آنها زیر بار نمی روند نتوانستیم تا نعرش کنیم بسا اگر ما منطق با او برخورد می کردیم می توانستیم نعرش کنیم اینها رفتند خارج مثلا" تعداد زیادی در کسیر ایرانی فقط در لوس آنجلس آمریکا هستند اینها همه شان که منافق نیستند، کمونیست نیستند، بی دین نیستند خیلی هایشان واقعا "متدین هستند اما بقول شما حزب الهی نیستند..."

کم کم دارد نمایندگی مادر دانشگاهها اس می شود. دفتر مرکزی فعال شود و بازرسیهایی را به دانشگاهها بفرستند

"کم کم دارد نمایندگی مادر دانشگاهها مخصوصا" در بعضی جاها فقط اسمی میشود... این دفتر مرکزی فعال شود و بازرسی - های بعنوان دانشگاهها بفرستند، ببینند روند دینی دانشگاهها چگونه است خدمت آقایان چطور بوده است. این محتاج این است که به شهرهای مختلفی که دانشگاهها



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الهی وری من لی غیرک اسئله کشف ضری والنظر فی امری یا سابق النعم ویا دافع النقم یا نور المستوحشین فی الظلم یا عالایم صل علی محمد و آل محمد و اقل بن مانت اهل و لا تغفل بی ما ان اهل در شب ۲۱ اسفند ۱۳۶۵ مطابق با ۱۱ رجب و قی سخنانی آیت الله خزلی را بنسبت چهلین روز شهادت حجت الاسلام عبد ۷۰۰ مثنوی شنیدم متأسف شدم نه برای خود بلکه برای انقلاب که چرا یک فقیه یک عضو شورای نگهبان و یک عضو جامعه مدرسین بایستی تمام ملاکهای اسلامی و انسانی را زیر پا بگذارد و واقعیات آشکارا انکار نکند و دروغهای آشکار بگوید و از این طریق به اسلام و امام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ضربه هولناک بزند ولی آنچه که تاحدی آزار به من داد این بود که ایشان از گردانندگان اصلی گروه رسالت هستند و امام چندین بار ایشان را زیر سوال بردند. من هم قصد اینکه به جایی شکایت کنم نداشتم و راستش فایده‌ای هم در آن نمی دیدم. ایشان دفعه اولشان نبود که نسبت به من اینطور برخورد می کردند در سال ۶۱ در مسجد ظهک به مناسبت ختم یکی از شهدای رزمنده در جبهه بدون هیچ مناسبتی گفتند که این کودتای اخیر توسط قطب زاده بوده است و شریعتمداری و لطف... مثنوی و ۳۰۳ بار هم تاکید کردند همان مثنوی که دست ندارد و کسور است در مسجد خدا بختناهیبت ختم شهید بیایند یک نفر را رسوا بکنند. طبق روایات رسوا کردن یک مسوول از زنا میصنعه بدتر است ایشان با این جوسازنهاشان زمینه بازداشت ما را توسط حاج آقا لاجوردی فراهم کردند. در اوین که بودم به یکی از بازجویها گفتم مگر نه اینست که جمهوری اسلامی مظهر عدل و داد و نظام شاهنشاهی سرچشمه فساد است گفت چرا گفتم آیت الله خزلی در مسجد ظهک گفته اند که لطف... مثنوی بر کودتای قطب زاده و شریعتمدار شرکت داشته و تاکید هم نمودند. اگر چنین چیزی بود که حاضرم بجا که شوم و افسوسم کردم و حتی تقاضای عفو هم از امام عزیز نکند ولی اگر این واقعیت ندارد و اینجا داستان جمهوری اسلامی است و مظهر عدل و داد چرا آیت... خزلی را احضار نمی کنید از ایشان بازجویی کنید

# درد ولی با امام عزیز

## در باره آیت الله خزلی

مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی مرگ بر منافقین و صدام مرگ بر اسرائیل و مرگ بر مثنوی و ایشان تأیید کردند که خیلی خوب است بگویند همین مرگ بر مثنوی را. و بعد ها که من به مناسبت عقد برادر خانم رستم سیزوار، از مردی که توی عقد آمده بودند می پرسیدم راستی این مثنوی کیست که شما می گفتید مرگ بر مثنوی. بعد می گفتند خدا لعنت کند این خزلی را که آمدند اینجاشهر را به آشوب کشیدند و بلوا راه افتاد و ما هم نفهیدیم بالاخره این مثنوی کیست. البته خودم را معرفی نکردم بودم (ایشان همه نوارهایش موجود است). ایشان در همان سخنرانیها بدین مضمون گفتند کجاست در قانون اساسی حکم کرده ولی ما نمی توانیم شکنجه نکنیم اوینی های ما اعتراض می کنند با کابل. آیت الله فقیهی که باید حافظ و نگهبان اسلام و قانون اساسی باشد اینطور آشکارا قانون را زیر پا می گذارد! ایشان در حسینیه اصفهانها در محله آبنگ که منزل ما هم مانجا است بارها به من توهین کرده اند. حتی یکی از حزب اللهی های محل رفته بود به ایشان پیشنهاد کرده بود که اگر لازم است برویم مثنوی را در خانه اش بکشیم ایشان گفته بودند که هنوز زمانش نرسیده است. هر وقت رسید خبرتان می کنیم. البته این بچه ها هم قضیه را به من گفتند که هوشیار باشم. به آنها گفتم ما هرمان را کرده ایم آخرین بار هم که در مسجد حکیم اصفهان بودند تارفتند بالای منبر بعد از مقامات اولیه یک دفعه اشاره به خطبه حضرت علی (ع) کردند. شنان الفاسقین در بار تکرار کردند گفتند: شهید عبد... آمر معروف بود و تاهای عن المنکر و شنان به فاسقین داشت. حتی دائیتر

بگذریم حجت الاسلام فاکر هم در یکی از پیش خطبه های نماز جمعه اصفهان گفتند ۳ بن لطف الله مثنوی مرتد دوستان هم به من گفتند خوب است تویک اعتراضی به آقای فاکر بکنی یک شکایتی بکنی ایشان تو را مرتد اعلام کرده ممکن است یک عده بپزنند و خونت را جاری بکنند و خونت صاب شود و منجر به قتل گردد. من گفتم که نه بهتر است جواب ندیم انقلاب خیلی شتاب دارد و مرتب توطئه ها را رو میکند ایشان بزودی چشمان را باز خواهند کرد و توطئه های هولناکی را خواهند دید. چند ماه نگذشت که کودتای شریعتمداری برپا شد. آقای فاکر سراج دعا را کم کرده میاید ما را مرتد اعلام میکند در حالیکه بیخ گوش یک کودتای آمریکایی در حوزه های علمیه در جریان است و ایشان هم نسبت به آن موضعی ندارند بعد هم که مردم به خیابانها ریخته و میگویند مرجع آمریکایی اعدام باید گردد اینها دست بپیک می کنند و فقط در حد خلع مرجعیت با شریعتمداری برخورد میکنند و فقاقت ایشان را قبول مینمایند یعنی یک نفر میتواند هم فقیه باشد هم کودتای آمریکایی بکند و هم با سیا و ساواک و سایر نیروهای ضد انقلاب در ارتباط موثر و فعال باشد بعد هم نتیجه اش را خود آقای فاکر دید. رفتند به مشهد و با اینکه مورد حمایت جامعه مدرسین بودند و روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی مشهد و روحانیت حوزه علمیه مشهد از ایشان حمایت کرده بودند معذرا اصلاً رای نیاوردند حتی به دوره دوم هم کشیده نشدند و در میان مردم پایگاهی ندارند حالا شما شاهد باشید که ما را فاسق خوانده اند مرتد خوانده اند از طرف آقای خزلی مرگ بر مثنوی مطرح شده و عضو کودتای شریعتمداری معرفی شده ایم بنا بر این شاهد باشید که اگر خون ما ریخته شد اینها حتما در قتل من شرکت داشته اند باضافه رجوی که ما را مزدور و خائن اعلام کرده است. اینها فتوایش را داده اند او هم شاید عطش را انجام دهد شما توبه کنید که ما خودمان در انقلاب روی پشت بامها فریاد میکشیدیم "خمینی تونوی از خدا بی فریادی از دلهایی رهبر مایی" و واقعا شعار "مرگ بر شاه" فریاد دلهای مستضعفین بود فریاد تاریخی و کینه های مقبول شده آنها بود حالا وقتی که افرادی چون آیت الله خزلی اینطور برخورد میکنند در شب جمعه ۱ رجب حرفهایی میزنند که همایش تفرقه افکن است و امام در ۱۳۰۰ رجب آن حرفهای رحمت بار را میزنند که هیچ تفرقه ای نباید باشد هیچ قسری را در جامعه نیایستی جدا کرد انسان متأسر میشود که مردم آرام آرام خیلی منفعل شده اند و این حرفها انفعال آنها را شدیدتر میکند. خدا شاهد است که آن شب بعد از اینکه جلسه تمام شد مردم میگفتند شک که بگذر چکار میشود کرد؟ آنچه بگذر نکش میزنند وای به روزی که بگذر تک. اگر روحانیت عضو شورای نگهبان اینطور عمل بکند دیگر چه انتظاری از سایرین خواهیم داشت؟ آیت... خزلی در همان شب میخواهند دولت را تأیید بکنند میگویند "علت اینکه امام دولت موسوی را تأیید میکنند اینست که این دولت در جنگ فعال است. بعد میگویند اینها که خواهند اگر خلیفه دوم هم الان این جنگ را پیش ببرد کار کند ما تأیید او را واجب میدانیم" در روز بعد امام گفتند دولت خدمتگزار است دولت مورد اعتماد است و اینطور تأیید کردند.

ما را فاسق خوانده اند مرتد خوانده اند از طرف آیت... خزلی "مرگ بر مثنوی" مطرح شده و عضو کودتای شریعتمداری معرفی شده ایم بنا بر این شاهد باشید که اگر خون ما ریخته شد اینها حتما در قتل من شرکت داشته اند اینها فتوایش را داده اند رجوی هم شاید عطش را انجام دهد.

من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرتها را به خاک مدلت می نشاند



# ریشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

## قسمت هفتم

انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بمناسبت هفته دولت بیان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می انجامید، مورد انتقاد قرار دادند. هر چند مسئولان روزنامه دریافتند که روی سخن امام بایشان است و اشتباه خودشان را پذیرفتند. لیکن تا بحال ریشه‌یابی مواضع گذشته را در روزنامه ندیده‌ام لذا امکان تکرار آن وجود دارد. حال که نیاز به یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است، مواضع سؤال برانگیز این روزنامه را ذکر میکنم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه‌یابی شود.

لازم به ذکر است که بدنبال فرمایشات امام از جانب شخصتهای مختلف برخودهای با روزنامه رسالت شد که تقریباً هیچکدام در جهت ریشه‌یابی و اصلاح اشتباهات نبوده است. امیدواریم این مقاله یک گام در سوزانده در این جهت تلقی بشود. در این مقاله فقط به ریشه‌یابی اجمالی اکتفا می شود و ریشه‌یابی عمیق را در برنامه سرگشاده به جامعه مد رسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده ایم و آن ارجاع میدهم.

## تحریف تاریخ

در شماره قبل (راه مجاهد شماره ۴۴) در این ستون مطلبی تحت عنوان "اتهام مخالفت مصدق با ملی شدن نفت" درج شده بود که در آن به توضیحات آقای رحیمیان در مورد لایحه ملی کردن نفت جنوب، اشاره ای داشتیم. در این شماره عن مطالب نامه ایشان درج میشود:

مجله آمد ایران - شماره ۱۱ - دوره جدید - ۲۷ فروردین ۱۳۵۸

آقای رحیمیان طی نامه ای می نویسد: "در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی هنگامیکه طرح لغو قرارداد امتیاز نفت جنوب را که در دست انگلیس بود به مجلس دارم ابتدا از مرحوم دکتر مصدق درخواست کردم اولین کسی باشد که این طرح را امضا می نماید. اما ایشان در پاسخ گفتند فعلاً امضا نمی کنیم. روزهای بعد از طرف بعضی اشخاص در جرأت آنروز مطالبی به مخالفت با امضا نکردن مرحوم مصدق نوشتند. همانطور که قرار شده بود من به منزل ایشان رفتم و مرحوم دکتر مصدق در کمال ملاحظت فرمود شما یک فدائیکاری بزرگ کرده اید که این طرح را با خاطر ملت ایران

تهیه کرده اید. اما یک فدائیکاری بزرگتر شما این خواهد بود که این طرح را رسماً در این مجلس مطرح نکنید زیرا هنوز زمینه حاضر نیست. باضافه به نمایندگانی که در این مجلس فعلی اکثریت دارند نمی شود اطمینان کرد. بنابراین ممکن است این رد بشود. پس لازم است موضوع طرح دنبال بشود و در هر فرصتی که پیش آید از مخالفت کردن با قرارداد نفت و سخنرانی فروگذار نکنید. این وظیفه ای است که همه کس باید به عهده بگیرد تا انشاء الله موقعش برسد و عمل کنیم والا اگر حالا این طرح مطرح بشود با اکثریت فعلی نمایندگان مجلس که من آنها را می شناسم ممکن است این طرح رد بشود. آنوقت گسار که بدست انگلیس ها می افتد و خواهند گفت که اگر اعداد دارید این امتیاز در دوران دیکتاتوری (رضاشاه) تمدید شده و قانونی نیست حالا که مجلس آزاد دارید، این مجلس لغو شدن آنرا رد کرده است. به این جهت در آینده دچار مشکلات زیاد خواهیم شد. من (رحیمیان) فکر کردم فرمایشات ایشان بسیار بجای و صحیح است و از این رو با ایشان چند نفر از امضاکنندگان اصرار داشتند این طرح در مجلس مطرح بشود از این اقدام صرف نظر کردم. منتهی همانطور که دکتر مصدق فرموده بود تا آخر دوره بآنزد هم که در مجلس بودم در هر فرصت با قرار داد نسیف جنوب مخالفت می کردم که شرح آنجا در مجله مذاکرات مجلس و در روزنامه های آن زمان نقل شده است. چون قرار ماباد دکتر مصدق این بود که

مذکره مادر منزل ایشان محرمانه بماند. در آن موقع و از آن به بعد هر کس و هر وقت از من سؤال می کرد که صحبت شما با دکتر مصدق چه بود و ایشان چه گفتند هرگز جوابی ندم. اما امروز لازم میدانم این راز را فاش سازم و این مطلب را به همه هموطنانم بگویم تا مخصوصاً کسانی که در آن موقع به مخالفت با مرحوم دکتر مصدق اقدام می کردند، اگر هنوز زنده هستند، از این حقیقت تاریخی باخبر شوند و به کتبه بنی خویشتن بپیوندند.

## نقدی بر سرمقاله بنیاد نبوت، بنیادی بی بنیاد

بدنبال افشای اعمال خلاف شریعت گروهی سودجو و چپاولگر بنام "بنیاد نبوت"، سرمقاله ای در روزنامه رسالت تحت عنوان "بنیاد نبوت، بنیادی بی بنیاد" بقلم آقای زوراره ای بچاپ رسید. ضمن درج قسمتهای از این سرمقاله، به بررسی اجمالی مواضع مطرح شده در آن می پردازیم:

رسالت (۶۶/۷/۲۱) ... حساب وعده اجمالاً به بررسی گوشه ای از ریشه های نه وجود آورنده این قبیل بنیادهای بی بنیاد می پردازیم.

"اگر در دوسه سال اول انقلاب تکلیف اموال نامشروع منجوزین به حقوق عمومی روشن می شد. الف - حق مردم محروم و مضطرب عملاً به صاحبان اصلی اش یعنی فقرا و محرومین داده می شد. ب - جامعه از سرگردانی و بلا تکلیفی در این خصوص

### رسالت ۶۶/۷/۲۳

دوم - اگر در توقیف یا مصادره اموال دقت می شد دیگر دلیلی بر فسخ احکام صادره و تصمیمات متخذه وجود نداشت تا بعد از چند سال که مالی مصادره و یا توقیف شده و میلیون ها تومان هزینه برای نگهداری و راه اندازی آنها صرف شده، با بررسی مجدد به صاحبش مسترد گردد...

### رسالت ۶۶/۷/۲۳

فصلی متمم ردیف اول هر اسمی که ذکمان می خواهد بگذاریم کلاهبرداری - سرخر فرصت طلب و... امکان ندارد بدون نفوذ در مرجع تصمیم گیرنده قانونی که اموال به او سپرده شده، بشود کمترین سوء استفاده ای نمود...

### رسالت ۶۶/۷/۲۳

"برخلاف نظر امام، اموال مصادره ای به افرادی با پوشش بنیاد خیریه واگذار می شود..."

### رسالت ۶۶/۷/۲۳

"علت اصلی این کار وجود اختلاف قیمت شدید بین بازار آزاد و نرخ رسمی است که امکان سوء استفاده به هر کسی را می دهد. ریشه درد در ایجاد بازار سیاه است که به هیچ وجه طبیعی نیست..."

### رسالت ۶۶/۷/۲۳

"... حل این معما با دستگاه قضایی است که روشن نماید در چه رابطه ای اجناس از کارخانجات با انبارهای دولتی به بازار آزاد راه پیدا می کند..."

۱- در این ریشه یابی، شیوه ای که آقای زوراره ای بکار برده اند، اصلی کردن عوامل فرعی است که به فراموش شدن ریشه اصلی سوء استفاده های این بنیاد منجر میشود. ایشان برای هر سوء استفاده، علتی قائل شده اند

دولت متشکل از عناصر خطامامی می باشد که بارها مورد تأیید امام قرار گرفته است ولی قسمت اعظم بدنه نظام از رژیم سابق به ارث رسیده است... طبیعتاً در چنین نظامی عناصر سود جو وجود دارند بجای اینکه وجود این عناصر را مستحکمی برای زجر سؤال بودن دولت و مسئولین خطامام قرار دهید به بافت اداری - تشکیلاتی نظام توجه نموده و با این کسار روی لزوم اصلاحات اداری سرپوش ننگ آرید.

که برآیند این عمل، زیر سؤال بردن دولت جمهوری اسلامی است. حتی بطور تلویحی، مراجع تصمیم گیرنده قانونی مقصرتر از موسوی قنص متهم ردیف اول قلمداد شده اند. حال آنکه شیوه درست تقویت دولتی است که با افراد و نهاد های سوء استفاده جسی درگیر شده است، نه تضعیف آن.

این موضوع درگیریهای پس از قیام ۳۰ تیر زمان حکومت ملی دکتر مصدق را در ذهن انسان تداعی میکند. در آن زمان هم

تجات می یافت و جو عدم امنیت اقتصادی به امنیت و ثبات بدل می شد و هرگز تکلیف خود را می دانستند و می فهمیدند که حدود فعالیت اقتصادی مشروع کدامیت و در این مسیر به سازندگی جامعه و بریدن از وابستگی های اقتصادی می پرداختند. اما مسأله ای که در این زمان حال هم چنان جزو بلا تکلیفی در جامعه حاکم است و مقامد زیادی هم به بار آورده است.

در حالی که اگر در طول مدت بعد از پیروزی انقلاب برای این قبیل اموال تعیین تکلیف شده بود و آنچه که نامشروع بود به صورت قطعی مصادره می شد و آنچه مشروع بود به صاحبانش تحویل می گردید دیگر جایی برای تفکر سوء استفاده هم برای فوسین بنیاد اصطلاحی نبوت با افراد دیگر باقی نمی ماند.

## لسان نصیحت کردن غیر از لسان سخن کردن ضایع کردن است

امام خمینی



روشنروهای مهم قائم مقام رهبری ...

بقیه از صفحه ۲۱  
در مورد نشریه "راه مجاهد" نمود گفت "ماروزنامه لثرا هم مثل خود شرکت میکنیم" اینها سندش موجود است  
شب چهارم یک شهید نهایستی به محلی بسرای تبلیغ روزنامه رسالت تبدیل شده به محلی بسرای کوبیدن افراد تبدیل شود ایشان گفتند: "به امام گفتیم روزنامه رسالت مال دلدادگان خود شماست مال مقلدین وفادار خود شماست اینها افسردی هستند مقلد شما از توشاره کردن از ما به سر رسیدن"  
آیقا... خزعلی از شهید خرازی به نیکی اسم بردند و گفتند "آقای خرازی که به آن روحانی گول خورده که گاهی از مهدی هاشمی تعریف میکرد بعد که در تلویزیون آمد به او گفت باز هم میگوی؟"  
مردی که در جلسه بودند گفتند منظور ایشان از روحانی فریب خورده آیا آقای منتظری است یا آیقا... ظاهری؟ یا آقای روحانی؟ از آنجا که سخنانشان صراحت نداشت تعلق مردم چنین بود  
ایشان در مورد سرمایه داران گفتند "شما یک روحانی بیاورید که پشتیبان سرمایه دار است تا ما او را سرچهارراه رسوا بکنیم"  
آخر این هم شد حرف؟ اینهم شد خط مشی از جانب یک فقیه؟ اولاً- شما سازمان حجتیه را نباید میکردید آنها را امام زمانی میدانستید، در اسلامشان شکی نداشتند و امام اسلام آنها را اسلام آمریکایی خواندند اسلام آمریکایی یعنی امپریالیزم بعنسی سرمایه داری. اگر میخواهید کسی را سرخیابان رسوا بکنید همین حجتیه را رسوا بکنید که تکرر مایند یا حداقل از خودتان انتقاد بکنید که چرا حجتیه را افشا نکردید  
ثانیاً- مکن است برخی روحانیون یک اعتقاد انسی داشته باشند و طرفداری از سرمایه دار هم بکنند شما بخاطر اعتقادشان که نباید کسی را رسوا بکنید اتفاقاً این همان خط سید مهدی هاشمی است که ایشان معتقد بودند آیقا... شمس آبادی با سازمان

منزوی نکتند و به انقلاب ضربه نزنند.  
رینا ما خلقت هذا باطلا سبحانه فقنا عذاب النار جهت اطلاع شما عکس العملهای مردمی را که در آن جلسه بودند را بحضورتان میروانم.  
یکی گفت رسوایی آخوند طرفدار سرمایه دار پیشکش با خود سرمایه دار مبارزه بکنید و حداقل لیست دو نفر از این احتکارچیهها را در رسالت درج کنید.  
دیگری گفت شما ناراحت نباشید معلوم است دیگری ایشان آقای خزعلی هستند.  
دیگری میگفت هر چه بگذرد نکش میزنند وای بروزی که بگذرد ننگ.  
چند نفر از بچههای خط امام میگفتند دیگر خمس و زکات دادن به اینها چه فایده دارد؟ اگر میگفت منافق ما سرورشته نداشتیم ولی وقتی که بیدست میگوید دیگر ما قاطعانه میتوانیم بگویم که ایشان کار اشتباهی کرد  
یکی میگفت حتما این خط ابرقدرتها بوده که آقا لطفاً... را معروف کنند معمولاً یکی را میگویند تا معروف شود  
بازاریها هم میگفتند انقلاب را سرمایه داری شروع کرد و پولهایی که آیقا... خدای برای احتسابات دادند و آن پولها را هم بازار داده بود.  
حاج آقا حسن امامی هم از شنیدن این حرفها کلا خیلی ناراحت شده بودند  
آقای حججه الاسلام صرفی نماینده دفتر نمایندگان گسی امام در سیاه اصفهان هم ناراحت شده بودند.  
خانواده شهید و اقوام ما یکیشان نبود که راضی باشد و بعضی هم متغیر شده بودند.  
مخالفین ما میگفتند آیقا... خزعلی به بد شکلی آقای میثی را کوبید و ما دیگر نمیتوانیم با او مخالفت کنیم و مارک ایشان و حجتیه را میخوریم.  
اکثر فاعیل هم میگفتند اینجا بنا بود دعای کجیل باشد ولی سخنرانی سیاسی شد آنهم تبلیغ یک گروه و عدا... را در خط گروه آوردن.  
در انتها از امام خمینی و آیت... منتظری تقاضای فرهادرسی و دادرسی داریم. لطف اله همیشه

حجتیه رابطه دارد و طرفدار سرمایه دار هم هست و باید رسوا شود شاهدان عادل که در اصفهان هستند و از فقهای اصفهان هم میباشند میدانند که سید مهدی یک سیر طولانی با آیقا... شمس آبادی داشته و ایشان را در هر محفل رسوا میکرد افشا میکرد بعد هم چند تا مرید پیدا میشوند که بروند خفشان بکنند و آن قضیه پیش میاید. سید مهدی در صاحبهای گفت که من قتلش را مجاز شدم بدلیس اسلام شتابزدهای که دانستم حال میخواهم ببینم این برداشتی که سید مهدی از اسلام داشت با برداشت آیقا... خزعلی چه فرقی میکند؟ وایسن حرف درستی نبود ایشان در جزوههای اخلاقتان گفته اند که ما با رژیم شاعشاهی اختلافمان بر سر اخلاق است. در سایر موارد اختلافی نداریم و اخلاق را هم در همان تعطیل مشروب فروشیها و مسئله حجاب و این ظواهر اسلامی خلاصه میکنند که ضیال الحق هم در پاکستان دارد اینکارها را انجام میدهد بنظر من هر تبهی چون اصفهان که خیلی شهید داده و واقعا مظلوم است و احتیاج به وحدت فوق العادهای دارد نمی بایستی ایشان من آمدند و همه اختلافات را تشدید میکردند. یا مثلا یک صحبتهایی هم راجع به امام بکنند که مناسب نباشد ایشان گفتند: "مادر روزنامه رسالت شروع کردیم راجع به سید مهدی نوشتن بیت امام تلفظی به ما زد و گفت که مواظب باشید به شخصیتهای دیگر تعمیم داده نشود که گفتند منظور آیت... منتظری بوده هر کسی که این توصیه را از امام بشنود میگوید که امام دارند پارتی بازی میکنند که جادا به آیت... منتظری کشیده شود. در حالیکه خود آیت... منتظری می گویند که به هر جا رسید بایستی تحقیقات ادامه پیدا کند؟ خلاصه من نمی دانم این چه نوع دفاع از امام و آیت... منتظری است من گفتم قصد شکایت نداشتم ولی یک پیشنهادی به من شد و من دیدم طبیعتی آبی... ان بجزی الامور الالباسابها" شاید دادن نوار ایشان به امام خمینی با مقدمه اینجانب موجبانی را فراهم آورد تا ایشان یک تحمل بیشتری بکنند نه بخاطر من بلکه بخاطر خودشان که خود را پیش از این

ما اگر بخواهیم همه، هم خط خودمان باشند، همان خطی که ما می گوئیم و باقی دیگر هم مطرود و قلم سرخ دورشان بکشیم، این خلاف اسلام است.

ریشه یابی اجمالی...

برد و ارزشها را نادیده گرفت؟  
اگر هیاهوی "آزادی اقتصادی مانع دولت در نظارت کامل بر این امور نمیشد، قطعاً" چنین سو" استفاده های بر احسن صورت نمی گرفت.  
چنین برخورد های توسط روزنامه رسالت در رابطه با دولت، نمایانگر این نکته است که خط این روزنامه از مخالفت های شدید با دولت به مخالفت های تدریجی و خنجرنده تبدیل شده و ریشه برخورد های گذشته اصلاح نشده است.  
مایه تعجب است که روزنامه رسالت بطور بیسابقه درج مقالاتی را بر ضد غارتگران اقتصادی شروع کرده است. از جمله مقالاتی مثل: "ضرورت مقابله با چپاولگران اقتصادی"، "اهرم قدرت ضرورت حاکمیت" و "بنیاد نبوت، بنیادی بی بنیاد".  
۴- موارد ریشه یابی که آقای زوار ۱۰ ی مطرح کرده اند عدناً" اصالت دادن به سیستم اقتصادی جامعه است که شیوه تحلیل مارکسیستی میباشد. درست است که ایشان ابتدا "مسائل اخلاقی و ایدئولوژیک را در این ریشه یابی مد نظر قرار میدادند.

۳- چنین سو" استفاده های نظیر کار این بنیاد، بدون پشتوانه ایدئولوژیک در جامعه غیر ممکن است. وقتی برای رسوا کلاه شرعی درست میشود، وقتی عده ای از مجتهدین نداد بازگرداندن اموال سرمایه داران خلافتی را رسد داده و آنها را غصب شده، و نه صادره ای، میسرند، وقتی روزنامه رسالت در مقالات خود، مالکیت را فطری می داند، که طبیعتاً "فطرت خمس بردار، درصد بردار و قسابل صادره نیست، وقتی عده ای از مجتهدین نماز خواندن در زمین لانه جاسوسی راهب دلیل اینکه ملک آمریکا را غصب کرده ایم، جایز نمی دانند، وقتی از بخش خصوصی بدون مرز بندی حمایت بی حد و حصر میشود و عده ای دولت را کمونیستی و کپونیستی قلمداد می کنند، وقتی که... در چنین غوغایی و از قبیل این مشروعیت ایدئولوژیک امثال بنیاد نبوت ها، اقدام به سو" استفاده های اقتصادی می کنند و سود های کلان به جیب میزنند.  
تجربه بنیاد نبوت و اینکه اساسی راه اثبات می رساند: اولاً- بحرانها و نارسائیهای موجود، ریشه ایدئولوژیک دارد و در این راستا، همانطور که در پیام حج امام مشهود است، نیاز شدیدی به سیاسی تر شدن فقه و تقویت وجهت گیری خط حمایت از مستضعفین احساس میشود

عده ای بودند که جهت فراموشی عامل اصلی کشتار مردم ( در بار و شخص شاه) و نجات سلطنت، شعار فری و انحرافی محاکمه قوام السلطنه را عده کرده و از این طریق مصدق را تضعیف میکردند.  
۲- آقای زواره ای چنین ذکر می کنند که بدون نفوذ در مسئولین امکان چنین سو" استفاده های نظیر اعمال بنیاد نبوت وجود ندارد. باید گفت که "نظام" و "دولت جمهوری اسلامی" دو موضوع مستقل میباشند. دولت متشکل از عناصر خط امام می باشد که بازها مورد تأیید امام قرار گرفته است ولی قسمت اعظم بدنه نظام، از رژیم سابق به ارث رسیده است و در برخی موارد نهاد های انقلابی منجمله سپاه، جهاد و... به آن ضمیمه شده اند اکثر وزارتخانه ها بافت قبل از انقلاب را دارا هستند که طبیعتاً در چنین نظامی عناصر سود جو وجود دارند. بجای اینکه وجود این عناصر را مستمسکی برای زیر سوال بردن دولت و مسئولین خط امام قرار دهید به بافت اداری - تشکلاتی نظام توجه نموده و با این کار روی لزوم اصلاحات اداری سرپوش نگذارید.

صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان بگوش می رسد امام خمینی



بقیه از صفحه ۲ ادامه فقه امام ...

بالاترین ساراحتی حضرت علی (ع) هیوط  
انبیاء و اولیاء از جنت لقا بوده است

" یافتن مسئله دیگری است و غرق شدن در آن  
مسائل مسئله بالاتر و محو شدن در همه مسائل  
مرتبه بالاتر و وسیع برایشان حاصل می شده است این  
از آن بالاتر و رجوع از آنجا برای آنها مشکل بوده  
است در درنگ بوده است، هیچ دردی از این بالاتر  
نبوده است که از آن مرتبه غیب از آنجایی که لقا  
خداست بدون اینکه کسی درکار باشد بدون اینکه  
خودشان هم درکار باشند. از آنجا وقتی برکت  
می کنند به این عالم، خوب این خیلی سخت است  
برایشان .

جالب توجه این که خداوند در این آیه ایمان به خدا و رو ز جزا  
زکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی انسانی مجاهده در  
راه خدا را با دشمنان خدا و مشریت انتخاب کرده است و در این  
انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد  
فوق ارزشهاست .

این مسئله در همه اولیای خدا بوده است در حضرت  
آدم تا رسول خدا و این یک مطلبی است که ماها  
نی توانیم ادراک کنیم، جز اینکه همین چیزهایی که  
مربوط به همین عالم است . همه اش طبیعی است .  
حتی عرفان هم طبیعی است . حتی حکمت هم  
طبیعی است . و حتی فلسفه هم طبیعی است . همه  
اینها یک امر طبیعی است . مادر همین حدود آن  
چیزی که غایت آمل عارفین بوده همین بوده است .  
عارفین علی . این غیر آنی است که آنها ادراک میکردند  
مادر باره او چه می توانیم بگویم . البته وقتی که رجوع  
به کثرت هم می کردند، صیتهایی که بر آنها و بر  
سلمین وارد می شده است آنهم کم شکن بوده .  
آنها همه صیاتب را داشته اند منتها صاحب  
معنوی شان غلبه داشته است بر همه چیزها، رجوعشان  
از عالم صعق از عالم محو به عالم صعق، این رجوع  
برایشان مشکل بوده است ."

انبیاء علاوه بر درد دیدن، درد  
توده های محروم هم داشته اند

" اما وقتی رجوع کردند، آنها چون مظهر رحمت  
خدا هستند می خواهند هم مردم سعادتمند باشند  
و وقتی می بینند که مردم اینطور هستند، مردم دارند  
دسته دسته به جهنم می روند، دسته دسته برای  
خودشان جهنم تهیه می کنند، آنها از این رنج می برند  
حتی شاید برای اینکه کفار هم جهنم می روند آنها  
رنج ببرند، آنها رحمت هستند .

یا وقتی ملاحظه می کنند که حکومت عدل میخواهد  
تشکیل بدهد آن وقت برای حکومت عدل آنقدر رنج  
می برد و آنقدر سیلی می خورد، این هم رنج دارد .  
نه از باب اینکه برای خودش برای اینکه می خواهد  
مردم را به عدالت برساند و مردم زیر بار نمی روند .  
این چیزی است که از صدر عالم تا آخر هست و هر  
کس که قیام کرد برای اقامه عدل سیلی خورد . ابراهیم  
خلیل الله چون قیام کرد برای عدالت سیلی خورد  
و او را به آتش انداختند . از صدر عالم تا حالا تاوان  
این چیزهایی که برای عدالت و برای حکومت عدل بوده  
است این تاوان را برداخته اند و باید هم ببرد ازند .

محاربه تنها در عمل سلحانه خلاصه نمیشود  
سب خدا و رسول بالاتر از عمل سلحانه است

" هر وقت به یک نحو ما فرض می کنیم این که گفته

می شود، گفته شده است غلطی که بعضی انبیا  
قیام برای اقامه عدل نکردند همان موعظه کردند  
همان صحبت کردند ما فرض می کنیم که این حرف جنگ  
نکردند، ما فرض می کنیم که صحیح باشد .

اما شما ملاحظه کنید مقدس ترین چیزهایی که  
برای کفار بوده است تنها بودند . اگر یک کسی  
تنهایی بدون اینکه وحشت بکند خدای نخواستہ بیاید  
آنجا و به خدا جسارت کند این به جنگ سلمین  
برنخاسته است ؟ اگر به خدا سب کند به رسول خدا  
سب کند، این به جنگ سلمین برنخاسته است ؟ ایمن  
تنهایی قیام کرده بر ضد سلمین . اگر ابراهیم خلیل  
الله ما فرض کنیم هیچ کاری نکرده جز اینکه عصایش را  
کشید و تنها را شکسته ، مقدس ترین چیزی که پیش  
بت پرستها بوده آن بوده . این قیام بر ضد آنها

نیست ؟ این قیام سلحانه نیست؟ شما اگر چنانچه  
لشکرهایی سلحانه بشما قیام کند برای شما، علیه  
شما قیام کند، مابین او و مابین آنکه سلحانه قیام  
نکرده اما آمده لعن می کند به مقدسات شما ،  
شما ارا بدتر می دانید یا این را ؟ هیچ شک ندارد  
که سلم این را بدتر می داند . آنها هم همینطور  
بوده اند . بنابراین این حرف غلط که حضرت عیسی  
(ع) همان موعظه کرده و نصیحت کرده یا حضرت  
موسی (ع) همان مقدار کارهای مختصر را کرده حالا  
بعضی شان که خوب قیام کرده اند ."

لازمه قیام برای عدل و عدالت  
سیلی خوردن و تحمل شکنجه و مشقت است

" ولی این مسئله مسئله ای بوده است که در تمام  
ایام در تمام دنیا از صدر عالم تا حالا بوده و تا آخر  
هم خواهد بود، که هر کس قیام کرد برای اینکجه  
عدالت ایجاد کند . حکومت عدل ایجاد کند سیلی  
خورد است . پس ما گاهی نداریم که قیام کردیم  
برای اقامه عدل، برای حکومت عدل، برای حکومت  
اسلامی سیلی بخوریم، ما باید زیاد تر سیلی بخوریم  
آنوقت یک نحو بوده - حالا نحو دیگری بوده . اما  
در اینکه تاوان را باید پس بدیم مثل هم است .  
ابراهیم خلیل الله تاوان پس داد . موسی کلیم الله  
داد و رسول خدا (ص) داد و امیرالمومنین (ع) آن  
هم شدت کشید و ائمه ما آنهمه سختی کشیدند .  
برای اینکه آنها هم در نظر داشتند که حکومت عدل  
ایجاد کنند . اگر فقط حضرت ابراهیم می آمد و دعا  
می کرد و زکر می کرد . این دیگر توی آتش نمی اندا  
- ختند . اگر حضرت رسول (ص) آنوقت که در مکه  
بود فقط دعا می خواند . بیش از این نبود . اما او  
با آن چیزهایی که پیش آنها شریف بود و پیش آنها  
عظمت داشت مبارزه میکرد . از این جهت بسا او  
مخالفت می کردند . و اگر هر کس بنشیند همان دعا  
بکند هیچکس کارشان ندارد . اما این خلاف سیره  
انبیاء است خلاف شیوه انبیا است، همه سیلی  
خورده اند ما هم داریم سیلی می خوریم . و این سیلی  
است که به اسلام می خورد به ما نیست . این سیلی  
است که از صدر عالم تا حالا به مقدسات انبیا خورده  
است . به شخص نبوده ، مسئله شخصی نبوده است .  
مسئله منتسب بوده ، به مکتبشان سیلی زده اند ."

شناخت واقعی در سایه  
آیه دیدن پدیده ها بدست می آید

کهبان ۲ شهریور ۱۳۶۶  
" اللهم انی الاشیا كما هو " یعنی به حسب  
احتمال قوی اینکه آنچه هستند که صرف تعلق به او  
هستند آن را نشان بدهد . که اگر ارا نشان بدهد  
معرفت خدا حاصل میشود و اگر آنچه چیزی که ما همه در  
حجاب آن هستیم ، آن حجاب برداشته شود، معلوم  
میشود که غیر از او کسی نیست و چیزی نیست و همه  
اشکالات در حجابی است که ما داریم . گمان میکنم  
که چیزی هستی و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی  
به همه ما توفیق عنایت کند و توفیق خدمت به خلق  
الله .

راه مجاهد  
مهمترین رکن منطق وجود و روش شناخت توحیدی  
همانا ، " آیه دیدن پدیده هاست " یعنی پدیده ها  
را عین ربط تعلق به ذات خداوندی بدانیم آنوقت  
است که حجابهای ما کنار رفته و اشیا را همانطور  
که هستند می بینیم . یعنی همه پدیده ها را آیه  
و نشانه ای از خدا می دانیم . اگر حجابها را کنار  
بزنیم همه اشیا را اسم الله می یابیم .  
آنوقت است که بدم مادیت صرف می افتیم و نه  
بدم معنویت صرف و نه بدم تضاد ماده و معنی .  
اگر ما میایم به روش شناخت اسلامی دست یابیم  
تنها راه همین است که پدیده ها را اسم الله و عین  
ربط به خدا بدانیم و گونه در روشهای دیگر شناخت  
خدا بطور سیستماتیک حذف میگردد .

اگر ما از ساله قدس بگذریم اگر ما از صدام  
بگذریم اگر ما از همه کسانی که به ما بسدی  
کردند بگذریم نمی توانیم از ساله حجاز  
بگذریم

کهبان ۲ شهریور ۱۳۶۶  
" و آنچه چیزی که من امروز خیال دارم عرض کنم  
قضیه اسفباری است که در مک اتفاق افتاد . ما از  
اول قیام انشالله برای خدا و برای نجات ملت  
شهادت خیلی داشتیم . چه قبل از اینکه انقلاب  
واقع بشود . در زمان ستم شاهی شهیدای بزرگ  
داشتیم . وجه بعدش کمی بینید . ما شهیدای بسیار  
ارزشمند داشتیم . لکن ساله حجاز ساله دیگری  
است . غیر مسائل است . ما آنوقت هر چه بوده اینکه  
کک می خوردیم یا گاهی می زدیم . گاهی می خوردیم  
بعد هم همینطور از این بیعد هم همینطور . ما  
شهید اخیلی داریم و در همه جا شهید داریم . در

اگر هر کس بنشیند همان دعا بکند هیچکس کارشان ندارد . اما این  
خلاف سیره انبیا است خلاف شیوه انبیا است همه سیلی  
خورده اند ما هم داریم سیلی می خوریم . و این سیلی است که  
به اسلام می خورد به ما نیست این سیلی است که از صدر عالم تا  
حالا به مقدسات انبیا خورده است به شخص نبوده مسئله شخصی  
نبوده مسئله مکتب بوده .

زمان رضا شاه آنهمه رنج . هر کس یادش هست  
می داند چه خبر بود . در زمان محمد رضا هم که همه  
یادنان هست که چه بساطی داشتیم . چه داشتند  
وجه شهادتی در آنوقت داریم . و چه شهادتی در  
بین این وقتها، لکن همه قضیه شهادت بود . قضیه  
بزرگ بود، لکن قضیه ، قضیه ساله حجاز نبود . ساله  
قدس ساله بزرگی است روز قدس هم که دیدید چه  
اما روز قدس ساله ای است و روز جمعه خونین مکه  
ساله دیگری است . روز قدس ، ما برای اینکه نجات  
بدیم قدس را از دست غاصب . لکن آنها اینطور  
نبود که قدس را توهین بهش بکنند ازین بیزند . آنها

مدعی بودند که ما قدس را میخواهیم بچه می کنیم  
البته نباید قدس دست آنها باشد . اما اینطور نبود  
که روز قدس ما برای خاطر اینکه اسلام آنطور صدمه  
دیده ما برای خاطر اینکه قدس باید دست  
صاحبانش باشد . غاصب آمده غصب کرده است . در این  
انفجارها که حاصل شد . در این توپها که شد بسیار  
عزیزان بزرگ ما از دست دادیم که هو خاک پای آنها  
بر این کاخ نشینان ارزشش بیشتر بود . اگر آنها  
ارزشی داشتند که ندارند . لکن همه این بود که ما  
کک می خوردیم و می زدیم . در جنگ با صدام هم که  
تحویل به ما کردند ما خیلی از دست دادیم . شهید  
از دست دادیم . خیلی ضرر بردیم لکن ما ضرر بردیم  
ساله ، ساله حجاز نیست . ساله حجاز ساله ای است  
که ما باز خواب هستیم در نیا هم باز خواب است که چه  
شد . ساله حجاز ساله بزرگترین مقامات قدس  
اسلامی و دنیایی شکسته شد . کعبه احتراض پیش ما  
تنها نیست پیش مسلم تنها نیست کعبه را همه ملل  
محترم می شمارند همه مللی که به دین اعتقاد دارند  
کعبه ، کعبه ای است که از زمان اول خلقت بوده است  
و همه انبیا در او خد متکرار بوده اند . شکستن کعبه  
ساله ای نیست که بشود از آن همینطور گذشت .  
اگر از ساله قدس بگذریم اگر ما از صدام بگذریم  
اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم  
نمی توانیم از ساله حجاز بگذریم . ساله حجاز یک  
باب دیگری است غیر ساله جاد دیگر ."

راه مجاهد  
پس از صحبتهای امام عده ای فکر کردند که اصنام  
گویا صدام را عفو نموده ویا اینکه آزادی قدس و  
مبارزه با صهیونیسم را از اولویت انداخته اند . اصنام  
تعماس تلفنی که با بیت امام گرفته شد و همچنین نظر  
بیت آیت الله منتظری این بود که همینطور امام از چنین  
بیانی مهم جلوه دادن جنایات آل سعود بوده و نه  
اینکه در اولویت ها تغییری داده شده باشد .

کهبان ۲ شهریور ۱۳۶۶  
من واقعا در مسائل خیلی تحمل داشتم  
در مسائل جنگ در همه اینها تحمل داشتم  
اما این بی تحمل کرده مرا ساله غیر از این  
مسائل است

" اگر این کشتار که در طائف واقع میشد خوب باز  
قابل تحمل بود . برای اینکه طائف بود . کشتار بود  
فقط . ما کشته خیلی دادیم . ما در جنگها کشته داریم  
قبلش هم داشتیم ، بعد ها هم داریم . اگر در طائف  
واقع شده بود این یک مسئله ای بودی گفتیم کشتند  
یک عده ای را . اما در حرم واقع شده است ، حرمی

اگر هر کس بنشیند همان دعا بکند هیچکس کارشان ندارد . اما این  
خلاف سیره انبیا است خلاف شیوه انبیا است همه سیلی  
خورده اند ما هم داریم سیلی می خوریم . و این سیلی است که  
به اسلام می خورد به ما نیست این سیلی است که از صدر عالم تا  
حالا به مقدسات انبیا خورده است به شخص نبوده مسئله شخصی  
نبوده مسئله مکتب بوده .

که خدا از اول امتش قرار داده است . و الان حرم  
مقصود است در دست آنها . از اول هم همینطور  
بود برای اینکه اینها چه کاره اند که آمده اند خائن  
الحرمین شدند، کی آنها را خادم الحرمین قرار داده  
است . با چه وجهی اینها اسم سلطنت اسلامی را  
تغییر دارند از اینکه بود حجاز را سلطنت سعودی قرار  
دادند . سلطنت سعودی به چه مناسبت .  
اینها سائلی است که همه اش بفرنج است و ما  
نمی دانیم که از ایمن عار چگونه خارج شویم . من  
واقعا در مسائل خیلی تحمل داشتم ، در مسائل  
بقیه در صفحه ۳۱

ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشمه داشتی به مبارزان راه حق انتقال  
می دهیم و مسلماً نتیجه این تجربه ها به شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای مملوهای دربند است . امام خمینی



















بیم اسرائیل این است که وحدت، به یک وحدت خونسی تبدیل شود و اسرائیل کلاً از آمریکا جدا شود و از معادلات منطقه هم حذف شود و آنجا که قوام اسرائیل به امپریالیسم آمریکا وابسته است لذا موجودیت خود را هم در خطر می بیند اسرائیل اگر نتواند ژاندارم منطقه، پیشتاز سرکوب باشد، سبیل کجکهای اقتصادی به او نیز کم خواهد شد و در نتیجه، با توریس سرسام آرمواجه خواهد شد.

### ب - نگرانی های ایدئولوژیک اسرائیل

۱ - از دست دادن هویت ایدئولوژیک: از نگرانیهای ایدئولوژیک اسرائیل این است که اگر تعداد اعراب و اسرائیل حای خود را به تضاد شیعه منی بدهد، اسرائیل به لحاظ ایدئولوژیک حذف شده است چرا که نه سنی است و نه شیعه و در هر وجهی از این تضاد فعال شود، تابع تضاد های عالم اسلام شده است و هویت ایدئولوژیک خود را از دست میدهد و در حالیکه ایدئولوژی یهود (تورات تحریف شده) و صهیونیسم مایل است موجودیت مستقل خود را حفظ نموده و در نیارابه تبعیت از خود وارد شود.

گرچه امپریالیسم و صهیونیسم توطئه می کنند تا سنی و شیعه را به حان هم بیاورد از نذولی برای توده های منطقه یک تضاد عمده بیشتر مطرح نیست و آن، تضاد اسلام و کفر یعنی اسلام و آمریکا است. در صورت انقلاب اسلامی و رهبری امام این تضاد، بر تمامی تضاد های منطقه سایه افکننده است. چرا که ماهیت توطئه و دست داشتن امریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب در این جایجایی اعداد، برای توده های منطقه آشکار است.

جناح حزب کارگرمیون پرزهم اصلی ترین خطر را بنیاد - گرای اسلامی می دانسته و معتقد به شرکت در این کنفرانس می باشد.

حیم هرزورگ رئیس جمهور اسرائیل در ملاقاتی که اخیراً با ریگان داشت گفت: ثبات منطقه را بنیاد گرای انحرافی مذهبی تهدید می کند و مانعایستی نسبت به عملیاتی که از جانب فلسطینی ها در مناطق اشغالی انجام میشود حساسیت زیادی نشان دهد و صرفاً نیروی راد رانجا بکار بریم، بلکه مسئله اصلی خاورمیانه جنگ ایران عراق است.

### توصیه ما به سازمان آزادیبخش فلسطین

ساف در این کنفرانس بین المللی برای ایجاد فلسطین کوچک، از اسرائیل امتیاز زمین را خواهد گرفت. توصیه ما به ساف این است که در این نقطه عطف تاریخی با صبریت کامل عمل نماید تا مبادا آلت دست گردد و ساف با توجه به بحرانیات و تضاد های اردوگاه امپریالیسم و درون اسرائیل که اکنون شدت یافته فرصتها را مغفتم نموده و تا آنجا که در توان دارد عملیات مسلحانه علیه اسرائیل را تشدید کند.

ساف دیگر نمیتواند بگوید آرمان فلسطین "جدان اعراب" است چرا که سران عرب این وجدان را به آمریکا فروختند و همانا فلسطینی ها را زیر پا گذاشتند. بنظر ما تنها راه فلسطینی ها این است که در کنار انقلاب اسلامی بمانند و وارد این سناریو نشوند.

### نگرانیهای استراتژیک اسرائیل

۱ - هم پیمانی وهم خونری امریکا و اعراب: از نگرانیهای مهم اسرائیل این می باشد که اعراب در هم خونری با امریکا و در این نبرد مشترک علیه ایران پیوند های سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی پیدا نموده و بصورت اتحادیه ای عظیم و ناگسستنی در آیند. و به خیال خود پس از پیروزی نظامی بر ایران و با تأدیب ایران با انسجام جدیدی که پیدا کرده اند به سراغ اسرائیل آمد و فشارهای طاقت فرسای بر آن بیآورند توجه شود که اسرائیل از قدرت نظامی، موشکی، نفتی و انسانی اعراب وحشت داشته و این را میداند که اگر آنها متحد شوند نفیسی برای نفس کشیدن اسرائیل باقی نمی ماند.

البته جناح لیکود یعنی اسحاق شامیرو اسحاق رابین، معتقدند ماشین جنگی اعراب هنوز خطر اصلی برای اسرائیل است که این جناح سنگریه سنگر، از مواضع خود در حال عقب نشینی است.

۲ - عدم اعتماد آمریکا به اسرائیل: نگرانی دیگر اسرائیل ناشی از بی اعتمادی امریکا به خودش می باشد که البته یک نگرانی زمینه دار است که با موعظه و نصیحت هم از بین نمی رود. اولیونورت در بازجوییهای خود در برابر کنگره، که بطور مستقیم نیز از رسانه های گروهی آمریکا و جهان پخش میشد، اعتراف کرد که در قضیه مک فارلین، اسرائیلیها (منوچهر قربانی فر، امیرانینو، ...) هم آمریکا و هم ایران را فریب دادند. پس از افشای قضیه مک فارلین و گزارش سناتور تاور غرور آمریکا قیها از نفوذ و دخالت اسرائیل، در سیاست خارجی شان جریحه دار شد و بحرانهایی را که در آمریکا پس از افشای قضیه مک فارلین بوجود آمده از جانب اسرائیل می دیدند.

در این رابطه امریکانسیبت به اسرائیل بی اعتمادی استراتژیک پیدا کرد بطوریکه اخیراً اسحاق رابین گفته است هدف ما از فروش اسلحه آمریکا بی به ایران، نزدیک کردن ایران به آمریکا بود ولی امریکا نیت ما را در این مسئله درک نکرد و سوال قیل مسئله جاسوسی اسرائیل در آمریکا بحران شدیدی در روابط اسرائیل و آمریکا ایجاد کرد که زمینه شروع بی اعتمادی امریکانسیبت به اسرائیل شد. مجموعه این عوامل موجب میشود که عقلمهای حسابگر یهودی و صهیونیست و امپریالیستی به این نتیجه برسند که دیگر فاغ از موجودیت جغرافیایی اسرائیل مشکل شده است بخصوص که سرسخت

ترین دشمنان سابق اسرائیل، امروز متحدان نظامی آمریکا هستند و باید خاطر نشان ساخت که تجربیات جنگی و قدرت موشکی منطقه به حدی بالا رفته که اسرائیل آینده ای برای بقا، نمی بیند مگر با قیمت گزاف که آنها هم صرف نمی کنند.

انقلابیون مسلمان ایران از این بابت خوشحالند که این اتحادیه وحنایات آن بنوبه خود موجب رشد و گسترش انقلاب میگردد چرا که مردم منطقه اصلی ترین دشمن خود را آمریکا و هوادارانتر میدانند. تنها نگرانی ما این است که جرابرخی سازمانهای فلسطینی ناخود آگاه، بدرون این اتحادیه کشیده میشوند.

نگرانی اسرائیل در برابر این اتحادیه با آن است که امریکا حمایتش را از او سلب کرده و در معادلات منطقه حذف شده است و موجودیت خود را نیز در خطر می بیند و در حالیکه این مسئله را نمیتواند در معرض افکار عمومی در نیا قرار دهد چرا که ماشین جنگی جهان علیه جمهوری اسلامی بسیج شده است.

### نگرانیهای اقتصادی اسرائیل

۱ - وابستگی در نیابه نفت: از آنجا که تمدن غرب به نفت وابسته است و از آنجا که عدد در صد ذخایر نفت و گاز جهان در اعماق خلیج فارس قرار دارد و از آنجا که نمیتوان نفت و گاز خلیج را از مردم خلیج جدا نمود. لذا اسرائیل نگران



حداقل فقدان درآمد نفت هم  
ایجاب میکند که از شیوه های کلاسیک  
و ابزارگرا بهره منز کرده و به  
شیوه های نا منظم و انسان گرا

بعنوان مثال مردم المان نیز از این درگیری مابا امریکا خوشحالند و جرات و شهامت ملت ایران راستود و بی غیرتی ایرقد رتی چون شوروی را با آن همه ادعای ضد امپریالیستی که دارد محکوم می کنند.

۲ - از دست دادن "زمین مرغ" ایدئولوژیک اسرائیل است: نگرانی دیگر ایدئولوژیک اسرائیل این می باشد که در این سناریوی جدید با بیستی در کنفرانس بین المللی صلح شرکت نموده و در آنجا امتیاز پیدا دهد، و تنها امتیاز "زمین" است. از آنجایی که زمین و ارض موعود، جزو ایدئولوژی یهود میباشد لذا انسجام ایدئولوژیک خود را از دست میدهد که عسوارش زیادی را برای موجودیت اسرائیل بد نیال خواهد داشت از جمله از دست دادن یهودیان متعصبی چون گوثر آمونیوم اگر اسرائیل از دادن چنین امتیازی امتناع بورزد، افکار عمومی در نیابحتی صهیونیستها و آمریکا بدلیل اینکه مسئله اصلی شان ایران است به او فشار خواهند آورد. و اسرائیل در برابر امتیازات بزرگی که اعراب به او خواهند داد بدلیل قانع کننده ای نخواهد داشت. بعنوان مثال حاکمیت انگلستان که از محافل صهیونیستی الهام میگيرند به اسرائیل فشار آورد هاند که در کنفرانس صلح خاورمیانه شرکت کند.

باید مواظب باشیم قانونمندی  
جنگ را در درگیری با امریکا  
کنار نگذاریم تا مبادا مرحله سوزی  
کرده و دست به عطیيات  
چشمگیر بزنیم.

این بود و هست که میاد آمریکا با اعراب وحدت استراتژیک پیدا نمایند.

آمار نشان میدهد که حجم مبادلات تجاری جهان در سال ۱۸۰۰۰ میلیارد دلار بوده که سه چهارم آن مربوط به تجارت نفت می باشد و این نشان میدهد اهمیت نفت در اقتصاد جهانی است. آمریکا همیشه نقشه کشی که نفت در زندگی شان بازی میکند: حاضر شده اند علیه شکستی که در ویتنام و لبنان خوده اند باز هم به خلیج لشکر کشی کنند.

کاهش قیمت سهام در بازار بورس نیویورک بدلیل وابستگی اقتصاد جهان به نفت است این کاهش، بد نیال حمله آمریکا به اسلحه رشاد توحملات موشکی به کشتیهای آمریکایی و اسلحه الا حمادی کویت بود. پس از اینکه تهدید نفت توسط آمریکا، افزایش یافت قیمت سهام آی. بی. ام. در بازار سهام نسبت به قبل از حمله در ظرف ۲۴ ساعت به نصف تقلیل یافت و ۵۰٪ تنزل پیدا کرد. کارشناسان معتقدند بحران فعلی آمریکا عمیق تر و وسیعتر از بحران سال ۱۹۳۳ و کارشناسان دیگر معتقدند این بحران از بحران سال ۱۹۳۳ که دامنگیر آمریکا شد نیز عمیق تر می باشد. این واقعیات وابستگی در نیابه نفت و از طرف دیگر نگرانی عمیق اسرائیل را نشان میدهد. سقوط بازار سهام، مردم آمریکا را از خواب غفلت بیدار کرد و متوجه شدند که از یک اقتصاد پوششالی

سپه حق و آ، بسوی کربلا شد هدف این دلیران حرم کربلا شد



برخورد آریود هاند . چرا که برای سلامت اقتصاد خود از نفت باستانی لشکرکشی نموده و خون بسد هاند . مسلمانان اقتصاد متکی به زور ، اسلحه ، موشک و ناوگان ، اقتصاد سالمی نیست . اسرائیلیها همیشه از اینکه نفت ، تنها منبع انرژی در دنیا باشد نگران بوده اند و سعی داشتند که رقبای دیگری را نظیر انرژی اتمی ، استفاده از ششهای نفتی و . . . در مقابل نفت ایجاد نمایند .

توجه شود که صهیونیستها هنوز نقش فعالی در اداره سیاست خارجی و داخلی آمریکا دارند ولی اسرائیل بعنوان یک واقعیت جغرافیایی در چارنگرانیهای زیادی است که نمیتواند آنها را برانز نماید و افکار عمومی جهان نیز خرابساز آن نیست .

**جبهه جوهر کدام است ؟ غرب ، جنوب یا خلیج ؟**

در سرمقاله به ویژگیهای اتحادیه حد بد برای تحاوری جد بد ترو وسیع ترو همچنین امید واری ماونگرانیهای اسرائیل در برابر این اتحادیه را بر شمریم حال به لحاظ استراتژیک این سوال مطرح است که اولویت با کدام جبهه است ؟ و با عبارتی جبهه ، جوه ، کدام است ؟  
نظرا محاسبه ای جوه روده و با اولویت دارد که عملیات در آن ، ستا بر جبهه را نیز بر گیرد و جبهه های دیگر را نیز بد نیال خود فعال نماید . برای تشخیص جبهه جوه هر باستانی اهداف وانگیزه های آمریکا و اتحادیه حد بد را در این لشکرکشی به خلیج فارس بد انیم .  
ابتد انظرات موجود از بدگاههای مختلف را بر رسی کرده و سپس بد نتیجه گیری می پردازیم .

**اهداف آمریکا از حضور در خلیج**

- ۱ - حضور آمریکا در خلیج به منظور حفظ حد اموتاج و تخت سلاطین عرب است : عده ای معتقدند ورود آمریکا به خلیج مسئله حد بدی نیست . آمریکا از ابتدا ای جنگ در خلیج حضور داشته است پس از تصرف لانه جاسوسی از آنجا که آمریکا جنگ را از طریق حد ام به ماتحلیل نمود . و از آنجا که رژیم بعث عراق توان مقاومت در برابر ایران را نداشته و احتمال سقوط سر می رود ، لذا آمریکا در خلیج حاضر شده تا جلوی سقوط حد ام بد نیال آن سقوط سلاطین منطقه را بگیرد . برخی از تحلیلگران آمریکا هم معتقدند که حضور آمریکا در خلیج برای حفظ تاج و تخت کشورهای صیانه و عرب می باشد .
- ۲ - حضور آمریکا به منظور امنیت و حفاظت از نفت : عده ای معتقدند که دلیل اصلی حضور آمریکا در خلیج ، امنیت حد ام در نفت از این منطقه می باشد . موضع رسمی و اعلام شده آمریکا نیز همین حفاظت نفت است .  
از آنجا که شعار حفاظت نفت آمریکا و شعار امنیت خلیج ، که جمهوری اسلامی مطرح می نماید مشابهت ظاهری بسیار یکدیگر دارند برخی ساد هاند یتر شده و در بد و ورود ناوگانهای آمریکا به خلیج یا آنها را بر نمی نشاندند .
- ۳ - حضور آمریکا به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق : عده ای علت حضور آمریکا در خلیج را پایان جنگ ایران و عراق می دانند . این عده میگویند ادامه جنگ از مرز ایران و عراق فراتر رفته و ترکشهای جنگ منافع و ثبات نفتی آمریکا و غرب را تهدید می نماید .  
عده ای میگویند حضور آمریکا میتواند تضمینی برای نظم منامه شورای امنیت باشد . در این رابطه شاهسور بختیارد رملقات خود با مقامات آمریکا به آمان گفته بود شما طبق اصل ۷ منشور ملل متحد میتوانید برای پایان جنگ بین دو کشور ایران و عراق ، حضور نظامی پیدا کرد و جنگ را با قدرت پایان دهید .
- ۴ - هدف آمریکا از حضور در خلیج کنترل ایران پس از امام است : برخی میگویند آمریکا نمیداند پس از امام چه تحولی در منطقه بوجود می آید . آمریکا معتقد است که پس

از امام اختلافتی در داخل ایران بروز خواهد کرد و سعی دارد با خانداری از یک جناح و شاید دعوت آن جناح ، وارد خاک ایران شود و شاید ایادی خودشان هم تشنج های بوجود آورند تا انگیزه ای برای ورود آمریکا باشد .

۵ - هدف آمریکا از حضور در خلیج تعدیل انقلاب است ؛ انگیزه آمریکا از حضور در خلیج این نیست که ایران حمله نماید بلکه میخواهد از موضع بر ترو زیر فشار یک ابر قدرت ایران را وارد بد تسلیم و بد اگره و تعدیل انقلاب نماید .

حجت الاسلام کروی در مسجد حاج ابوالفتح گفته اند اصلی ترین خطری که ما را تهدید می کند لشکرکشی آمریکا و با توطئه های نظامی نیست بلکه آن است که مسئولین جمهوری اسلامی دست از اصول انقلاب بردارند و بد آن تعدیل بوجود آورند .

بنظر میرسد در ابتدا ای انقلاب هدف آمریکا تعدیل انقلاب و جمهوری اسلامی بود و توطئه های زیادی را طراحی نمود منجمه تحمیل جنگ در ایران ، کاهش قیمت نفت ، تحمیل توریزم آمریکا و . . . آمریکا مشاهده نمود تا زمانی که ایران تحت رهبری امام شد تا در بد تعدیل انقلاب نخواهد بود لذا امید شد بدیل به با سرگشته است .

گیسینجورد ر مقاله ای نوشت قیمت نفت را نقد ریاضین می آورم تا جمهوری اسلامی ساقط شود اگر چه برخی از دوستان مامکن است متضرر شوند . ما این خط را نقد رد نیال میکنیم تا احتاجها می در ایران به خط معتدل و منطقی رسیده و آنگاه هر قدم واقع گرای را غنیمت بشمارند و با آن پیوند بخورند .  
۷ - هدف آمریکا از حضور در خلیج مقابله با اسلام و فتاها انقلابی امام و ستوت جمهوری اسلامی است ؛ بنظر میرسد علت حضور آمریکا در خلیج ، برای مقابله با اسلام و فتاها انقلابی امام از اسلام و برای سقوط جمهوری اسلامی میباشد آمریکا متوجه شد که ما وجود رهبری امام ، بد بگزینمیتواند بد جناح با جناح ای در ایران چشم بد وزد و امید واری باشد . امام در پیام حج ، مطالبی را مطرح کرد هاند که آمریکا به لحاظ ماهیتش نمیتواند نسبت به ما براند از نباشد بعبارت

**جبهه های غرب و کردستان  
بهترین و مناسبترین منطقه  
برای عملیات است  
چرا که . . .**

د دیگر آمریکا میداند اسلام امام خمینی و آیت الله طالقانی اسلام رویاری غرب ( تحلیل دکت رسبد حسین نصر از جریانات داخلی ایران ) است و لذا غرب رویاری اسلام است .  
پاپ در رملقات خود با ریگان گفت : من دست اتحادیه سوی تمامی مذاهب اعم از کاتولیک ، پروتستان ، یهود و . . . در راز میکنم ، ولی اسمی از مذاهب اسلام نبرد و این نشان مید هد هدف آنها رویاری با اسلام است .

امام در پیام حشاشان جهاد را در راس احکام دانستند ، فرمان تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان را دادند ، برافت از مشرکین و از ارکان دین دانستند بسیحیان عالم را تکیه گاه خود معرفی کردند ، صحبت از جنگ و عقول و بد و شرع نمودند . صحبت از این نمود هاند که اسلام و مستضعفین در یک راستا هستند . امام امریکارادر راس ملحدین جهان دانستند و خاکریز و م ربه انقلاب دوم تد بل نمودند .

امریکا و آل سعود و حد ام و مبارک و ملک حسین و رجوی ، هد فی جزیراند از ای مواضع ند آرند . در این راستا و اینبویگر مطالبی را لوداد هاند و آن اینکه هدف آمریکا از بدین مقاومت ملت ایران است .

بنظر میرسد کنسرسیوم نظامی نفت که هم اکنون در خلیج فارس تاسیس شده است هد فی عمیق ترو وسیع تراز کورتای ۲۸ مرداد دارد . لذا خود را باستانی آماده برای رویاری و در گیری نمود . دیگر نباید به آنها فرصتی داد تا

سر عقل بیایند همانطور که امام بارها گفته اند ، اینها زهر فرصتی به منظور تضعیف نهفت استفاده میکنند .

**باید به عملیات بی امان دست یازید**

اینکه آمریکا همه دنیا را بسیج کرده بنظر میرسد برای رویاری با محتوای پیامهای امام باشد . اگر آمریکا وارد جنگ نفت شود ، صحبت مهم تحقیق خود اهد یافت که "تسرب روی نفت را نخواهد دید" و از آنجا که امریتارو به پراگماتیستی دارد ، تجربه اسکله الاحمدی که بدت برای ترو خطی گران تمام شد .

**مخذورات آمریکا در رویاری با ایران**

۱ - اختلافت حناحهای داخلی آمریکا : بعضی از حناحهای حاکمیت - را آمریکا با در گیری نظامی آمریکا بر علیه ایران مخالفند . از جمله کار ترو و کمیسنجر که در مخالف حمله آمریکا به ایران هستند و کار تر تلا و بر آن ، با حضور نظامی آمریکا در خلیج نیز مخالف است . آنها معتقدند در در گیری نظامی آمریکا باعث گسترش سیستم انقلاب اسلامی و بسیج شدن توده های منطقه میگردد .

۲ - بیطرف ماندن آمریکا در جنگ ایران و عراق : مخذور دیگر آمریکا ، بیطرف ماندن وی در جنگ ایران و عراق است ، لذا افتاد نیست در ایران دخالت نمود تا جنگ اخیر را پایان دهد . اگر آمریکا ، ایران حمله کند ، همانطور که در تشکیکلات رجوی انشعاب شد ، در ارتش عراق نیز جراثمینی شده و انشعاب خواهد شد .

رژمنده ای میگفت : نخستگو ۷ سال جنگ ما یکی زدوده شد چرا که فهمیدیم در این ۷ سال با آمریکا در گیری بودیم نه با یک کشور اسلامی . خط آمریکا و آل سعود و رجوی تشدید جنگ ایران و عراق می باشد بدین ترتیب که آمریکا با ختر بزرگی از نیروهای ماراد در خلیج به خود مشغول دارد تا اینکه حد ام دست به تهاجم در جبهه های زمینی بزند .

امریکا ترجیح میدهد که جنگ ، منطقه ای و دینی باشد و خود را ناظر بر بیطرف قلمداد کند . لذا احببه ای زمینی نسبت به جبهه های خلیج اولویت دارند .  
در در گیری با آمریکا باستانی به مطلب مهمی توجه کرد و آن اینکه ما در دفع تحاوزه مرحله راپشت سرگذشتیم ، جنگ و گیری ، در گیری محدود و در گیری وسیع ، از آنجا که پس از فتح خونین شهر این سه مرحله از ابتدا انجام شد و لذا اضریاتی در این مرحله به ما وارد شد . حال باید مواظب باشیم قانونی در جنگ را در در گیری با آمریکا کنار نگذاریم تا ما در مرحله سوزی کرد هود ست به عملیات چشمگیر بزنیم .

در معادلات آمریکا جز در گیری محدود نمیگردد که متناسب با این حالت باستانی نیرو به خلیج اعزام نمائیم . حال ببینیم در جبهه های زمینی بین جبهه غرب و جنوب کدام اولویت دارد ؟

از آنجا که جنگ ایران و عراق ، جنگ بین دو ملت یا جنگ بین دو دولت نیست بلکه جنگی است رهائی بخش باستانی در درجه اول ملت عراق با باعث متجاوز عراق بجنگد . لذا در جبهه های غرب و کردستان بهتر میتوانیم به چنین منظوری برسیم ، در این جبهه ها جنگهای نامنظم صورت میگیرد در حالیکه در جنگ کلاسیک آترو یاری و صرف نیروی زیاد و همچنین اتکای بیتر از بیتر به درآمد نفت می باشد .

در حالیکه در جبهه غرب و کردستان اینطور نیست ، این جنگ جنگ رهائی بخش بین ملت عراق و بعث عراق است لذا آمریکا بد بگزینمیتواند جنگ ربه شیعه و سنی و یاعرب و عجم متهم کند .

سرای باید ارتز کردن پیوند یا گروههای درون عراق پیشنهاد میشود در داخل با جریانات و گروههای سالم برخورد بهتری شود .

حد اقل نقد ان در آمد نفت هم ایجاب میکند که از شیوه های کلاسیک و ابزار گرایر هیز کرد هویه شیوه های نامنظم و انسان گرایر ازیم .

**مبارزه جبری با راست (آمریکا و اسرائیل) موجب انزوا و تنگت چپ با (سدام و رجوی) است**



بقیه از صفحه ۲۴  
حنکه در همه اینها تحمل داشتیم. اما این بی تحمل  
زده مرا صافه غیر از این مسائل است.

حسنه برگرداندن نعمات الهی بصاحبش  
می باشد

۸ مهر ۱۳۶۶

کیهان  
"خداوند! تو فرمودی که ما دعا کنیم و تو امتحانیت  
کنی "ربنا اننا فی الدنيا حسنه و فی الآخرة حسنه". و من  
باید عرض کنم که احتمالاً حسنه این نیست که ما حسنه  
دنیای مال و اموال تهیه کنیم معامات تهیه کنیم. در این  
آیه شریفه خیلی نکات هست ولی من حال گفتن را  
ندارم. و با اجمالاً اینکه حسنه عبارت از این است،  
حتی حسنه دنیا "ربنا اننا فی الدنيا حسنه" حسنه  
در دنیا این است که انسان در هر قدمی که بر میدارد  
در هر مقامی که پیدا می کند، در هر نعمتی از خدای  
تبارک و تعالی که به وی اعطا می شود آنها را برگرداند  
به صاحبش. اگر مقام و دنیا هر شکلی پیش ما به ما  
اقبال کند، اگر ما به او اقبال کردیم این حسنه  
نیست. روایات مختلفی که در این باب هست و تعبیر  
شده است، صادیقی را ذکر کرده اند اختلاف ندارند  
این روایات، آنها صادق را ذکر میکنند و لسان  
صادیق مختلفه در روایات ذکر شده است و در لسان  
مفسرین هم جهات مختلف گفته شده است. لکن آن  
چیزی که من احتمال میدهم (حسنة) آنهم بطوریکه  
کانه یک حسنه در کار است. یک حسنه هست که این  
حسنة در دنیا هست و حسنه واحد است و در آخرت  
و همه عبارت از این است که ما به مقام مقرب خدا

برسیم. ما بفهمیم که چه بکنیم. اگر مقامی ما را توجه  
به دنیا داد به عالم ماده داد این حسنه نیست. اگر  
نماز بخوانیم برای رسیدن به یک مائری ولو در آخرت  
این هم حسنه نیست حسنه عبارت از آن است که ما  
را برساند به آنجایی که عقل ما نمی رسد. شما  
آقایان توجه دارید و من نباید عرض کنم که ما امروز  
گرفتار هستیم به چه گرفتاریهایی. تمام تبلیغات  
غند ماست. تمام دنیا به ضد اسلام قیام کرده اند.

خدمت به بندگان خدا خدمت به خداست و  
خدمت به بندگان خدا امروز حمایت از اسلام  
و از مسلمین و خصوصاً از مستضعفان جهان  
و ملت شریف ایران است

کیهان  
۸ مهر ۱۳۶۶  
"ما باید برای خاطر خدا برای بدست آوردن  
حسنة خودمان با هم باشیم. تمام قشرهای ملت با  
هم باشند. پشتیبان هم باشند. پشتیبان دولت باشند.  
پشتیبان مجلس باشند. پشتیبان قوه قضایی باشند.  
پشتیبان قوه اجرایی باشند. آنها خدمتگزار باشند  
به مردم و شما هم خدمتگزار. اینها بندگان خدا  
هستند خدمت به بندگان خدا، خدمت به خداست  
و خدمت به بندگان خدا امروز این است که همه مجتمعا  
در صدد این باشند که با کله واحد از اسلام و از  
مسلمین و خصوصاً از مستضعفان جهان و ملت شریف  
ایران پشتیبانی کنند. شما آقایان نفوذ کرده دارید  
بر بین مردم حرف شما در بین مردم گوش شنوایند

باید مردم را دعوت کنید به اینکه پشتیبان هم باشند  
پشتیبان دولت باشند پشتیبان مجلس باشند و اینطور  
نباشد که هر کدام با دیگری مخالفت کند که انشاء الله  
نمی کنند هم، لکن شماها و همه ما مدوظ هستیم که  
مردم را به همین مسائل دعوت کنیم. این دنیا از  
دست ما می رود نزدیک و دور دارد. من زودتر و شما  
هم بتدریج. آن چیزی که باقی میماند حسنه است  
آن دنیا نیست. آن حسنه است. آنی که انبیا هم  
دنبالتر هستند و آن حسنه مطلقه عبارت از رسیدن به  
مقامی است که ما نمی توانیم بفهمیم. این با قسی  
می ماند و هر چه که از مابقی بماند حسنات است که  
باقی می ماند.

فتوای امام نسبت به موضوع مالکیت معادن  
در پاسخ استفتای شورای نگهبان

"بسم الله الرحمن الرحيم"

حضرات حجج اسلام آقایان فقهای شورای  
نگهبان دامت افاضاتهم پس از اهدای سلام و تهنیت  
اصل مسئله تبعیت اعیان زمین و نیز هوا نسبت به  
املاک شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است مثلاً  
اگر کسی در خارج از محدوده منزل و یا زمین شخصی  
و یا وقتی کانالی زده و از زیر زمین آنها عبور کند یا  
تصرف نماید دارندگان منازل و زمین یا متولیان  
نمی توانند ادعایی بنمایند یا اگر کسی بالاتر از مقدار  
متعارف بنایی ایجاد و یا رفت و آمد نماید هیچیک  
از مالکین و یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند  
بلاخره تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است و

آلات جدیده هیچگونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی  
نشانند ولی تبعیت کشور مقدار بسیار زیاد است و  
دولت حق دارد تا از تصرف بیش از حد عرفی شخص  
و یا اشخاص جلوگیری نماید.  
بنابراین نفت و گاز و معادن که خارج از حدود  
عرفی املاک شخصی است تابع املاک نمی باشد و اما  
اگر فرض کنیم معادن و نفت و گاز در حدود املاک  
شخصی است که فرضی بی واقعیت است این معادن  
چون ملی است و متعلق به ملت های حال و آینده  
است که در زمان موجود می گردند از تبعیت املاک  
شغفه خارج است و دولت اسلامی میتواند آنها را  
استخراج کند ولی باید قیمت املاک اشخاص و یا  
اجاره زمین تصرف شده را مانند سایر زمینها بدوین  
محاسبه معادن در قیمت و یا اداره بپردازد و مالک  
نمی تواند از این امر جلوگیری نماید.  
والسلام علیکم ورحمة الله

انشاء الله موفق و موید باشید

کیهان

۴/ ۸/ ۶۶  
دوم ربيع الاول ۱۴۰۸



بقیه از صفحه ۳۲ ادامه پاسخ به ...

راد ایره المعارف شوروی نیز پس از جنگ جهانی  
دوم قبول کرده است.

ولی بنظر خود مان و با فرهنگ اسلامیان  
تکیه گاه و یا یگانه اجتماعی ما حریان "اسلام  
راهنمای عمل"، "قرآن راهنمای عمل" و یا  
حریان "قرآن در حسنه" است که سعی دارد  
قرآن را راهنمای عمل مبارزاتی و اجتماعی و  
سیاسی و اقتصادی قرار دهد. توضیح مفصل  
این مطالب را در خلال مقالات راه مجاهد  
ملاحظه میکنید.

\*\*\*\*\*

من در شما یک نوع ناسیونالیسم  
اسلامی دیدم که متغاد با ناسیونالیسم  
ایرانی است و تمام گفتمانها مانند امام خمینی  
اسلام است. آخرین اسلام چه کاری برای  
ما کرده است؟ آیات از زبان وحدت ملی ایرانیان  
را از زبان نرفتند؟ و غرور ملی و تمدن باستانی  
و زبان و روحیه پهلوانی ما را پامال نکردند؟  
ج - برادراین عشق شما به ملت و  
توعدوستی تان برای ما را از شما و قابل احترام  
است، اما نکند در مقابل شما مخالفین  
ناسیونالیسم شما به افراط افتاده و هر انحرافی  
را تحت واژه ملی و ملیت تأکید کنید. و بجای  
عشق به ملت صرفاً اسم ملت اهانت یابد.

بنظر ما اسلام نه ناسیونالیسم راسرکوب  
و طرفداری میکند و نه تابع آن میشود. اسلام با  
بیدار کردن فطرت عدالتخواه انسانها، ملتها  
را تعالی می دهد. پیوند ملی و وحدت ملی  
را به پیوند و وحدتی عالیتر تبدیل میکند که  
باید از تر واصل تراست. این مسئله پشتوانه  
ایدئولوژیک دارد که در این مختصر نمی گنجد  
حمله اعراب به ایران در صدد اسلام آری  
و بزرگیهای خاصی است که بدون در نظر  
گرفتن آن نمی توان تفاوت صحیح کرد.

اول اینکه توده های ایرانی که به این حسنگ  
گسیل شده بودند خود ناراضی بودند و بزور در  
صحنه حسنگ نگهداشته می شدند و بهمین  
دلیل ایرانیانی که به سلحشوری مشهور بودند  
در این جنگ مقاومتی نکردند و شکست خوردند  
اینجا شکست وحدت ملی نبود اینجا اسارت ملی  
بود اینجا فرار از حاکمیت ظلم و ستم بود که  
ملت ایران را به زنجیر کشید بود و این حاکمیت  
شکست خورد.

ثانیاً "اعراب به ارزشهای نوینی دست  
یافته بودند که برای ایرانیان و همه اقوام دیگر  
جاذبه داشت. در ایران وحدت و سعادت و  
آسایش ملت حاکم نبود بلکه تضاد طبقاتی و  
محرومیت طبقاتی ایرانیان رانج میداد لذا  
تا شعرا برابری و برادری را از آن طرف شنیدند  
در واژه ها را گوشه ندادند.

ثالثاً اگر بعد از اعراب به ایرانیان ظلم  
کردند و ناسیونالیسم راسرکوب نمودند باید  
توجه کرد که اینها حامل اسلام نبودند بلکه با  
حاملین اصلی اسلام هم شدید تر عمل کردند  
امام حسین علیه السلام خود عرب بود ولی  
بدست اعراب به شهادت رسید. همانطور  
که برای ساسانیان قبل از اسلام اساس ملیت  
نی بود بلکه حکومت خود گامه اشان هدف بود در  
اموی و عباسی نیز همین خصلت را مشاهده می  
کنیم. لذا آنچه ناسیونالیسم ایرانی راسرکوب  
کرد اسلام نبود. آنچه در مقابل ورود اسلام  
به ایران ایستاد ملت ایران نبود بلکه حاکمیت  
خدا ملی بود.

\*\*\*\*\*

من - علت اینکه شما در نشریه تان اینقدر  
مصدق را مطرح میکنید چیست؟  
ج - اولاً سعی ما این نبوده که ایشان  
را زیاد مطرح کنیم ناراحتی ما از اینجا است که  
عده های، حریانات تاریخ معاصر را طمس  
تحریر می کنند که از آن تحریرات یک خط

معرض بیماریهای بی رحمانه است و مسئولین  
ماسعی دارند کشور را به سمت اقتصاد  
خود کفای بدون نفت سوق دهند آیا سازاست  
که مستکوره هیری این جریان یعنی دگرمدق  
را با تحریف و روع، عامل امپریالیسم نشان  
دهند؟ و از این طریق انسجام امت را دچار  
تفرقه و تشتت نمایند؟

رابعاً بر اساس نصایح حضرت علی علیه  
السلام در نهج البلاغه اصولاً "مطالعه تاریخ  
و پیوند گیری از آن ثواب داشته و بایستی بقدری  
دقیق انجام شود که گویا ماد رکوجه ها و پیشکوجه  
های اقوام گذشته حرکت کرده و همه چیز را  
می بینیم.  
گله ما از مطبوعات دیگر این است که چرا  
در این زمینه ها فعال بر خورد نمی کنند؟

بقیه از صفحه ۱۸

فکر کرده اند که فخر آن کتاب الفتن بود... در کتاب جامع عیسی آریستو...  
میتواند به سبب... در این مورد...  
آزاد کرده... در این مورد...  
فکر بود... در این مورد...  
این کتاب... در این مورد...  
شود... در این مورد...  
مربوط... در این مورد...  
نمیشد... در این مورد...  
آنها... در این مورد...  
بیکر... در این مورد...  
در این... در این مورد...  
کارخانه... در این مورد...  
دارد... در این مورد...  
ادامه دارد

تمام آزاد میخواهان باید با روشن بینی و روشن نگری راه سیدلی  
حوره کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. امام خمینی



# پایان به خولانگی

س - باتوجه به خیانت باند خنایت پیشه رجوی به خلق و انقلاب شمایبشترین وظیفه را در راستای مبارزه با این فرقه باید معینده دارد. اما این وظیفه مقدس را بنحو احسن و به اندازه لازم انجام ندادند. آیا علت آن چیست؟

ج - ضمن تذکره به پیشگاه شهیدای انقلاب باتوجه به اینکه مدیون انقلاب و این شهیدای پاکباخته هستیم. به عرضتان برسانیم که در زمینه مزورانه مبارزه سیاسی ایدئولوژیک خود را از زندان در سال ۵۵ به طور آشکار شروع کردیم. دستاورد هایمان را بعد از انقلاب منتشر کردیم از جمله کتابهای "حنش ملی و ارتجاع"، "حنش ملی و کودتاهای زشتیها"، "حنش نژاد تا خیانت رجوی"، "شهرام بهرام رجوی"، "خون حنیف می جوشد رجوی می فروشد" یا "انحراف نمیتوان انحراف را مستقیم کرد" و نیز جزوات و اعلامیه های بمناسبت روزه های مختلف منتشر شد. در راه مجاهد هم در این زمینه گاه و بیگاه مطالبی آمده است. منجمه افول اخلاقی یک مجاهد در راه مجاهد شماره ۳۷.

اما یک مسئله را مد نظر داشتیم که برخورد با جریان رجوی عکس العملی نبوده و ما را از خط مشی اصلی انقلاب باز ندارد. در زندان در سال ۵۵ پس از آنکه نماینده رجوی (سعادت) از زندان اوین به زندان تهران آمد سعی داشت ما را دنبال خود بکشاند و هر روز ما را یک جیدی به ما میزد تا اتمام وقتمان به عکس العمل و پاسخگویی به این مارکها تلف شود. بعد از آن یقین رسیدیم که این شیوه مارک زدن آگاهانه و مغرضانه است و منظورش این است که ما را کار ایدئولوژیک به انسجام نرسیم بعد که این توطئه را فهمیدیم عمده ترین نیرویمان را متوجه کار انسجام ایدئولوژیک نمودیم و او بسیار ناراحت شده بود. یکروز با عصبانیت گفت هنوز دست از این کار ایدئولوژیک برنمیدارید چرا جواب اتهامات ما را نمیدید؟ آنچه بطور بنیادی در ارشاد هواداران،

میلیون بشکه قبل از انقلاب به ۲/۵ و هم اکنون حدود یک میلیون و یکمتر تبدیل شده است. گرچه عده ای از این امر ناراضی بوده و ایدئولوژی آنها را در نظر نگرفته اند. اما تحریک و فشار انقلاب امکانش را نمیدهد.

دوم انگیزه ها و فعالیت های در حال رشد برای رسیدن به خودکفایی که در انقلابیون مشاهده می شود نطفه ای است در حال پرورش. بطور مثال در زمینه منابع نظامی رشد چشمگیر وجود داشته است. در زمینه های کشاورزی و دامپروری و غیره نیز در ارگانهای مثل جهاد سازندگی، جهادگران و لاسوزی دست یگانگی و پیروزی های مختلفی در دست اقدام دارند. گرچه از طرف اقتصاد وابسته به نفت تحت فشارند اما تلاش ادامه دارد.

در مورد معطل ماندن لویج انقلابی حرفتان درست است اما باید ریشه یابی کرد که چه عاملی باعث آن شد. در اینکه امروزه جریانانی دارند از سرمایه داری دفاع میکنند تا آنرا حاکم کنند بنظر می آید این رجعت فقط در جنبه اقتصادی نیست. به قول آیت الله منتظری یک کودتای خزنده و قانونی در حال انجام است. دستهای هستند که افراد و نیروهای انقلابی را حذف و طرد میکنند و در مقابل جریانان غیر انقلابی جایگزین می شوند. خط تروریسم را تعقیب کنید عمده افراد را یکال تروریسم کردند و کتبه عناصر سازشکار و راست کار داشتند. مثلاً شهید بهشتی خود یکی از مدافعین بندج و تقسیم زمین بود، وی علیه شکجه موضع گرفت و قدرت تشکیلاتی هم داشت و از طرف روحانیون غیر انقلابی بدلیل همین افکارش به کمونیسم و التقات و غیره متهم می شد. و با آیت الله منتظری که یکی دیگر از اعضا هیئت سه نفری بودند بودند. مو دانید چه فشارهایی برای انزوا و حذف ایشان در جریان بوده و هست؟ خط تروریسم به کمک جریان مورد نظر شما (جریان غیر انقلابی حامی سرمایه دار) آمد و زمینه حاکمیت آنها را فراهم کرد.

این جریان خزنده در همه زمینه ها چون زندانها، ارگانها، آموزش، و ایدئولوژی، و منجمه اقتصاد شیوه های خود را رایج میکنند با توجه به اینکه پشتوانه شرعی و ایدئولوژیک نیز دارند.

باید توجه کرد که در سیر انقلاب تشکیلاتی که با پایگاه امپریالیسم بودند و یا هم خط یا آنها که طبعاً موی سرمایه داری هستند و تضعیف گشتند بعنوان مثال تشکیلات شریعتمدار، حجتیه، رجوی و روحانیون غیر-

مکتبی زیر سؤال رفته اند. تحقیقات ما نشان میدهد که تشکیلات حجتیه نقش زیادی در هماهنگ کردن روحانیون و مراجع علیه بندج داشتند.

س - شما پایگاه طبقاتی خود را وابسته به کدام طبقه می دانید؟ به نظر من خوره بورژوازی سنتی و مکررات، اگر این نظر را قبول ندارید دلایلتان چیست؟

ج - اگر بخواهید با فرهنگ شما استدلال کنیم منشأ طبقاتی ما همین خرد بورژوازی سنتی و مکررات است که شما مطرح کردید اما اینکه تکیه گاه و پایگاه طبقاتی امروزه ما چیست؟ باید نگاه اجمالی و ظاهری و صوری به همین نظر شما را رسم اما برای کشف واقعیت یک نکته ای قابل تامل را مطرح میکنیم و اگر در این زمینه تحقیقاتی دارید مشتاق دریافت آن هستیم.

در دیدگاه ماتریالیسم دیاکتیک جریانان اجتماعی به لحاظ ریشه یابی فلسفی به دو دسته تقسیم می شوند ایدئالیسم که معتقد به تقدم ایدئولوژی بر ماده است و ماتریالیسم که معتقد به تقدم ماده بر ایدئولوژی است. در این دیدگاه، مذهبی ها عموماً بعنوان جریان ایدئالیسم تلقی می گردند و مذهب رادیکالی خود بورژوازی و بورژوازی در شرایط فعلی می دانند.

اما محض اطلاع شما عرض می رسانیم اعتقاد ایدئولوژیک ما بر این است که هر جریان تقدم ماده بر ایدئولوژی دارد و تقدم ایدئولوژی بر ماده وجود ندارد و ایدئالیستی هستند آنچه بر ماده و ایدئولوژی وجود دارد واقعیت و وجود است. ما فرمول ماده = واقعیت = وجود را قبول نداریم و این فرمول، فرمولی است در ظاهر اشیا و از آن تشریحی و دکامتیسیم نتیجه میگرد. ماتئیکارسطویی که خدایان یک مفهوم کلی می دانند، یک تفکر غیراسلامی و ایدئالیستی می دانیم و معتقد به اصالت وجود ازلی - ابدی مستقل از ذهن هستیم.

نظر ما از آنجاکه مارکس با تفکر امپریالیسم اسلامی برخوردی نداشته صرفاً افکار کلیسیا را در تقسیم بندی خود ملاک قرار داده است. و آنرا سمبل مذهب میگیرد. مارکسیستهای وطنی و منصف با بیستی در این زمینه تحقیقات حدید و متحدید نظرهای بنمایند.

ملاحظه می کنیم که مارکسیست ها حدید از ارسطو بعنوان پدر ماتریالیسم اعصابه حیثیت نموده اند و حتی منطق ارسطو را در حوزه ذهن قبول نموده اند، این مطلب بقیه در صفحه ۳۱

س - آیا شما قبول ندارید که از لحاظ اقتصادی انقلاب رجعت نموده و روز به روز بیشتر به دامن سرمایه داری فرورفته است؟ با توجه به اینکه حتی قوانین مصوبه خود، در این مورد را مانند اصول قانون اساسی، بند ج و ... قبول نداشته و حتی به کسی اجازه دفاع از آنرا نمی دهند. در این مورد نقطه شعاع را در واقع باروشن کردن چراغ راهنمای چپ به سرعت به سمت راست پیچیده اند.

ج - برادر رسوال شما را بیستی از چند جهت مرزبندی کرد یکی اینکه اگر جوهر انقلاب رشد کرده است حتماً تمامی زمینه ها رشد داشته منتهی ممکن است رشد چشمگیر نباشد یا امروزه نزد افراد بعنوان رشد شناخته نشود. در زمینه اقتصادی یک مسئله خیلی آشکار همین میزان حد و زرف است که ارزش

## نحوه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک:

شماره ۱۲ ۱۳۰۰ ریال  
شماره ۶ ۶۰۰ ریال

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمایید.

کتابخانه لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
آقای لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱

آقای لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱

کتابخانه لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
آقای لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱

کتابخانه لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
آقای لطف الله میثمی  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱  
پانزدهم تیر ماه ۱۳۶۱

با گروه های دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، اینخواهند تقاضای اشتراک کنید